

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۴ اسفند ۱۳۵۹ بهار ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- قانون "سود ویژه": زمینه‌ای برای اوجگیری جنبش کارگری ۳ صفحه
- بیشمرگان پیکار نیروهای دشمن را به کمین انداختند ۵ صفحه
- نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی ۹ صفحه
- سخنی بادیدگاه سوم "وحدت انقلابی" ۱۱ صفحه
- ویتنام و تظاهرات رویزیونیستی "له‌دوان" (۱) ۲۹ صفحه

باز هم خرید اسلحه و استخدام مستشاران نظامی!

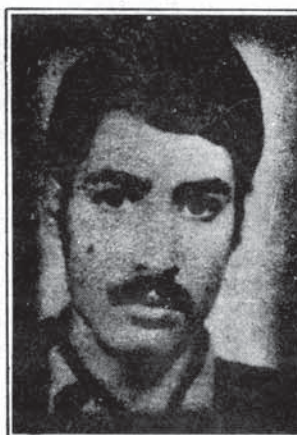
۱۹ صفحه

رویزیونیستهای
فدائی
(اکثریت)
و معیارهای
اخلاقی
بورژوازی

۱۳ صفحه



رفیق شهید



رفیق شهید
محمود صمدی

از ۲۵ دی تا ۱۵ بهمن
در مهاباد
چه گذشت؟

۵ صفحه

جنایتکاران دو کمونیست پیکارگر
را بخون کشیدند!

۷ صفحه

لیبرالها و مسئله "چماقداری"

در روزهای اخیر ما شاهد نمونه‌های فراوانی از برخورد شدید میان لیبرالها و حزب حاکم بوده‌ایم که این خودبیتا نگر و رود این اختلافات به سطح بالاتر و همراه با مضمون کیفی جدید است. اگر تا دیروز این برخوردها در حد درگیریهای لفظی و یا ضرب و شتم بصورت محدود بود، اینبار رسط درگیریها و کیفیت آن کاملاً تغییر یافته و ضرب و شتم و ترور و شکنجه یک شیوه مورد استفاده حزب حاکم در برخوردش با لیبرالها قرار گرفته است. در این میان لیبرالها - میگوشتند تا در برخورد به شیوه - های فاشیستی و سرکوب غریبان جنبش شده‌ای توسط حزب جمهوری خود را طرفدار آزادی و طرفدار توده‌های مردم جا زده و به آنها اینطور وانمود میکنند که گویا مخالف سرکوب و جوترو و خفقان هستند. و البته این برای اولین بار نیست که لیبرالها دست به بقیه در صفحه ۲

تظاهرات پیکارگران در آمل
و سران بخون کشیده شد

۲۶ و ۲۵ صفحه

فخرالدین حجازی: "عصاره انقلاب"
یا چاپلوس درگاه نوکران شاه؟

۲۱ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

چنین عوام غریبی میزند. آنها در زمان رژیم شاه نیز در شرایط اوج گیری جنبش توده ای، برای مهار ساختن جنبش و انحراف آن از جهت اصلی، حفظ منافع طبقه بورژوازی عموماً و تأمین منافع لیبرالها و سهم شدن در قدرت سیاسی خصوصاً، شروع به نوشتن نامه و عریضه به "اعلیحضرت آریامهر" شدند و در آن تاجگاه توانستند در مذمت دیکتاتوری فردی و عوارض خانگیان براندازان سخن رانند. آنها از شاه میخواستند که اگر طالب حیات و قدرت سیاسی خود هستند، باید اندکی و فقط اندکی از فشار دیکتاتوری مطلقه خود بکاهند و بعنوان سوباب اطمینان از "تفویض" خرده آزادی های لیبرالی دروغ نکنند همین آقای مهندس بازگان که تا آخرین روزهای حکومت شاه خواستار بقای او و حفظ سلطنت بود، در برابر کشتار و وحشیانه توده های مردم توسط چکمه پوشان رژیم آریامهری اظهار داشت که چرا تا وقتی از ماشین آب پاش برای پراکندن مردم می توان استفاده کرده شما از گلوله استفاده میکنید؟ لیبرالها در دیکتاتوری مطلقه شاه مرگ سیستم و طبقه ای را میدیدند که خود جزئی از آن بودند. آنها نه در غم منافع توده ها که در پی حیات و منافع خود بودند. آنها از بورژوازی کمپرادور در قدرت، درخواست میکردند که اندکی جمع شری بنشینند و برای آنها هم برای نشستن جایی را در نظر بگیرد. بالاخره دعوی آقای بازگان و لیبرالهای "محترم" رژیم شاه دعوی میان دلدادگان بود، دعوی میان دو قشر از یک طبقه دعوی بر سر چگونگی حیات و حفظ طبقه و اعمال این یا آن شیوه سرکوب جنبش توده ای.

و دیدیم که چگونه لیبرالها به "مشروطیت" خود رسیدند "و به برکت خون هفتاد هزار شهید و صدها هزار معلول و اسیر یکمک باران خیزده بورژوازی خود و همراه با آنان به قدرت تکیه زدند و کوشیدند تا با سوار شدن بر امواج انقلاب نه تنها خود را به ساحل مزاد برسانند، بلکه از شدت وحدت آن بکا هندو مانع از آن شوند که امواج خشم توده ها پایه های سیستم سرمایه داری وابسته را دغاغان نماید. آنها نه تنها از نابودی ارتش توسط توده های قهرمان در خلال قیام خونین بهمن جلوگیری کردند، بلکه از همان فردای غصب قدرت سیاسی، بازسازی آنرا در دستور فوری و درجه اول خود قرار دادند. چرا که بخوبی میدانستند، بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته به امیربالیسم که هدف اصلی آنها را تشکیل میداد تنها از طریق ماشین سرکوب دولتی و در رأس آن ارتش و نیروهای انتظامی امکان پذیر خواهد بود. لیبرالها از همان فردای قیام کوشیدند تا روابط خود را با امیربالیست ها و بیوزها امیربالیسم آمریکا که در سایه قیام توده ها و نابودی رژیم سلطنتی شاه

دخا را اختلال جدی شده بود، سپرد بخشیده و با اصطلاح آب رفته را بجوی بازگردانند. روشن است که لیبرالها در تمامی این کوشش ها و اقدامات قدم در می خود تنها نبودند و همواره از همکاری و همکامی صمیمانه دیگر بخش های بورژوازی که در شورای انقلاب و حزب لائنداشتند و همچنین خرده بورژوازی مرفه سنتی و از آن جمله است الله خمینی برخوردار بودند. اما دیری نگذشت که بر پایه تضادهای موجود دعوی قدرت میان جناح های حاکم بالا گرفت و خواب خوش لیبرالها را که ابزار کلیدی قدرت را در اختیار داشتند برهم زد و جناح دیگر نیز در نیروی فاشیست در قدرت بدست گرفت و لیبرالها را یکی پس از دیگری از مواضع کلیدی و حاکم حکومت کناره زد.

اکنون که لیبرالها در قدرت سیاسی در وضع قرار گرفته و همواره از سوی جناح حزب اینجا و آنجا تحت فشار قرار دارند، صدای مخالفت خوانی را که البته در گذشته نیز وجود داشت - باز تر کرده و بیاک و فربا دیرداشته اند که استبداد دیکتاتوری هزاره است و اگر برای آن چاره ای اندیشیده نشود انقلاب در خطر است. یعنی صدر و دیگر همپالکی های او از نبودن آزادی و مصون نبودن جان و حیثیت افراد و فروریختن ارزشها خود را نگران نشان میدهند و آنچنان از شکنجه و زندان این سیاسی، ترور و عدم امنیت قضائی، حمله به اجتماعات و تظاهرات و عدم امکان فعالیت گروه های سیاسی داد سخن میدهند و خود را سینه جاک آزادی نشان میدهند که گوشتی شا همین دیروز آنها نبودند که فرمان کشتار خلق کرد و ترکمن را مادر کردند. برآستی جنبش کارگران بیکار و شاغل در اکثر نقاط ایران به دستور چه کسانی بخون کشیده شد؟ مگر همین شورای انقلاب که آقای بنی مدرو بازگان و یاران لیبرالشان نیمی از کرسیهای آنرا اشغال کرده بودند، نبود که حکم بر لفسود ویژه کارگران داد؟ ما و ما یعنی ساواک جدید توسط چه کسانی پای گرفت؟ "فانون ویژه" که بر اساس آن باسداران و مزدوران ارتجاع را بر زندگی و حرکت کارگران در کارخانه حاکم می ساخت، مگر توسط شورای انقلاب تصویب نشد؟ تحدید عملی قانون ۱۳۱۰ رضاخانی درباره ممنوعیت فعالیت گروه های کمونیستی و انقلابی و محکومیت آنها توسط چه نهادی جز همین شورای انقلاب تصویب و تأیید گردید؟ مگر همین آقای بنی مدرو بود که امسال را سال امنیت نام نهاد و منظورش را از امنیت در خطاب به ارتش اینطور بیان کرد که شما حق ندارید تا زمانی که کردستان را سرکوب نکرده اید یوتن - ها این را رادز ورید؟ حمله به دانشگاه و کشتار دانشجویان کمونیست و انقلابی با تاخیر و همکامی چه کسانی جز بنی مدرو و دیگر لیبرالها

صورت گرفت؟ مخالفت بنی مدرو با ترور رهبران خلق ترکمن آیا جز این بود که گفت آنها بجای ترور باید اعدام میشدند؟! حمله ارتش به کردستان برای دومین بار در اردیبهشت ۵۹ به دستور چه کسی صورت گرفت؟ موضع آقای بنی صدر و لیبرالها در برابر کشتار و گروه گروه مردمی - دفاع روستاهای کردستان چه چیزی جز تاخیر بوده است؟ آیا ممنوعیت انتشار و فیسروشن نشریات کمونیستی و انقلابی و دستگیری و شکنجه و تیرباران کمونیست ها و انقلابیون جز تاخیر و تصدیق بنی مدرو صورت گرفته است؟ باز - سازی ارتش، بکار آمدن فرماندهان مزدور ارتش آمریکا و خرید سلاح های سنگین و سبک از امیربالیست های غربی و تروری به دستور و تاخیر چه کسی جز بنی مدرو فرمانده کل قوا صورت گرفته است؟ در یک کلام مگر نه اینست که بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و حفظ یا تجدید بسیاری از قرارداد های امیربالیستی و سرکوب جنبش توده ای توسط رژیم صورت گرفته که در آن لیبرالها و از جمله بنی صدر نقش فعال و در مواردی غالب را داشته اند؟ پاسخ این سوالات در تمامی موارد مثبت است و خلق ما نه تنها در گذشته نزدیک بلکه هم اکنون نیز شاهد آنست که لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر، علیرغم تمامی اختلافات خود با جناح حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی آنجا که پای حیات کل سیستم و جنبش اعتراضی و انقلابی توده ها مطرح است، دست در دست حزبها و مشترکاً قیام سرکوب خود را بر سر مردم زحمتکش ما فرو نمی آورند و کوچکترین سختی هم از آزادی و دموکراسی برای توده ها و نیروهای انقلابی مطرح نبوده و نیست.

بنی مدرو در سخنرانی ۲۲ بهمن همان گفته ۱۲ فروردین خود را تکرار کرد و گفت باید داشت - با شید که من این سال را سال امنیت نام نهادم و این میسر نمی شود مگر با کوشش و فداکاری (بخوان سرکوب و کشتار) ارتش جمهوری اسلامی. اگر امروز بنی مدرو لیبرالهای ندای مخالفت با "چماقداری" را سر میدهند، این نه به معنای آزادی خواهی و دفاع از منافع توده ها و مخالفت با دیکتاتوری بورژوازی، بلکه صرفاً نگرانی از مخالفت با جناح حزب بر سر تمام سهم بیشتری از قدرت و تیرباران توده های هر چه وسیعتر و جلب و جذب آنها بسوی خود میباشد. اختلاف آنها با حزب نه بر سر دفاع از آزادی و استقلال و دفاع از خواستهای دموکراتیک توده ها، بلکه بر سر چگونگی بازسازی این سیستم و نحوه سرکوب جنبش توده ای است. آنها بر سر اصل بازسازی سیستم و سرکوب جنبش توده ای کوچکترین اختلافی با ندارند و از مدت ها قبل با یکدیگر "میثاق وحدت" بسته اند.

بقیه در صفحه ۲۲

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

سیمان تهران:

کارگران این کارخانه در ادامه مبارزاتشان برای گرفتن سودویژه، روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۲۱ اجتماعی تشکیل داده و در بارها اینک سودویژه حق مسلم کارگران است و باید پرداخت گردد، صحبت کردند. زمانیکه ۲ ساعت از تشکیل این اجتماع میگذشت یکی از کارگران مبارز محبتش تمام شد، فالانهای انجمن اسلامی او را دستگیر کرده و تحویل یکی از پاسداران میدهند. پاسدار رمزدور نیز به ضرب و شتم کارگر مبارز - داخه و ضمن زدن بر چسب همیشگی "مدا انقلاب" به وی، او را به کمیته میبرد که این عمل با اعتراض کارگران مواجه شد. آنها در مقابل چشمان خود حمایت پاسداران سرما به از سر ما داران و ضدیشان با کارگران را مشاهده کردند. کارگران و شورای کارخانه برای آزادی این کارگر مبارز که اکنون چند روز است که در زندان اوین بسر میبرد، به تلاش خود ادامه میدهند.

هشیاری کارکنان جنگزده صنعت نفت جبهه‌های رژیم را خنثی میکند!

اخیرا حدود ۴۰۰ نفر از کارکنان جنگ زده صنعت نفت مقیم شیراز را برای انتقال موقت به پایلشگاه شیراز زیروشیمی و گاز میفرستند، تا مشغول کار شوند. کارکنان که به خصوص بعد از جنگ به ما هیت ضد کارگری رژیم پی برده اند به تحقیق در مورد چگونگی پرداخت حقوق و مزایای خویش میپردازند. آنها متوجه میشوند که هیچ گونه تضمینی در مورد دادن حقوق کاملشان، مسکن و خوار و رواج ندارند. به همین جهت کارکنان روز ۵۹/۱۱/۲۱ بطور دسته جمعی به محل ستاد (با نگاه صنعت نفت) رفته و ضمن اجتماع اعتراض آمیز خود خواستار پرداخت حقوقی صریح مسئولین میشوند. اما مسئولین ستاد پاسخ قابل قبولی نداشته و مثلاً برای رفع مشکل مسکن جنگزدگان وعده میدهند که با هلال احمر مذاکره کرده و تقاضای چادر کنند! کارکنان مبارز هدف دولت را اینگونه اقدامات که چیزی جز متفرق کردن کارکنان نیست را در اجتماع خود افشا میکنند و برای پیگیری در رسیدن به خواسته‌هایشان تشکیل اجتماع دیگری را در روز ۵۹/۱۱/۲۳ اعلام مینمایند. ■



جنبش کارگری

قانون "سود ویژه": زمینه‌ای برای اوجگیری جنبش کارگری

منظور از انتقال فشار بحران برداشتن کارگران و زحمتکشان انجام دهد. آنچه اکنون مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح مسئله سودویژه و برخورد رژیم با آن و عکس العمل جنبش کارگری نسبت به این مساله و بررسی شعار میجی است که می بایست در این رابطه مطرح گردد.

۱- سودویژه چیست و به چه منظوری بوجود آمده است.

سودویژه در حقیقت جزئی از حداقل دستمزد کارگران است که بعنوان "سود ناشی از تولید کارگر" به آنها پرداخت میگردد. طبقه سرما به - بقیه در صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سیستم سرما به - داری وابسته به امپریالیسم است، با بحرانهای عمیق اقتصادی روبرو است و روز به روز بر شدت بحران افزوده میشود. لیکن رژیم جمهوری اسلامی میکوشد فشارهای ناشی از بحران را بر سر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل کند تا خود را در امان نگاه دارد. افزایش تورم، افزایش نرخ کالاهای چون بنزین و... افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، گوشه‌هایی از انتقال بحران به دوش کارگران و زحمتکشان است علاوه بر آن کمبود مایحتاج اولیه، افزایش ساعت کار کارگران و آخرین حرکت، کاهش میزان سود ویژه از جمله اقدامات دیگری است که رژیم به -

از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

۲- کارخانه سیتروئن:

یکی از مسائلی که قبل از جنگ در کارخانه مطرح بود، مسئله لغو سودویژه توسط رژیم و پرداخت ۲ ماه حقوق بجای آن بود. کارگران که سابقا حداقل معادل چهار ماه حقوق، سودویژه دریافت میکردند و علاوه بر آن در سال گذشته ۲۵۰۰ تومان هم عیدی گرفته بودند، با ناباوری نسبت به اجرای قانون جدید تکرر شده و آنرا عملی نمیدانستند. کارگران مصمانه این را میداشتند که: این حق ما است و حتی آنرا از گلوبان بیرون خواهیم کشید.

مسئله دیگر، طبقه بندی مشاغل بود. کارگران که بعضی از آنها حتی نسبت به همکاران خود کمتر حقوق دریافت میکردند. همگی خواهان افزایش دستمزد خویش بودند. اما هنوز هم حقوقشان افزایش نیافته است. علاوه بر همه اینها گران شدن روزافزون و بی حد و حساب مایحتاج زندگی کارگران، آن - چنان فشاری بر برگرداند آنها وارد میگرداند که مواج ناراضی و اعتراضی روز بروز گسترش مییافت. با آغاز جنگ ارتجاعی میان رژیمهای ایران و عراق، تمامی مسائل مذکور موقتاً تحت التماج

آن واقع گشته و ذهن کارگران از مسیر مبارز - اتیشان بسوی جنگ سرما به داران منحرف گردید. بطوریکه در روزهای اول جنگ همه حاجات جنگ و عملیات نظامی رژیم مطرح بود. تبلیغات کرکننده رژیم در مورد "دفاع از میهن" نیز به این افراد من میزد. انجمن اسلامی کارخانه (این پاسدار منافع سرما به داران)، بر فعالیتهای ضد کارگری افزوده و از تعدادی از کارگران جهت اعزام به جبهه نامنوبی بعمل آورده بود. البته ما گفته‌ایم که کارگران درک درستی از رفتن به جبهه نداشته و غالباً به (دنیا له روی از جریان عمومی جامعه که توسط رژیمداران زده میشد، میپردازد). اما از همان ابتدا هم بخشی از کارگران نگرانی خود را نسبت به آتی - شده جنگ و اینکه میتواند در شرف نجات خود باشد - ایشان داشته‌اند. برای امضا شدند. مخصوص از این جهت که علت نداشتن هیچگونه پس انداز و حتی مقروض بودن، نخواهند توانست شکم زن و بچه خود را سیر کنند.

با گذشت زمان و ادامه جنگ کارگران کم کم

بقیه در صفحه ۳۱

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

جینٹس
کارگری

بقیہ ۱ ز صفحہ ۳ **قانون** ***

دارا از این طریق می‌کوشد و از دستمزدهای رسمی
کارگران را هر چه بیشتر محدود نماید و پرداخت
بخشی از آنرا که بعنوان سود ویژه خوانده می‌شود در
ابطاع به میزان سودبری کارخانه که در هر سال
می‌تواند تحت عوامل گوناگون تغییر نماید،
متناسب نماید. بدین ترتیب اگر رکودی در امر
تولید وجود آید، میزان سود ویژه کارگران عملاً
کاهش می‌شود و تحت تأثیر میزان سودآوری
کارخانه نوسان دارد. بنابراین کارفرما با پرداخت
بخشی از دستمزد کارگران به عنوان سود ویژه
می‌کوشد تا کارگران را قریب داده و چنین وانمود
نماید که گویا کارگران در سهم بردن از سود
تولیدی که معمول کارآنان است "شریک هستند"
و بنا بر این بر روی استثمار کارگران توسط
سرمایه‌داران پرده‌ها تراشیده و کارگران را
دعوت به تولید بیشتر به منظور کسب سود بیشتر
نماید و بدین ترتیب با تشدید استثمار کارگران
پول بیشتری به جیب بزند. ثالثاً سرمایه‌داران
با عدم پرداخت بخشی از دستمزد روزانه که تحت
عنوان سود ویژه، به لایحه یا شش ماهه یا شش ماهه
پرداخت می‌شود، عملاً سرمایه‌های هنگفتی را در دست
خود می‌ریختند و آنکه با این می‌توانند سرمایه
گذاری بیشتری ننموده و با حداقل با سرمایه
گردش انداختن آن سرمایه در بانکها، ازبهره
برآوردن آن جیب گشاد خود را برنمایند.

بدین ترتیب فلسفه وجودی سودیروزه تلاشی است برای فریب کارگران بمنظور ایجاد سازی کاذب بین کار و سرما به که گویا هر دو در سرنوشت تولید و تعلق محصول آن به خود شریک و "هم سرنوشت" هستند، درحالی که پرواضح است سرما به داران که حیات و معاششان در گرو استثمار روحیانه طبقه کارگراست، هرگز حاضر نخواهند شد که کارگران را در سودبری از محصول تولیدشان با خود سهیم نمایند.

۲- سیاست رژیم جمهوری اسلامی در قبال سود ویژه:

وزیرشاه‌ها شن با تصویب پرداخت ۴ ماه از حقوق کارگران بعنوان سودویژه‌گوشدنا اهداف مذکا رگری خود را جامه عمل بپوشاند. اما رژیم جمهوری اسلامی همانطور که در ابتدا گفتیم بنا بر سیاست عمومی اش در انتقال فشار بحران بدوش کارگران و زحمتکشان و بسا بهانه‌های احقانه و از جمله اینکه پرداخت سودویژه، در زمان رژیم‌شاه برای قریب‌کارگران بوده‌سته گوسیدنا در سال ۵۸ سودویژه را که بخش لاینفک دستمزدکارگران بود دوفسوزید که البته تحت فشار کارگران موجود شدیم. از مبلغ سودویژه

یعنی حقوق ۲ ماهه رایگان کارگران پرداخت خواهد شد. اما سال نیز رژیم در نظر دارد هفتمین برپا می دهد کارگری را بپایان دهد و در شرایطی که فشار طاقت فرمای زندگی، قیمت سرمایه و کارگاه های مورد نیاز و... برداش کارگران سنگینی میکند سودویژه کارگران را بدون افزایش دستمزد معادل آن لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماهه بتوان عیدی و پاداش سالانه پرداخت نماید درحالی که پاداش عیدی امری کاملاً متفاوت از سودویژه که دائمی و ثابت و جزئی از دستمزد است میباشد و بدین ترتیب ندادن کارگران خود بخاطر دارند که در زمان رژیم شاه، پاداش عیدی که البته بازاری برای فریب کارگران و اادار کردن آنها به تولید بیشتر بود، علاوه بر سود ویژه کارگران پرداخت میگردید.

رژیم جمهوری اسلامی برای سربوختن
برای اقدامات گریز و فریب کارگران در نظر
ارده علاوه بر این دو ماه بکارگران موسسات
تولیدی ای که میزان تولید آنها نسبت به
سالهای ۵۸۵۷۵۵۶ افزایش داشته باشد، باز
هر در صد، یک روز و دو ساعت ۴۰ روز حقوق داده
شود و اما تیرگی بالاتر از این نمیشود. آخر
کدام موسسه تولیدی است که تولید آن در مقایسه
با سالهای گذشته افزایش داشته باشد؟ و تازه
بر فرض چنین افزایشی در معدودی از کارخانجات
پرداخت ۴۰ روز حقوق چه دردی از کارگران را
دوا خواهد کرد؟ گذشته از این رژیم میکوشد با
ارائه این طرح، رقابت بین کارگران را دامن
زده و آنان را به "تولید بیشتر" تشویق نماید و
از این طریق هر چه بیشتر آنان را مورد استثمار
قرار دهد.

۳- عکس العمل کا رگران و شعاً رصحیحی کہ باید مطرح شود:

همانطور که گفتیم در شرایطی که بالا رفتن هزینه زندگی، پایین بودن سطح دستمزد، کمبود مایحتاج اولیه، افزایش ساعت کار، پرداخت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تحت عناوین کمک به چنگزدگان و دولت و... بیشترین فشار را بر زندگی کارگران وارد میآورد، کاهش دو ماهه زحمات سودویژه آنان، ضربه‌ای سخت و تشدید فشاری غیرقابل تحمل بر دوش کارگران است. از این رو روشن است که کارگران بشت در مقابل این تصمیم ضد کارگری دولت استبدادی نمود و حاضر نمی‌شوند قاعده جدید سودویژه پیاپی ده شود. هم‌اکنون کارگران در کارخانه‌ها با ناباوری به این طرح نگریسته و تصمیم دولت را بیشتر به یک "شوخی زننده" تلقی می‌کنند. اجرای طرح فوق آشفتن اعصاب جنبش کارگری را منفعّر خواهند نمود و کارگران را به مبارزه‌ای سخت و حیاتی برای مقابله با اجرای آن خواهند کشاند. اما شایان ذکر است که در مقابل تصمیم دولت چه باید باشد؟ کارگران باید با طرح "تازمانیکه"

۳۵ درصد به دستمزد اضافه شده، چهار ماهه سود ویژه پرداخت یا بگذرد، به مبارزه و مقا بله با تصمیم رژیم برخیزند. شما رفیق نشاندهنده آن است که اولاً کارگران ما هیت فرییکاران «سودیژه» را می شناسند و به آن نه بعنوان شراکت خود، در سهم گیری از محصول تولیدشان، بلکه بعنوان بخشی از حداقل دستمزد ثابت خود میگردانند که حدود ۳۵ درصد حوقشان را تشکیل میدهد و تا زمانی که این حقوق به دستمزد نشان باشند، افزوده نشده سودیژه را تنها نباید لغو یا کاستی باید، بلکه باید از آن چهار ماهه در سال یا بدینسان سود ویژه پرداخت کرد.

می شک راه و طرق گوناگون مبارزه کارگران با توجیه سطح آگاهای کارگران در هر کارخانه متفاوت است از این رو با توجیه مجموعه شرایطی که از نظر عینی و ذهنی وجود دارد، کارگران پیشرو می بایست با آگاه کردن توده های کارگرنیست به این توطئه جدید رژیم و عواقب و ششناخت آن در زندگی کارگران تمامی کارگران را حـول شعار فوق بسیج کرده و ضمن تماس گیری با کارگران سایر کارخانجات، چه از طریق شورا - های واقعی شان (اگر موجود باشد) و چه از طریق دیگر، بکوشند حرکت یکپارچه و متحدانه ای را در قبال رژیم در پیش گیرند. برپای اعتماد در کارخانه، تظاهرات در جلوی وزارت "کار"، جلوگیری از خروج کارآگاهان از کارخانه و... طرق گوناگونی است که به وسیله آن کارگران می - توانند سیاست ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را در رابطه با سودیژه خنثی نمایند.

تا قبل از اضافه نمودن ۲۵ درصد به دستمزد
کارگران، ۴ ماه بعنوان سود ویژه پرداخت باید
کرد!

هرچه گسترده تر باشد جنبش کارگران ایران
مرگ بر سیستم سرمایه داری وابسته به
امپریالیسم

برقرار با ديمپھوري دمکراتيک خلق
سازمان بيکار در راه آزادي طبقه کارگر

09/12/1

تصحیح و پوزش

در خبری که در پیکار ۹۰ راجع به دستگیری ۶ تن از ارکان جنگزده صنعت نفت درج شده بود، اشتباه از هر شش نفر بعنوان نماینده شورای سراسری کارکنان نام برده شده بود. در صورتیکه تنها ۳ تن از این عدده نامیده شورا بودند که بدین وسیله اصلاح میشود.

فنان، مسکن، آزادی

در مهاباد چه گذشت؟

کزاری ارحامه مقاومت خلق کرد
در مهاباد از ۲۵ دیماه تا ۱۵ بهمن

بدین سال پیش شدن تا بعد سخیر شهر مهاباد توسط سیمرگان در تاریخ دوم بهمن، از روز ۲۵ دیماه با داران، ارتش و جاشهای مزدور رژیم، کلید راههای خروجی شهر را زیر کنترل جدید خود گرفته و عبور و مرور در جاده های مشرف به شهر را ممنوع اعلام کردند. از همین روز کلیه ساکنین های شهرستان خود را از رژیم از تحویل سوخت به آنها منع کردند. با داران ضد خلق در شهر برانگیخته شده و ضمن قدرت نمایی و کنترل شدید شهر، به تهدید و آزار عوام مردم حمله می نمودند. در ۲۶ دیماه مسئول سباه با داران در مهاباد مردم را تهدید کرد که در صورت پناه دادن به سیمرگان اعدام خواهند شد. او همچنین طی سخن خود به ما موصیای شیخ عزالدین حسینی نوین بود که مردم اعتراض کرده و پیوسته از انعام حیرانی مسئول با داران، مصدر ارتکاب کردند.

بدینال وقایع فوق مزدوران رژیم که از تهدید و آزار اهالی مهاباد بهره نمی بردند - با داران و حصار بهارن شهر را تا ۱۱ غامز می کردند. در ۲۷ دیماه سیمرگان قهرمان کوملدا و لیس مریدان نیروهای ضد خلق وارد می شدند. در این روز سیمرگان کومله "اکبر حیری" جانی مشهور را به قتل رساند. به منتهای وحشیگری و شجاعتی از نمایان سول کوملدا در مهاباد که در ۲۸ دیماه سیمرگان حصار مهاباد را محاصره کردند. در این محاصره سیمرگان با استفاده از تانک و توپخانه و سایر وسایل جنگی وادار می کردند. در این محاصره سیمرگان با استفاده از تانک و توپخانه و سایر وسایل جنگی وادار می کردند.

در ۲۹ دیماه یک ریل ارتشی در شهر - مورد حمله سیمرگان دمکرات قرار می گرفت که طی آن چهار مزدور رژیم کشته و ۲ نفر دیگر زخمی شدند. تاریخ ۳۰ دیماه نیز وضعیت سباه آرمی خود میگردید و آمدم در حصارهای شهر را ترک می نمود. با داران ارتش و با داران ارتش را که - های دسی سوزی مردم همچنان ادامه دادند. روز چهارم بهمن، ول بهمن ماه سیمرگان قهرمان خلق کرد را در کورد آغوش خلق سمدیده نمود. فرار کرد و در سبزه ها فریاد می زد. فرزندان دلیر کردستان بخیر اعظم شهر را تحت کنترل خود در می آورند. روز دوم بهمن در یکی از محلات شهر



یکسال از کشتار وحشیانه خلق ترکمن گذشت

رژیم جمهوری اسلامی سوراخای دهقانی ترکمن صحرا را به خون کشید.
ز بهران شورای سراسری اتحادیه های دهقانی ترکمن
صحرا بدست پاسداران سرمایه بشهادت رسیدند.

ترکمن "برای راهپیمایی بهناست ما نکردند" ساکنان ارتجاع برای عملی یافتن منطقه سوس دست بکار شدند و از طریق عوامل آل ذلت رس - داران و فتوایهای منطقه اعلامیای وحشی کردند که در آن اعلام شده بود از سباه مهاباد برای جلوگیری از عمل خواهد آمد و بدینوسیله رسیده یورش به سراسر ترکمن را ادامه دادند. با داران ارتجاع شمشیر (احمدی) عجل از راهپیمایی ۱۹ بهمن چهار سباه سده خلق ترکمن رفقا بوماج، مخوم، واحدی و جراحی را سب - ربا بند و به تهران اعزام می کنند و بر سر کشته های وحشیانه می کنند.

روز ۱۹ بهمن ۵۸، صوف مردم مبارز کرد برای بقدرت رسیدند

در سال گذشته، از ۱۹ بهمن بدست سراسر از یکپارگی خلق ترکمن مورد حملات وحشیانه ارتش و پاسداران ارتجاع قرار داشت. کشتار مبارزات خلق ترکمن و تشکیل اتحادیه های دهقانی رژیم جمهوری اسلامی را بوحشت انداخته بود. سردمداران رژیم، علاوه بر اینکه از طریق مرتجعینی چون خامنه ای و جمران فتوایها و زمینه را برای بزرگ و بر علیه خلق ترکمن مسلح می کردند، از طریق ارکانهای سرکوبگرش نیز به مقابل با جنبش و جگر بند شده های خلقی ترکمن می پرداخت. ارتجاع حاکم در تدارک یک حمله وسیع و گسترده بر علیه خلقی ترکمن بود و به همین منظور نیروها بیش از ۱۲ ماهه کرده بود. با دعوت کانون فرهنگی سیاسی خلق

پیشمرکان پیکار نیروهای دشمن را به کمین انداختند

۵۹/۱۱/۸ - در این روز سیمرگان سکاکن "کزنه" و "چناره" در جاده سجد - کامران به کمین نیروهای دشمن بنسبت سوسی حاکم ارتشی و پاسداران را به هنگام عبور از جاده مورد حمله قرار دادند و آن را بر اساس لایحهای خود گرفتند. پس از مدتی از "پایگاه کزنه" و فرودگاه سجد نیروهای کمکی خود را به محل درگیری رساندند. سیدیکامات و دهدهدهدهدهده داشت و طی آن حداقل ۱۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. در بدو درگیری یک آمبولانس مرتباً در رفت و آمد بود و کشته و زخمی ها را به پایگاه منتقل میکرد. پس از این سیمرکان همگی سالم ماندند. با سکا کهای خود را کشند.
(خبر ساه ۱۱۱ کوملدا)

بزرگداشت سالروز ۲۲ بهمن در بوکان

طبق برنامه سراسری سازمان جهت بزرگداشت سالروز قیام، در بوکان نیز مراسمی به دستور سازمان ما و سازمان روزمندان برگزار کردند. ساعت ۳ بعد از ظهر حدود ۱۰۰۰ نفر از زحماتشان بوکان در مقابل مقر سازمان برگزار کردند. مدینه پرچم سرخی با جمله معروف "کارگران جهان متحد شوید" در اهتزاز بود، سپس سخنانی پیرامون اهمیت تاریخی ۲۲ بهمن ایراد شد. سرود انترناسیونال بزبان کردی و اجرای چند برنامه هنری و سرودهای انقلابی و سخنرانی یکی از پیشمرکان پیکار پیرامون جنگ اردشاهی و شاهداتش در جنوب، بخش های دیگر مراسم را تشکیل میداد. مراسم بزرگداشت با استقبال زحماتشان بوکان رو برو گشت. جمعیت مستقل میلمان کردستان نیز طی بنای می از پیشینک پشتیبانی کرد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



تظاهراتی بر علیه رژیم ضد خلقی برگزار میشود. شهر در جوش و غلیان خلق ستم دیده غرق شده است مردم با آتش زدن لاستیک خاطره دوم بهمن سالروز اعلام جمهوری گردستان را گرامی میدارند.

روز چهارم بهمن، یک رییوی ارتشی در کمین پیشمرگان دمکرات قرار میگیرد که در طی یک درگیری ۱۰ نفر از سر نشینان ریبو کشته و ۱۳ نفر دیگر دستگیر میشوند. در همین حین رادیو مهاباد طی اطلاعیه ای میگوید که در صورت عدم تحویل دستگیر شدگان، نیروهای رژیم ضد خلقی شهر را ویران خواهند کرد. بعد از ظهر همین روز ماشین توپوتای جاشا که قصد بدیدن غذا به محل استقرار پاداران را داشت به کمین پیشمرگان انقلابی کومله می افتد که پس از دو ساعت درگیری ماشین آتش گرفته و ۴ جاشا و پادار کشته میشوند و یک تیربار کالبر ۵۰ و تعدادی ژ - ۳ بدست پیشمرگان می افتد در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان کومله بنام "کاک سلیمان" در راه آرمانی های انقلابی خلق گردگان میبازد پادش گرامی و راهش پادار باد!

در تاریخ ۶ بهمن یک ستون ارتشی که از ارومیه آمده و قصد ورود به پادگان مهاباد را داشت، مورد ضربات بی امان پیشمرگان جنبش مقاومت قرار میگیرد. که طی آن تعدادی از افراد آن کشته و زخمی میشوند. ۶ هلیکوپتر توپدار که این ستون را اسکورت میکردند قسمتی از شهر را زیر گلوله های توپ میگیرند.

در تمامی این روزهای پر شکوه برای خلق کرد، مزدوران رژیم چه با خنجر و گلوله یا با شمشیر و پیاپی مای رادیوئی، مردم و پیشمرگان را به یورش همه جانبه تهدید میکنند. مردم به علت بسته بودن مغازه ها از نظر تامین نان و آذوقه در مضیقه هستند و در آخر خیمه ها را با آتش و درمقصدی انجام میگیرند. اما با وجود این، روحیه مردم و پیشمرگان بسیار عالی است. اهالی زحمتکش مهاباد خواهان مقاومت هستند و تنها شعار آنها "ماندن پیشمرگان در شهر" است. روحیه همبستگی تمام و همکاری مردمی بنظر است. کمک به همدیگر، پناه دادن افراد بی پناه جمع آوری کمک مالی برای اشخاص نیازمند نمایی از قدرت و ادویه یکبارگی خلق قهرمان کرد است. اهالی زحمتکش روستاهای اطراف با جان و دل به رساندن کمک مشغول هستند. سیل کمکهای جمع آوری شده از تمام روستاهای اطراف

بطرف مهاباد رسیده است که با کمک پیشمرگان بین اهالی شهر تقسیم میشود. مصداق انبیا رهای سوختی (نفت و بنزین و گازوئیل) شهر توسط مردم و تقسیم آن بین اهالی زحمتکش کماکان ادامه دارد. از روز چهارم بهمن پیشمرگان قهرمان پیکار همچون سایر پیشمرگان وارد شهر شده و به کمین -

بقیه از صفحه ۵ یکسال...

را هیماشی وارد گنبد می شدند، مورد حملات وحشیانه پاداران جهل و سربا به قرار گرفت. منطقه ترکمن نشین شهر به محاصره پاداران، ارتش و عوامل مرتجعین فتوادل و زمیندار قرار گرفت. سرکوبی که با حمله پاداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی با سنگ و چوب آغاز شده بود، بسیار زود گسترش یافت و توپها و مسلسلهای مزدوران رژیم به کشتار خلق ترکمن پرداخت. ارتش با تانک و توپ و خمپاره کمک پاداران شتافت. بخش ترکمن نشین گنبد و ویرانه های مبدل شد. دهها شهید و صدها زخمی و هزاران آواره از این کشتار وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی بر جای ماند. نماینده "پاداران" در "منظره تلویزیونی" (۱ اسفند ۵۸) اعتراف کرد که از توپهای کالبر ۱۰۰ استفاده کرده بودند. بنی صدر خاشاک نیز که بتازگی برپاست جمهوری رسیده بود در سرکوب خلق ترکمن دست در دست خاشاک ها و چمران ها داشت. اوباشا بیشرمی اعلام کردند که این "فقط ۱۰ درصد طاعت است!" رژیم جمهوری اسلامی دهها هزار خلق ترکمن را بخاک و خون کشید و ۴۰ رهبر شورا های دهقانی را به فجیعترین شکلی و پس از شکنجه های فراوان به شهادت رساند و ده درگاه گنبد بخنجر و تاخت (۲۶ - ۲۹ بهمن ۵۸) و این منطق تمام رژیمهای ارتجاعی است که مبارزه انقلابی توده ها را با سرکوب یا خنجر و تاخت آنها راه مسلسل و توپ به بنددولی آنچه که در پیروزی خلق ها نقش تعیین کننده دارد، رهبری و مشی حاکم بر مزارات توده ها است. در جریان سرکوب خلق ترکمن، رهبری سازمان چریکهای فدائی عملا با پیش گرفتن سازشکاری به سرکوب مزارات خلق ترکمن باری رساندند. آنها بجای تعرض انقلابی در مقابل هجوم

وحشیانه ارتش و پاداران جمهوری اسلامی موضع تسلیم طلبانه اتخاذ کردند و موجب شدند که ارتجاع حاکم با یک حمله گسترده دستاوردهای مبارزات چندین ماهه خلق ترکمن و شورا های دهقانی را نابود کند. طبیعتی است که موضع منفعل فدائیان دروازه گنبد و کشتار خلق ترکمن ریشه در تفکر و علیه گرایشات روبریزو - نیستی بر آنجا داشت، گرایشات که با تعمیم خود بخش بزرگی از سازمان رادروپه روبریزو - نیم غرق کرد. بخاطر همان گرایشات روبریزو - نیستی بود که فدائیان بحالی اینکه راه انقلابی در پیش گیرند و به توده ها اعتقاد داشته باشند از بنی صدر مرتجع که در کنار حزبی ها از عوامل ملی ملی سرکوب خلق ترکمن بودمخارات و معرفی عوامل در کربهای گنبد و کشتار وحشیانه ۴ نماینده خلق ترکمن را میخواستند (منظره معروف تلویزیونی) حال آنکه خود بنی صدر یکی از خیلان خلق ترکمن بود.

در مابین روزه هر خلقی نشیب و فراز بسیار داشت، اما مبارزه طبقاتی هرگز خاموش نمیشود، علیرغم کشتارهای وحشیانه و وجود خیانتکاران روبریزو نیست های "اکثریت" به خلق ترکمن، این خلق قهرمان و ورزندگان انقلابی اش با درگیری از مبارزات گذشته و سبزه دستاورد های دوسال گذشته به پیکار خود علیه ارتجاع و عوامل مزدورش ادامه میدهند. مبارزه ای که همدوش مبارزات دیگر خلقهای ایران و با تحقق رهبری منسجم و سازمان یافته طبقه کارگر بر آن پیروزی زحمتکش را بدست خواهد داشت.

با درود بر خا طره شهدای خلق ترکمن! پیروز با دمبارزات انقلابی خلق ترکمن و دیگر خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی!



گذاری و جوله شیان در شهر و تبلیغ در روز بیدارند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مقابل اراده آهین خلق قهرمان کرد و پیشمرگان قهرمان در مهاباد عقب نشینی کرده و بیوسته تهدید میکنند که اگر تا ۲۲ بهمن مردم و نیروهای سیاسی اسلحه های خود را تحویل ندهند.....! مگر بیشتر از کشتار خلق و خمپاره با ران شهر کار

دیگری هم از دست ارتجاع ساخته است؟ خلق کرد در مهاباد تصمیم به مقاومتی حماسه - آفرین در برابر تهاجم ضد خلق گرفته است. این رایکبار چکی شور آفرین اهالی شهر و روستاهای مهاباد، آمادگی پیشمرگان قهرمان برای نبردی بی امان، شور و غلبه انقلابی خلق زحمتکش میگوید. مقاومتی که صفحه دیگری بر تاریخ جنبش انقلابی و پر شکوه خلق گردانده است.

تیرباران يك كمونيست بجرم عشق به زحمتكشان

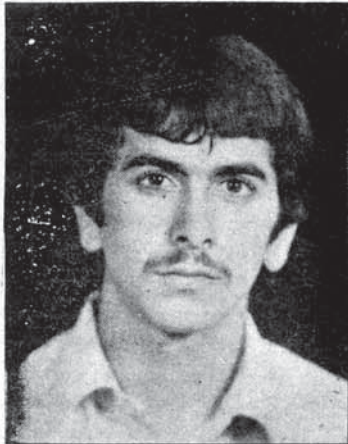


پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

نام : محمود
متولد : ۱۳۳۴ در آبادان
شغل : دانشجوی دانشکده علوم تربیتی
دانشگاه تهران

ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست از اولیــن
مسئولین دانشجویان مبارز و زینتگذاران سازمان
دانشجویان و دانش آموزان پیکار و مسئول این تشکیلات
در آبادان - عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر.

خون رفیق طهماسبی زاده پرچم کمونیستها را در آمل سرختر کرد



نام : محمد
شهرت : طهماسبی زاده
متولد : ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ در
دهستان دشت سر (آمل)
ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست
عضو سازمان دانشجویان و دانش-
آموزان پیکار (مازندران)
شهادت در یورش اوباشان رژیم
جمهوری اسلامی به راهپیمایی
بزرگداشت قیام خونین بهمن در
روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹ در آمل

ارتجاع حاکم با رها و بارها نشان داده است که از
آکا هی توده ها و حش دادرچرا که مرگ خود را در
این آکا هی میبندد و از این سویت که با ساداران و
اوباشان رژیم جمهوری اسلامی شب و روز بر یک
های انقلاب که در میان توده های زحمتکش بسدر
آکا هی میباشند و سرش میرسد.

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹، شهر آمل شاهد
راهپیمایی کمونیستها برای بزرگداشت قیام
خونین بهمن ۵۷ بود. این راهپیمایی با
هجوم وحشیانه پاداران و اوباشان ارتجاع
مواجه شد. مزدوران ارتجاع با وحشت از فریاد
- های رسا و آکا هی بخش انقلابیونی که زیر
پرچم سرخ کمونیستها راهپیمایی میکردند و
آوازی انقلاب سر میدادند، یک "سه راهی" قوی
بمیان جمعیت برپا کردند و رفیق پیکارگرما
محمد طهماسبی زاده در اثر انفجار آن به شهادت
رسید.

رفیق محمد کمونیست جوانی بود که آکا هاند

بقیه در صفحه ۳۱

پیش خواهم تاخت، قسم بخونت که از با نخواهم
نشست.

خلقهای قهرمان ایران

با افتخار میگوئیم که محمود چه کسی بود؟
تا خلقهای ما گلهای سرخ پیکار و رگر را بهتر
بشنا سند ویدانند که کمونیستها چگونه جانبا زانه
در راه زحمتکشان پیکار میکنند. او از سال اول
ورود به دانشگاه یکپارچه آتش بود تشکیلات مخفی
جنبش انقلابی دانشجویان از همان سال اول
ورود و به دانشگاه، وی را در میدان پیکار علیه
رژیم ارتجاعی شاه خاش یافت و ما رکیسم -
لنینیسم این یگانها ایدئولوژی طبقه کارگر را
بعنوان یگان آرمات انقلابی سرخ کارگران
پذیرفت و سوگند خورد که تا پای مرگ به آن وفا -
داریم تا آنچه خوب همه این سوگند عمل کرد.
در همان سال اول بخاطر سازماندهی مبارزات
دانشجویان و برپایی تظاهرات بمسدت
یک ترم زده دانشگاه اخراج شد و در واقع رهبر
اصلی تمامی مبارزات دانشجویی در دانشکده
علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. او تنها
مبارزات انقلابی سیاسی چون تظاهرات،
اعتصابات و تحریم امتحانات را بر علیه شاه
خاش رهبری میکرد، بلکه رهبری مبارزات صنفی
را نیز بر عهده داشت. او سازماندهی اطلاق کوه -
نوردی و کتابخانه دانشجویی این دانشکده بود
و از طریق این واحدهای صنفی نیز به بسیج
دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع
میپرداخت و در مجمع نمایندگان دانشجویی
دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ که زیر رهبری
"دانشجویان مبارز" قرار داشت او یکی از افراد
رهبری کننده مبارزات صنفی - سیاسی دانشجوی-
یان دانشگاه تهران بر علیه شاه جلا و سردور ش
در دانشگاه تهران مستمندی خاش بود. او در این

بقیه در صفحه ۸

خبر کوتاه بود. ساعت ۱۲ شب روز ۱۶ بهمن
رادیوی ارتجاع، خبر تیرباران را پخش کرد.
رفیق محمود نیز به تاریخ خونبار مبارزه
طبقا تی پیوست و خوش پرچم کمونیستها گردید.
اما :

رفیق محمود، راهت سرخ است، راهت به
سویالیسم میبویند، خون سلاب خشم خلق را
به دنبال خواهد داشت. محمود قسم بخونت تا
چوبه های داری پاداریم و در آن سرمایه داران
و نوکران سرمایه را بخون نکشیم، تا با پتک
نیرومند کارگر، انقلاب سرخ زحمتکشان را برپا
نداریم، تا سرمایه زاده سراسر جهان در هم
نکوبیم و جامعه بی طبقه کمونیستی را مستقر
نماییم، از با نخواهم نشست.

محمود عزیز ما مدتها را موجود در در نبرد
طبقا تی با مزدوران سرمایه داری از دست
خواهیم داد چرا که بقول پیکارگر شهید منوچهر
نیک اندام، مبارزه طبقا تی بی رحمانه است و دشمن
به ما کینه دارد. اما قسم به راه سرخ محمود که
ما همه دشمنان کینه خواه و رزید و با قلبی
که ما لامل از عشق به زحمتکشان است جلادان
تورا در هم خواهم کوبید و در کنا رو پیشا پیش
خلقهای قهرمان ایران میهن زحمتکشان را از
ستم امپریالیسم و سرمایه آزدخواهم ساخت.
ما تا جایی که کمونیستی یعنی تحقق آن آرمان
سرخ که بخاطرش جان باختی از با نخواهیم
نشست اینک محمود سوگند به آرمانت، ما همه
در شورا و توبیخ و خورده ایم. مسئولیت سنگین
بدوش کشیدن وظایف تورا نیز در قبال توده های
ستمدیده، اینک ما بدوش خواهم داشت. محمود
ای سروا ایستاده ما، پرچم خونین را اینک
هزاران محمود دیگر بدست خواهند گرفت و چون
توا ز شکجه و تیرباران نخواهند ترسید. محمود
مانیز چون تو، در راه تو که آزادی زحمتکشان
سراسر جهان، راه تحقق حکومت کارگران است به

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

تدفین شکوهمند یک کمونیست!

مادر رفیق پیکارگر بر سر مزار او :
"اگر به راحت ادامه ندهم، بتو خیانت کرده‌ام!"

"از زنده بودنش وحشت داشتند .

از مرد ماش نیز وحشت دارند!"

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از تیرباران رفیق پیکارگر محمود صمدی بخاطر ترس از آگاه شدن زحماتش از مرگ سرخ این کمونیست قهرمان جنازه رفیق را به بیمارستان "امیدیه" (نزدیک آغا جاری) منتقل میکنند اما خانواده رفیق و همزمانش با حضور در بیمارستان و افشای جنایت سردمداران "عدل اسلامی" توسط آنان ادرهم میکنند. "پاداران" آغا جاری به عناوین مختلف و از جمله جلوگیری از حضور "پزشک قانونی" برای صدور "جواز دفن" مانع از تحویل جسد رفیق میشوند. آنها با وحشت از خشم توده‌ها از تحویل "مردک" جنایت - شان ترس داشتند. خانواده رفیق محمود و رفقای حاضر در بیمارستان افشاگری میکردند. مادرشجاع محمود فریاد میزد: "از زنده بودنش وحشت داشتید، از مرده‌اش نیز وحشت دارید؟" این

ما در دلاوری‌های خوبی به ارزشهای والای پسر مبارزشی برده بود با خشم میگفت "جلاها! پسر مبارز بود، دلاور بود!" پس از افشاگریهای چند ساعته رفقا، ارتجاع مجبوره تحویل جنازه رفیق محمود شد. پیکار این دلاور کمونیست در میان سرودهای انقلابی و وطنی از شعارهای پیکار جویانه برای انتقال به آواز در آغوش بلی قرار گرفت مادر رفیق محمود با آگاهی از عشق سرشار پسر پیکارگرش به زحماتش، عشقی که در راه مرگ سرخ را پذیرا گشت میگفت: "مردم ارزش این را دارند که محمود جان را فدا کنند، من هم با بدجانم را فدا کنم."

رفقا سرود خوانان در حالیکه شعاری انقلابی میدادند، از "امیدیه" گذشته و شب هنگام جنازه رفیق را به سردخانه گورستان "بهشت آباد" آواز منتقل کردند تا صبح فردا رفیق را به خاک بسپارند. مادر رفیق شعاری سازمان را که رفیق محمود در راه تحقق آنها شهید شده منجمه "نان میکن آزادی" را تکرار می کرد. "آری! ما مادر قهرمان، پسر تو! محمود! محمود قهرمان ما تو! ستاره‌ای بود که برای آگاهی کارگران و زحماتش در خند ستاره‌ای سرخ که همچنان در آسمان مبارزات زحماتش مانده درخشد.

صبح روز بعد خانواده و همزمان رفیق محمود با روحیه‌ای عالی و سرشار از پیکارجویی کمونیستی و انقلابی در حالیکه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع و ضد

بقیه در صفحه ۳۰

جانبش دانش آموزی پرداخت و پس از مدتی از طرف تشکیلات ما موریت یافت بخش آبادان تشکیلات را که حاشا اهمیت بسیاری بود، سازمان دهی کند. فعالیت درخشانش در آبادان موجب شد تا بخش آبادان از فعالترین بخشهای تشکیلات گردد. رفیق پس از جنگ ارتجاعی میان ایران و عراق، فعالانه به افشای ماهیت غیر-عادلانه جنگ و دور زیم مغدلقی ایران و عراق پرداخت. رفیق پس از آواره شدن بیش از یک میلیون تن از زحماتش از خوزستان به سازمان دهی جنبش آوارگان پرداخت و به نمایندگی شورای آوارگان جنگ انتخاب گردید. رفیق در طی این مبارزات درخشان در ماه شهر توسط ارتجاع دستگیر و پس از مدتی در پدید آگاه ارتجاعی ما شهر توسط آخوندی مرتجع بنام اراکی در سحرگاه ۱۳ بهمن ۵۷ تیرباران شد. در حالیکه در طی چهار روز دستگیریش شدت از آرمان سرخ کارگران دفاع کرده بود و با وجود شکنجه و مراسم اعدامهای ساختگی که برایش برپا میشد، دلاورانه به آرمان سرخ زحماتش وفا دار ماند.

زندگی کوتاه اما پرثمر رفیق محمود به عنوان یک نمونه از مبارزات انقلابی کمونیست - ها به توده‌ها نشان میداد که کمونیستها چگونه افرادی هستند و چنانچه برای مرگ زحماتشان و فدا میمانند. رژیم جمهوری اسلامی با پیربرد کردن این گلسرخ میبندارد و زندگن سرسبز انقلاب را از شادابی و طراوت و مبارزه محروم کند. جلادان ارتجاعی رژیم میبندارد و زندیا به شهادت رساندن کمونیستها را چون محمود میتوانستند چند صبا حی دیگر به غارت و سرکوب توده‌ها بپردازند و با جاکمیت سنگین خویش را برپا دارند اما زحماتش ایران انتقام خون محمود ها را از این نوکران سرمایه و همدستان امپریالیسم جهانی خواهند گرفت. زحماتش ایران، با پرچم سرخ داس و چکش که از خون کمونیستها و انقلابیون - چون محمود رنگین است بساط این جنایان - مزدور سرمایه داری را درهم خواهد کوبید و بگذارد سرمایه - داران چوبه‌های دار برپا دارند و کمونیست - ها را با طردفاع از زحماتش به گلوله بپزند. انقلاب سرخ و خونین زحماتش ایران، در ادامه مبارزات خونین محمود و محمودها در فدراسی جمهوری دمکراتیک خلق، در فدای سرخ و آژاد ایران سوسیالیست برای همیشه بساط سرمایه - داران جنايت پيشه را درهم خواهد خورد و دید و بید محمود و محمودها، خاطره سرخشان را گرامی خواهد داشت. براساسی اگر مبارزه خونین محمود و محمودها نباشد، سوسیالیسم هرگز برقرار نخواهد شد و انقلاب هرگز امپریالیسم و ارتجاع را درگور نخواهد کرد پس، ینک بیا در رفیق در خون غلیظه - مان روکنده میخوریم که برایش تا پایان تا استقامت کمونیسم و فدا دارمانیم.

افتخار بر محمود و محمودها

تنگ و تنگ بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی قاتلان هزاران انقلابی چون محمود پیروز با آژاد آرمان سرخ شهیدان کمونیست

بقیه از صفحه ۷ تیرباران...

مجمع نمایندگان نماینده‌ها تشکیل نشده علوم - تربیتی بود. اودهمین دوران با هسته رهبری دانشجویان مبارز "در ارتباط قرار گرفت و بعنوان یکی از مسئولین تشکیلات مخفی و مستقیمی زیر رهبری این تشکیلات در سازماندهی و رهبری تظاهرات خیابانی، بخش اعلامیه و ارتباط با توده‌ها پرداخت. اودر دهها تظاهرات خیابانی بر علیه شاه و شاهنشاهی شرکت داشت و مسئولیتها را در این تظاهرات بر عهده داشت. همزمان رفیق، آوار به خاطر می آورد که چگونه با شوری انقلابی، به گارد مزدور دانشگاه حمله میبرد و آنها را فراری میداد. اوار با طرمی - آوردند که چگونه با کلاه پشمی (برای اینکه شناخته نشود) به همراه دیگر همزمانش بر سر سواراکیها به کمین میشدند و آنها را تنبیه میکرد. اوار به خاطر میآورد که چگونه از جلسات مجمع عمومی در دانشگاه دلاورانه از آرمان انقلاب دفاع می کرد. او چهره اصلی و رهبر تمام مبارزات دانش - جویی دانشگاه علوم تربیتی و از رهبران این مبارزه در دانشگاه تهران بود.

هو او اخراجستان ۵۷ رفیق که تا آن هنگام به مشی چریکی اعتقاد داشت به مرز بندی با این مشی غیر پرولتری پرداخت و پس از انتشار اعلامیه مهر، بخش منشعب از مجاهدین خلق، هوادار این سازمان گردید. رفیق در تمام مبارزات "دانشجویان مبارز" بر علیه شاه و شاهنشاهی شرکت داشت و از جمله از مسئولین تدارکاتی برای رفتن دانشجویان کمونیست به کارخانه‌ها دردی و بهمن ۵۷ بود. او پس از قیام نیز از مسئولین دانش آموزی تشکیلات دانشجویان مبارز و طرفدار آزادی طبقه کارگر بود و اولین سازماندهندگان جنبش دانش آموزی پس از قیام بهمن بشمار میرود. رفیق که از هواداران پرشور سازمان پیکار به شمار میرفت متعلق به جناح انقلابی دانشجویان مبارز بود که در قبال جناح انحلال طلبان در کنار دیگر پیکارگران انقلابی به مبارزه پرداخت و نیز از اولین رفقای بود که معتقد بودند تشکیلات دانشجویان مبارز تشکیلاتی فدما رکسیستی و انحلال طلبانه است و در مقابل جناح راست دانشجویان مبارز به افشای نظرات فاسد مارکسیستی آنان پرداخت بخصوص رفیق محمود از کسانی بود که از طرح انحرافات دانشجویان مبارز در کنگره اول این تشکیلات دفاع کرد و در حالیکه انحلال طلبان میکوشیدند مانع از طرح این مسائل در کنگره گردند، از حقانیت این نظرات با اعلام پشتیبانی رسمی، دفاع نمود. او فعالانه در تشکیل سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در تابستان ۵۸ شرکت جست و از بنیانگذاران این تشکیلات محسوب میگردد. او بلافاصله پس از تشکیل این سازمان به خاطر سابقه درخشانش در سازماندهی مبارزات دانش - آموزی، بعنوان یکی از مسئولین بخش دانش - آموزی این تشکیلات به سازماندهی و هدایت

اخبار مبارزات توده‌ها



اجتماع زحمتکشان گود "باغ جالی" در شهرداری

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین گود "باغ جالی" واقع در خیابان تختی (خانی - آباد سابق) برای اعتراض به شرایط سخت زندگی و نامطمئن بودن خانه‌ها به تظاهرات برخاستند. در شهرداری ناحیه یک اجتماع میکنند. زحمتکشان از میان خود ۷ نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره پیش شهرداری ناحیه میفرستند.

در گود "باغ جالی" ۳۵۰ خانوار زندگی میکنند که ۱۴ خانوار در زیرجرادریس میروند. محیط گود بسیار رکشیف بوده و محیط مساعی برای رشد انواع میکروبهاست. جاهای خانه‌های گود سرباز کرده و دیوارها و سقف‌ها در حال ریزش هستند. زحمتکشی میگفت: "تا بحال ما پیش امام بنی صدر، بهشتی، رفسنجانی رفته و به سازمان عمران جنوب، بنیاد شهید، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین و شورای اسکان گودنشینان، مراجعه کردوایم، اما هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ایم."

شهردار منطقه بجای پاسخ به نمایندگان مدیرعامل سازمان بهسازی و عمران جنوب را به آنها معرفی میکند. نمایندگان از وی می پرسند به ما وعده داده بودند که زمین و وام بانکی برای ساختن آن بدهند، اینکار چقدر طول می کشد؟ وی در پاسخ آنان با وقاحت تمام جواب میدهد: "از ۶ ماه تا ۶ سال". که یکی از نمایندگان در پاسخ وی میگوید: "این حق ماست اگر بدهید بزور میگیریم" مدیرعامل میبرد: "در جمهوری اسلامی میخواهید زور بکار بگیرید، حق را باید داد!" نماینده جواب میدهد: "بله وقتی حق را نمیده‌اید باید زور گرفت، حق هم‌گرفتنی است و ما هم‌اخره میگیریم". گودنشینان زحمتکش بی‌مبزرده‌گی رژیم که خانه‌های زحمتکشان تهران را بر سرشان خراب کرد، رژیمی که مصادره انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران را عملی "حرام" دانسته و زحمتکشانی که دست به اینکار زده‌اند را سرکوب می‌کند... نه می‌خواهد و نه می‌تواند به یکی از خواسته‌های اساسی آنان که نامین مسکن مناسب میساخته باشد بدهد.

نمایش اتحاد کارآموزان متالورژی در مقابل رژیم

در اوایل بهمن ماه عده‌ای از کارآموزان متالورژی ذوب آهن بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده خود استادناری را به اشغال درآوردند. این کارآموزان ماهانه ۱۵۰۰ تومان دریافت میکردند! که با گران شدن و گرانی کفاف حداقل زندگی را نمیداد. اما رژیم جمهوری اسلامی سه ماه است که از پرداخت همین حقوق ناچیز خودداری کرده است! کارآموزان قبلا چندین بار به دفتر مدیرعامل مراجعه کرده و چون جواب سربالا شنیده‌اند دفتر وی را اشغال کرده اند و اکنون در ادامه مبارزات خود به استانداری رفته و آنجا را به اشغال خود درآوردند.

استانداران صفهان، داودی پس از این حرکت انقلابی کارآموزان، ضمن مداخله در تلویزیون گفت: "انکار خاموشی و جنگ از یاد آنها رفته است و موقعیت فعلی مملکت را سرسری میگیرند" مردم ما برای اسلام خون داده‌اند و دولتی اینها برای حقوق و مادیات دست به اعتراض میزنند، دستهای اینها همه چاهست و بدین ترتیب با عوامفریبی و استفاده از اوضاع ناخوشای از جنگ، دشمنی خود را بیکار دیگر با خواسته‌های بحق زحمتکشان از جمله کارآموزان متالورژی، عیان ساخت. مبارزات این کارآموزان همچنان ادامه دارد. حوزه ذوب آهن سازمان ماسا در اعلامیه‌ای ضمن اعلام پشتیبانی با خواسته‌های بحق کارآموزان، همبستگی و اتحاد خود را با آنان ابراز داشت.

پای صحبت زحمتکشان در صف کوپن:

تبریز

در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ عده‌ای از زحمتکشان برای گرفتن کوپن ارزاق عمومی جلوی بانک صف کشیده بودند. آخوندی که بطور استثنائی در صف ایستاده بود، بعد از مدتی معطلی روبه صفهای داخل صف کرده و میگوید: "زن کجا و تو ی

صف ایستادن کجا، شما باید بروید در خانه و بچه‌داری کنید، شما زنهای مده‌ای داخل صف و با عت شده‌اید که مرده‌ها بیشتر معطل شوند و وقتشان تلف شود" از وی از داخل صف در پاسخ وی میگوید: "مرده‌های ما مثل تو مفتخور نیستند که همیشه بیکار باشند و مفت برایشان برسد، شوهر من شاطر است و حالا دارد برای شکم‌گنده تونان می‌پزد. در همین موقع در حالیکه عده‌ای از مردم با عت در صف ایستاده بودند، با سدا ریانک میگوید: "برادران و خواهران امروز وقت تمام است و فردا مراجعه کنید". مردم در حالیکه از حرف وی بخشم‌آمده بودند اعتراض میکنند و کاکری به سدا میگوید: "یا به ما کوپن میدهند یا ما نمیگذاریم که از بانک بیرون بیا شد". با سدا در پاسخ وی میگوید: "ما که نوکر پدر شما نیستیم! مردکا رک در پاسخ میگوید: "پس آن اسلحه را برای چی بدست گرفته‌ای؟ برای دفاع از ما یا بر علیه ما؟ معلوم میشود بر علیه ما، اینرا هم بدان که شما با این کارها بتان با عت میشود که ما انقلاب دوم را تدارک ببینیم". جمعیت به نشانه تائید صحبت‌های مردکا رک رک میزنند و مسئولین وقتی مقامت مردم را می بینند قبول میکنند که همانروز به همه کوپن بدهند.

نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به هم میهنان مبارز

اخیرا جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، ضمن نامه‌ای سرگشاده به مردم مبارز ایران، پرده از چهره کربیه رژیم جمهوری اسلامی دریده و نسبت به بند کشیدن فرزندان انقلابشان اعتراض نموده‌اند. در قسمتی از آن چنین آمده است:

"هنوز کمتر از دو سال از قیام شکوهمند خلق ما و شکسته شدن درهای زندانهای رژیم ضد بشری پهلوی بوسیله شما مردم قهرمان ستمکش گذشته که دیگر براهزاران تن از بهترین فرزندان مبارز و انقلابی ما در زندانهای دولت جمهوری اسلامی بسر میبرند. بسیاری از این زندانیان در رژیم گذشته بطور فعال در مبارزات ضد رژیم شرکت داشته و مدتها در زندان و تبعید و با تحت تعقیب قرار داشته‌اند و اکنون بورشهای شبانه و بدون مجوز به خانه‌های مبارزین، ضرب و شتم مادران و پدران من و نوجوانان کم سن و سال و در بسیاری موارد دارت اموال همراه با بازداشت و انواع توهین و شکنجه روحی و جسمی و صدور احکام زندانهای طولانی تنها بصرف ابراز عقیده و یا داشتن چند برگ اعلامیه و نشریه صورت

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بش تائیم

میگیرد... هم اکنون که ما جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی مبارز و انقلابی این نامه سرگشاده را خطاب به شما مینویسیم، صدها تن از بهترین فرزندان خلق زندانها را به سنگری از مبارزه تبدیل کرده و با همه توان خود در این راه میکوشند و حتی با اعتصاب غذای طولانی از غذا کردن جان خود نیز دریغ نمیورزند... بکوشیم تا مبارزات زندانیان سیاسی این فرزندان دلیبر خلق را ارج نهیم و در تائید مبارزات و آزادی آنان از بندهای خود را بکار گیریم."

حمله چماقداران رژیم به انقلابیون و مردم!

بابل

روزه شنبه ۵۹/۱۱/۷ پس از پایان یافتن تظاهرات "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار" چماقداران بسیج شده رژیم به شرکت کنندگان در تظاهرات حمله برده و عده ای را دستگیر و زخمی کردند. پس از آن اوباشان رژیم (پاسداران، بسیجی ها و فאלانژهای حزب الهی) در میدان چراغ برق گردآ مده و با تحریک احساسات مردم، اعلامیه ای مبنی بر حمله به نیروهای انقلابی و دستگیری آنان خوانده و به محله "چهار رشته بیش" حمله میبرند. نیروهای کمونیست و انقلابی با حمایت و بسیج مردم موفق میشوند اوباشان رژیم را که مسلح به میله آهنی و قمه و چاقو بودند تا "سنگ پل" عقب برانند.

این درگیری تا شب ادامه پیدا میکند. انقلابیون و توده ها با شعارهایی چون: "زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد" و "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، مزدوران رژیم را تا "چهارسوق" به عقب نشینی وامیدارند. پس از خلوت شدن شهر، در ساعت ۸ شب عده ای چماق بدست حرفه ای و کارگشته از اطراف با مینی بوس به شهر آورده شده و الله اکبر گویان از چند خیابان عبور میکنند. رژیم که شکست عوامل و مزدوران خود را در این روز دیده بود، در روز چهارشنبه ۱۱/۸/۱۰۰ حدود ۱۰۰ نفر از چماقداران خود را با دیگر به محله "چهار رشته بیش" میفرستد. اینبار فאלانژهای رژیم به قصد تصرف دفتر "جنبش معلمین" هوادار مجاهدین هجوم میآورند اما با مقاومت کونیستها و مجاهدین که شعار میدادند: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، ارتجاع تو خالیست، هجوم او گواهیست و اوار به عقب نشینی میگردند و سایر دیگر با تعدادی دتری چماق بدست برگشته و حمله را شروع میکنند. مردم درهای خانه هایشان را باز کرده و انقلابیون را پناه میدادند. در درگیری این روز که مجموعا دوساعت طول کشید، حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده و ۳۰ نفر دستگیر میگردد. آری رژیم بیپیه می بیند اردک میتواند ما نسع ر شد روز افزون آگاه هی توده ها... و مبارزات آنان

گردد. این درگیریها و مقاومتها در مقام بسیاستهای سرکوب رژیم ارتجاعی، مدرسه ای انقلابی برای توده های زحمتکش ماست!

فعالیت های افشاگرانه پیکارگران در ارومیه

در هفته ای که به سالگرد قیام خونین بهمن ختم میشد، رفقای پیکارگر در ارومیه با فعالیت های آگاهانه در محلات پرجمعیت شهر به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه، رفقای هوادار با پخش اعلامیه و فروش نشریه به روشنگری پرداخته و در مورد مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و ماهیت و عملکردهای ارتجاعی رژیم با توده های زحمتکش صحبت میکردند. که با استقبال مردم روبرو میشد.

روز دوشنبه ۲۰ بهمن با همکاری رفقای هوادار فداش (اقلیت) یک تظاهرات موضعی انجام شد و رفقا با شعارهای "از بیکاری، گرانی، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدن است"، "با هلیخ، بیکار ریشی سرمایه دار" "محو اولاد سرمایه دار" امیربالیسم"، "کردستان، کردستان، خودمختاری حق تست" و... پیروان از چهره کرب و ورشوای رژیم برداشتند. در مسیر تظاهرات با پخش اعلامیه پیام انقلاب بمیان مردم برده میشد. راهپیمایی پس از نیم ساعت با بوش و خشیانه فאלانژها موقتاً پایان یافت و طبق برنامه قبلی، دقایقی بعد در محل دیگری دوباره ادامه یافت. رفقای شرکت کننده با فریادهای خشم آلود، بذر آگاهی در میان زحمتکشان پاشیدند. در این راهپیمایی که با حمایت مردم روبرو شد بیش از ۵۰۰ نفر شرکت داشتند. در روز ۲۱ بهمن نیز رفقای پیکارگر با پخش و فروش اعلامیه و پیکار به افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و جنایات دوسالسه اش پرداختند که با استقبال توده های آگاه روبرو شد.

تظاهرات موضعی سازمان پیکار در قزوین

روزه شنبه ۱۱/۱۴ از طرف تشکیلات قزوین سازمان، تظاهراتی بمدت ۱۵ دقیقه در محله کارگرنشین "هادی آباد" برگزار شد. در ابتدا سخنرانی کوتاهی در مورد قحطی، گرانی و جنگ ارتجاعی و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی انجام شد و سپس تظار هر کنندگان در پشت پلاکارد علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها برافراختند.

در طول حرکت علاوه بر شعارهای افشاگرانه در مورد قحطی و گرانی، شعارهایی نیز در مورد

ماهیت رژیم و جناحهای درون آن مانند "جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار"، و "بهشتی، بنی صدر برای سرکوب خلق، متحد و برادر"، داده میشد. اعلامیه ها و نیز در این مورد ما بین مردم پخش شد که با استقبال آنان روبرو شد. پاسداران ارتجاع پس از متفرق شدن تظار هر کنندگان به محل رسیده و عده ای از مردم را به "جرم"، شرکت در تظاهرات دستگیر نمودند.

ارتجاع دشمن آگاهی توده ها است.

تظاهرات افشاگرانه هواداران سازمان پیکار در تبریز

از طرف هواداران سازمان در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۶ تظاهرات موضعی در چهار راه "متحدین" تبریز برگزار گردید. این تظاهرات با شعارهایی چون "زلیق، با هلیخ، بیکار ریشی، سرمایه دار قانونی"، "گرسنگی، گرانی، بیکاری، قانون سرمایه دار"، "تو تماق، ورم اق اولدورماق بودولتین قانونی"، (دستگیری، شکنجه، کشتار، قانون این دولت است)، "پاسدار، چماق سرمایه دار"، مورد حمایت توده ها قرار گرفت. زحمتکشان و قشای خواستهای انقلابی خود را اعلامیه هایی که از طرف رفقا پخش میشد میدیدند، مشتاقانه آنها را گرفته و با خود میبردند. در طی تظاهرات، رویز... یونیتهای خاش "اکثریت" به همراه فאלانژهای رژیم، اعلامیه ها و تراکتها را باز کرده و مانند ارتجاع حاکم هواداران سازمان را "امریکائی قلند" میکردند.

تظاهرات افشاگرانه کمونیست ها در شیراز

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن، شهر شیراز شاهد راهپیمایی و تظاهرات هواداران سازمان پیکار سازمان رزمندگان، و سازمان چریکهای فدایی خلق - اقلیت، در چهار نقطه مرکزی شهر بود. استقبال توده ها از شعارها و اعلامیه ها و پیرو حمایت آوارگان جنگزده خوزستانی از تظاهرات بیانگرا عتبار افزون توده ها به کمونیستها بود.

این تظاهرات بعنوان اعتراض به زندانی کردن انقلابیون و در شرایطی انجام میگرفت که زندانیان سیاسی کمونیست زندان "عادل آباد" شیراز را اعتصاب غذا بسر میبردند. تظاهرات با شعار "زندانی سیاسی انقلابی آزاد باید گردد" شروع شده و با شعارهای دیگری در حمایت از زندانیان سیاسی و افشای رژیم ارتجاعی ادامه یافت.

نکته قابل توجه در این تظاهرات، شرکت خانواده های زندانیان سیاسی مسجد سلیمان

بقیه در صفحه ۲۶

www.peykar.org

با با بدجا مع ما را نیمه فشدال - نیمه مستعمره
و با "نظام وابسته" که تفا در تراکا روسما به
امیرالستی تشکیل میدهد بخواند و سکوت رفا
در رابطه با تفا داسی جا مع نیز انعکاسی از
التقاط فکری رفا در رابطه با پذیرش سرما به -
داری بودن و "وابسته" بودن نظم تولى -
حاکم بر جا مع و ما هیت آن است .

و اما در مورد "بورژوازی کوچک غیر وابسته"
با بدگفت که اولاً زمانیکه میگوئیم طبقه مسلط
اقتصادی در ایران، منظور طبقه بورژوازی است
و از آنجا که سرما به داری در ایران وابسته است
لا حرم طبقه بورژوازی ایران نیز وابسته است .

پاری تکیه ما بر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین مینماید، از
آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف انحلال طلبی "تشکیلات دوران گذار" را همزمان با
نفی پوشش نوین انحلال طلبی ضروری دانسته و در همین حال کاملاً درک انحلال طلبانفا ی
را که پراکندگی و ایجاد مرزبندی های کاذب تشکیلاتی را در دستور قرار میدهند مطرود میدانیم.

وابستگی بورژوازی ایران و دقیقتر بگوئیم
وابستگی سرما به در ایران ناشی از وابستگی
سرما به تولید و با ز تولید شرط سودآوری
امیرالستی در جا مع ایران است. از اینرو
هیچ بخشی از سرما به که در تولید و با ز تولید
(و با گذر سرما به) مستقل از با ز و شرط
سودآوری امیرالستی عمل کند، وجود خارجی
ندارد و نمیتوان از بورژوازی غیر وابسته سخنی
به میان آورد. باید از رفا ی دیدگاه سوم پرسید
بر چه اساس ملاک وابستگی را برای بورژوازی
متوسط و "کوچک" دومعیار متفاوت قرار میدهد.
بورژوازی متوسط بدلیل وابستگی شرط
تولید و با ز تولید و سودآوری وابسته است. اما
چگونه است که در از با ی "بورژوازی کوچک" این ملاک
فراموش میشود و وابستگی فنی - تولیدی ملاک
وابستگی قرار میگیرد و به اعتبار آن بورژوازی
کوچک غیر وابسته میشود؟ بکارگیری دومعیار
و دور که کاملاً متفاوت در از با ی از با یگاه
افشار متغیوت بورژوازی مسئله وابستگی آنان
چیزی جز بیان التقاط فکری که ریشه در شائب
فکری "نظام وابسته" دارد، نیست .

ثانیا مگر ممکن است مناسبات سرما به داری
(وابسته) شیوه تولید غالب بر جا مع باشد و نگاه
افشار متغیوت بورژوازی با شرایط متفاوتی و
تحت قانونمندیهای متفاوتی تولید و با ز تولید
نمایند. اگر بپذیریم که سرما به داری ایران
وابسته است، این بدان معنی است که کلیت
طبقه بورژوازی ایران وابسته به شرط تولید
و با ز تولید امیرالستی است و از اینرو طبقه
بورژوازی ایران وابسته محسوب میگردد .

ثانیا ما "بورژوازی کوچک" دیگر چه میفهمیم -
ای است که تفا تراکاش کرده اید؟ چه معنی
دقیق و علمی بورژوازی کوچک "خرد" یا بعبارتی
خرد بورژوازی است. مگر تفا آن است که خرد -
بورژوازی، بورژوازی کوچکی است که عمدا خود
در تولید و با ز تولید شرکت مستقیم دارد، اگر چه

بقیه در صفحه ۱۸

بر ما میتوانست توجیه حرکت انحرافی با لا
باشد .

تاکنون درک انحرافی رفا ی "دیدگاه سوم"
را در برخورد به بحران "وحدت انقلابی" و انتشار
مبارزه ایدئولوژیک علنی و مطلق نمودن امر
تدوین خط مشی و سرما به توضیح دادیم و انعکاس
احتمالی راه حل عملی رفا را در جا بگزینی
طرح اثباتی در قبال نفی "تشکیلات دوران گذار"
بررسی نمودیم. اکنون به بررسی مواضع سیاسی
آنان در برخورد به ساخت جا مع و آرایش طبقاتی
بپردازیم .

۲- انحرافات سیاسی در "دیدگاه سوم وحدت انقلابی"

رفا در توضیح ساخت جا مع و با یگاه طبقه
بورژوازی ایران غلبه بر آنکه جا مع ایران را
سرما به داری میداند و در همین حال در مورد
توضیح تفا داسی جا مع یعنی کار و سرما به ،
سکوت کرده اند. بعلاوه رفا از ظرفی بورژوازی
متوسط را نیز بدلیل وابستگی تولید و با ز تولید
آن به شرط سودآوری امیرالستی، وابسته
خوانده اند و از ظرف دیگر پدیده ای بعنوان
"بورژوازی کوچک" کشف نموده اند که گویا غیر
وابسته است و علت عدم وابستگی آن نیز در عدم
وابستگی تکنیکی و فقدان رابطه ارگانیک با
امیرالسم و عدم اختلاط سرما به ی با سرما به -
های امیرالستی است !

ما به شرح گسترده نظراتمان در رابطه با
مقولات فوق نپرداخته و رفا را به بیکی رثوریک
- سیاسی ۲ رجوع میدهم که در آن نظراتمان
را بصورت مشروح در اینجا رفته ایم. در اینجا
میگوئیم تا التقاط فکری رفا و انحرافاتشان
را با زگو کنیم .

آنچنان که بنظر میرسد رفا با نظرات انحرافی
"نظام وابسته" و شواش فکری آن مرزبندی
نکرده اند. رفا با بدیهه راحت روشن کنند که
بنظر آنان ما هیت جا مع ما یک جا مع سرما به -
دهد. اگر بنظر آنان جا مع ما یک جا مع سرما به -
داری است، بنا بر این باید دید اند تفا داسی
در جا مع سرما به داری، تفا دبین تولید اجتماع
کار و مالکیت خصوصی بورژوازی نیروی شل و
محصول تولید و با ی ببارتی دقیقتر تفا دگرا و
سرما به است. هر نظری که بر این واقعت اساسی
سربش بگذارد، نشان میدهد که غلبه بر تدوین
سرما به داری بودن ساخت جا مع ما، آنرا بدستی
درک نمیکند و عملاً ما هیت دیگری جز تولید
سرما به داری برای آن قائل است. چنین درکی

بکشاندا و این یکی میکوشد اختلافات کوچک را
بزرگ نموده و مبارزه ایدئولوژیک را کسبه
میتوان در درون یک تشکیلات دنبال نمود. به
سطح بیرون بکشاند. چنین درکی اگر چه ظاهری
چپ روانه دارد، در عمل و در ما هیت مبلغ محفلیم
و انحلال طلبی است. محفلیسمی که به حفظ
تشکیلات خود تمایل داشته و مرز بندی تشکیلاتی
را با سایر جریانها بدون اختلاف سیاسی -
ایدئولوژیک اساسی مجاز میشمارد، چنین مرز -
بندی تشکیلاتی ای کاذب بوده و در خدمت دامن
زدن به پراکندگی جنبش کمونیستی و در خلاف
سمتگیری تکاملی آن قرار دارد. براساسی اگر
چنین نگرشی در رفا ی "دیدگاه سوم وحدت
انقلابی" (و با ی سایر نیروهای جنبش کمونیستی)
وجود داشته باشد، چه با سخ قانع کننده ای را
میخواهند به جنبش کمونیستی بدهند. تنها وجود
خط مشی منسجم سیاسی - ایدئولوژیک که مغایر
با خط مشی های موجود در جنبش کمونیستی است،
میتواند هویت مستقل دیدگاه سوم وحدت انقلابی
را توجیه نماید و اگر چنین نیست، براه انداختن
جریان مستقلی به بهانه ضرورت "انحطام
بخشیدن و تدقیق کلیه مواضع" و حل و رفع پاره ای
از "ابهامات حرکتی قهقراشی و همچنانکه ذکر
کردیم، نشانه وجود اندیشه های محفلیسمی و
سکتا رستی و علاقه و فربه "حفظ تشکیلات مستقل"
میباشد. از نظر ما اختلافات و ابهامات نا چیز
و کوچک میتوانند در پیرویه مبارزه ایدئولوژیک
درونی برای دستیابی به وحدت حل گردد و
نمیتوان قبل از طی چنین پیرویه ای، بدلیل
ابهامات و اختلافات کوچک و ضرورت منسجم
نمودن مواضع (مواضعی که در اختلاف قابل توجه
با مواضع نیروهای دیگر وجود ندارد) حرکت
مستقلی را براه انداختن این تجربه ای است که
مبارزه ایدئولوژیک درونی رفا ی "درک محض
آن را نشان داد و آنان را از براه انداختن
جریان مستقلی که فاقد مرز بندی اساسی با
سازمان ما بود، منع نمود و حل اختلافات و
ابهامات آنها را موکول به طی مبارزه ایدئو -
لوژیک درونی جهت دستیابی به وحدت با ما نمود.

پاری تکیه بر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت
که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین مینماید،
از آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف
انحلال طلبی "تشکیلات دوران گذار" را همزمان
با نفی پوشش نوین انحلال طلبی ضروری دانسته
و در همین حال کاملاً درک انحلال طلبانفا ی را
که پراکندگی و ایجاد مرز بندیهای کاذب
تشکیلاتی را در دستور قرار میدهد مطرود میدانیم.
و از آنرو که رفا ی "دیدگاه سوم وحدت انقلابی"
با انتشار مبارزه ایدئولوژیک به بهانه انسجام
مواضع ... درک مطلق گرایانه و در عین حال
انحلال طلبان خویش را از تدوین خط مشی و
برنامه راه می دهند، زمینه بروز انحرافی را
که در بالا توضیح دادیم، در رفا قوی میدانیم،
چه درک مطلق گرایانه رفا از تدوین خط مشی و

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) و معیارهای اخلاقی بورژوازی

این آقایان شایسته بهرزه‌بستگی ندارند برای یک کمونیست، مبارزه سیاسی یک مبارزه طبقاتی است و همانطور که یک کارگر آگاه در زندگی روزمره خود با تمام وجود نسبت به روابط بورژوازی و خود بورژواها نفرت و کینه عمیق طبقاتی دارد، همانطور هم یک کمونیست نمیتواند فقط مبارزه خود را در چارچوب روابط سیاسی محدود کرده و آن را به تمام عرصه‌های طبقاتی و از جمله اخلاقی نکشاند. برخلاف آنچه بورژوازی و روبریز - یونیست‌ها مدعی هستند کمونیست‌ها اساساً دارای اخلاق - منتها از نوع کمونیستی آن - بوده و در نتیجه در این عرصه هم دشمن را مورد تهاجم قرار میدهند. آری، مبارزه ایدئولوژیک سیاسی

و جبهی سنگبری طبقاتی این ضرورت است که این انقلاب نشان میدهد، ولی واضح است که این برخورد تنها بدقیقت محدود به دیدگاه‌های سیاسی شده و با بدیه دیگر عرصه‌های ایدئولوژی و از جمله معیارهای اخلاقی نیز کشانده شود. این درست است که در برخورد به یک نیروی سیاسی چنانچه در درجه اول از منظر سیاسی آن نیرو شروع نکرده و متلاًساراً بر خط‌های اخلاقی و شیوه‌های رفتار در مبارزه سیاسی آن نیرو نگذاریم در مبارزه خصلت‌گرایی متوسم، ولی در عین حال این هم نادرست است که مبارزه طبقاتی را فقط محدود به مبارزه سیاسی کرده‌اند و رادریخ ایده‌های سیاسی محدود نمائیم. کسی که در برخورد به حزب

● یک کمونیست نمیتواند فقط مبارزه خود را در چهارچوب روابط سیاسی محدود کرده و آن را به تمام عرصه‌های طبقاتی و از جمله اخلاق نکشاند. برخلاف آنچه که بورژوازی و روبریزونیست‌ها مدعی هستند کمونیست‌ها دارای اخلاق - منتها از نوع کمونیستی آن - بوده و در نتیجه در این عرصه هم دشمن را مورد تهاجم قرار میدهند. آری، مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی از مبارزه در عرصه اخلاقیات نیز جدا نیست.

از مبارزه در عرصه اخلاقیات نیز جدا نیست.

ما که نمیخواهیم در اینجا به تمام شیوه‌های رفتار بورژوازی که روبریزونیستهای فدائی (اکثریت) پس از تغییر مابیت طبقاتی خود بدین دجار شده اند بپردازیم (از قبیل معیارهای زندگی چج بختیاری و مانند آن) بلکه فقط این معیارها را در زمینه مبارزه سیاسی آنها مورد مطالعه قرار میدهم. البته واضح است که این معیارهای اخلاقی بورژوازی ممکن است هنوز از جانب تک اعضا و هواداران این جریان بکار گرفته نشود و این امر ناشی از دولت است. **اولا:** همیشه میتوانیم با پذیرش ایده‌های سیاسی یک طبقه یا پذیرش معیارهای اخلاقی آن طبقه از سوی وجدان یک فرد اختلاف زمانی وجود داشته باشد، چرا که قبول این معیارهای اخلاقی طبقاتی بمعنومادیت یافتن و همه جا نباشد ایدئولوژی آن طبقه در وجود آن فرد است و این قبول ایده‌های سیاسی برولتا را تا مدت باقی این ایده‌ها در رفتار و شیوه برخورد افراد همیشه یک تفاسوت زمانی وجود دارد و همه افراد نیز نمیتوانند به این درجه از خلوص ایدئولوژیک توفیق یابند و غالباً میان آرمانهای سیاسی شان با خلوص اخلاقی شان تا زمان معین و تا درجه معین تناقض

نموده تنها از فرار و هیران آن در پیش از کوندای ۲۸ مرداد ما میسر بود! انتقاد "خود را از این دار - و دست به این محدود میسازد که این اوباشان در مبارزه سیاسی خود با بدیه هیچگونه برنسیب اخلاقی نبوده و از شیوه‌های ماکیا و لیستی استفاده مینمایند، ولی ارتداد ایدئولوژیک آنها از اصول مارکسیسم - لنینیسم و خصوصاً عدول آنها از اصول مبارزه طبقاتی برولتا را و موشی - سیاسی برولتری را نمیتوان فدوی آنها تکیه نمیکند، مسلماً چنین کسی قادر نخواهد بود که با ایدئولوژی حزب نبوده که همان روبریزونیسم است برزبندی نماید و مسلماً قادر نخواهد بود که تنها با تکیه بر غریزه انقلابی خود از افتادن بدام سیاستهای بورژوازی مصون باشد. جنسین کسی غریزه انقلابی یک دهقان زحمتکش را بر علم‌توانین رها می‌ش. برولتا را یعنی مارکسیسم ترجیح داده و از استرو و همیشه در سیاست، قربانی بورژوازی خواهد شد. از سوی دیگر کسی که بخواهد در برخورد به "حزب توده" فقط کار را محدود به مشی سیاسی کند در واقع مبارزه سیاسی را از کلیت ایدئولوژیک آن جدا کرده و دچار درک روشنگری نمیکرد. این دیدگاه میتواند حتی خود آلوده به مورش بازبهای روبریزونیستی خود حزب توده شود که گویا این فقط خط سیاسی با زرکان و قلمب زاده میسازد که در خط برزبستگی است و کربه اخلاقیات، نیات و شیوه‌های رفتار

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) نه تنها از لحاظ سیاسی، دیدگاه‌های ارتجاعی بورژوازی را پذیرفته‌اند، بلکه از لحاظ معیارهای اخلاقی نیز از بورژوازی پیروی میکنند. این واقعیت دقیقاً بدلیل آن است که روبریزونیستهای فدائی فقط از لحاظ سیاسی دجا را بورژوئسم و دنساله روی بورژوازی نیستند، بلکه از لحاظ سیاسی آنها بموازات و همزمان با یک فساد ایدئولوژیک و طبقاتی بوده است، و از آنجا که ایدئولوژی نه فقط شامل ایده‌های سیاسی، بلکه همچنین قوانین حیثیتی، دیدگاه‌های فلسفی، تصویرهای هنری و معیارهای اخلاقی نیز می‌گردد، پس طبیعی است که روبریزونیستهای فدائی (اکثریت) که ایدئو - لوزی بورژوازی امپریالیستی در شکل روبریزونیستی آنها پذیرفته‌اند، از لحاظ اخلاقی نیز دچار فساد بورژوا - روبریزونیستی گردند.

از آنجا که ما مینروهای سیاسی، از لحاظ ایدئولوژیک به یک طبقه از اجتماع وابسته هستیم طبعا این نیروها نمیتوانند در مبارزه سیاسی خود از معیارهای اخلاقی آن طبقه پیروی نکنند. برای یک نیروی سیاسی که خود را وابسته به ایدئولوژی دورا نما و طبقه‌کارگر میدانند، در مبارزه سیاسی پیروی از معیارهای اخلاقی برولتری ضرورت تمام دارد. این نیرو نمیتواند از شیوه‌هایی که معمول بورژوازی است استفاده کند، و ملزم است که در پیگیری ایده‌های سیاسی طبقه کارگر از معیارهای اخلاقی این طبقه پیروی نماید و سیاست برولتری را نمیتوان با اخلاق بورژوازی بشیرد و برعکس. بهمین ترتیب یک نیروی سیاسی بورژوازی چطور است که در مبارزه سیاسی خود از غرب المثل "ساعت بدروما در میمنتا سید" پیروی کرده و از انواع شیوه‌های کثیف که خاص اخلاقیات بورژوازی است استفاده نماید. همان طور که یک سرما به دارد در استفا رارزش آگاهی کارگران مقیده هیچگونه قید و بنداً نیانسی نیست. همانطور که یک سرما بودا در در رقابت با دیگر رقبای سرمایه دار خود از هیچگونه دوز و کلکی روگردان نیست همانطور که یک سرما به دارد در فساد جنسی، بول برستی، مقام طلبی، خوشگذرانی و مانند آن حذورری میبشاید، بهمان ترتیب هم یک نیروی سیاسی بورژوازی از مبارزه سیاسی خود ناچار است که از تمام شیوه‌های کثیف بورژوازی چون: توطئه‌گری، نشر دروغ، راجعه نیروهای کمونیستی و انقلابی، رخنه‌گری و جاسوسی برضد نیروهای کمونیستی و انقلابی، استفاده نماید. در نمول اخلاقی این نیروی بورژوازی نمیتوان در یک جمله خلاصه کرد: "هدف و سله را توحه میکند" در برخورد به نیروهای سیاسی، خواه ایدئولوژی و خواه که از دیدگاه‌های سیاسی آن شروع کنیم، چرا که ایده‌های سیاسی و خصوصاً حکومتی برخورد نیست بدیجات حاکم آن موصوفی است که به روبریزونیست

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

۲- در برخورد به هیئت حاکمه و توده ها

تصور میکنیم تمام رفقای که در کارخانه ها کار میکنند و فوریه این صحنه برخورد کرده اند که عناصر ریزونیستهای اکثریتی به اصطلاح برای "تزدیک شدن به توده ها" و در واقع برای "تحقیق توده" چگونه در انجمن های اسلامی کارخانجات که اهرم های سرکوب جناح حزب هیأت حاکمه در کارخانجات است وارد شده و حتی از خواندن نماز و یا گفتن تکبیر و مانند آن ابه ندارند. البته هیچگاه یک کمونیست به آداب مذهبی با اجتماعی مردم (هرچند هم ایده آلیستی باشد) نگاه نمی کند که زمینه عینی برای توضیح این ایده آلیسم نزد توده ها فراهم نشده بی اعتنا نبوده و نیست، ولی فرق است میان احترام به شعاریست شدن توده ها با شرکت فعال در این مراسم

● **بهد ریخ که جریان ریزونیست کا ملا غلبه کرد، رباط درون تشکیلاتی نیز ما هیئت اشک بورژوازی بخود گرفت و بسپوده نیست که امروزه دعاوای درون رهبری اکثریت دعوامیان باند های ریزونیستی است که هریک برای گرفتن اهرم های تشکیلاتی از دست دیگران وسعت دادن سازمان بمسوی این جریان ریزونیستی (پونا ماریف) بها آن جریان ریزونیستی (سوسولف) بایکد میگردد رقابت هستند.**

و تحقیق توده ها از آن طریق در شرایطی که اکثریت کارگران نه به نماز جماعت میروند، نه درسیج اسم می نویسند و نه علاقه ای به تشکیل انجمن اسلامی نشان میدهند، ما شاهد شور و علاقه بی کران عناصر ریزونیستهای اکثریتی در دامن زدن به اینگونه علائق در کارگران هستیم. دلیل این امر چیست؟ زیرا بقول لنین: "ریزونیستها بیش از خود بورژوازی نسبت به بورژوازی خدمت میکنند." ریزونیستها عناصر آگاه بورژوازی هستند و بیش از افراد عادی این طبقه، کارخانه داران، کودکان، مقامات احقاق سپاهیان و کمیته ها و ارتش و... منافع طبقه بورژوازی را شناخته و به آن خدمت میکنند آنها عناصر آگاه "خط امام" هستند و برای همین بیش از خود حزب جمهوری و اعوان و انصار و به آن خدمت میکنند و اگر در روستا حاکم به آنها هنوز چندان روی خوش نشان نداده بدون شک موغنی است و بسا از مدتی رفع این کدورت هم خواهد شد!

ریزونیستهای فدائی (اکثریت) نوکران بورژوازی هستند و برای همین هم نسبت به دعا و روحیه نوکرما بهانه و چاگری دارند. آنها از توده ها میخوادند که نسبت به رژیم نوکرما بهانه برخورد کنند و از آنجا که رژیم بدر تحقیق توده ها از عقب مانده ترین احساسات آنها (یعنی احساسات عقب مانده و خرافاتی مذهبی) استفاده میکنند آنها نیز هم با رژیم دست به این سوءاستفاده میزنند. مثلا شرکت در روزهای سینه زنی عاشورا، ناسوعا و زیر علم و کتل ها را گرفتن و جلودار دستها شدن کا ملا نادرست است این عمل به هیچ عنوان به مفهوم "احترام به سنن اجتماعی مردم نبوده، بلکه در واقع به مفهوم

بقیه در صفحه ۲۵

و تمسبه آنها و مهم تر از همه جلوگیری از رسیدن مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی گرفت. ما لازم نمیدانیم که در این باره از بیخی خود حرف بزنیم و بخوانند که در این راه مطالبی که در جزوات رفقای اقلیت و دیگران نوشته شده رجوع میدهم و بعنوان مثال به نقل چند سطر از "خزوه با سخ به تحریفات جناح راست" (جناح چپ لیستیان) راجع به مواردی که از لحاظ تشکیلاتی مرکزیت ریزونیست موارد سازمانی را زیر پا گذاشته اند گفتا میکنیم.

خزوه مزبور از جمله این موارد میسوسد: "اخراج های بی دلیل، تمسبه های ایدئولوژیک کنترل مستولینهای سازمانی به خاطر اختلافات بینشی، سریش گذاشتن بر اختلاف نظرات و کنترل آنها تا حد مسائل شخصی و دست زدن به تبلیغات

مسموم علیه نقطه نظرات مخالف..." البته جریان طرد و سرکوب عناصر انقلابی فقط یک وجه از جریان درونی سازمان چریک های اکثریت بود، به تدریج که جریان ریزونیست کا ملا غلبه کرد، روابط درون تشکیلاتی نیز ما هیئت اشک بورژوازی بخود گرفت و بسپوده نیست که امروزه دعاوای درون رهبری اکثریت دعوامیان باند های ریزونیستی است که هریک برای گرفتن اهرم های تشکیلاتی از دست دیگران وسعت دادن سازمان به سوی این جریان ریزونیستی (پونا ماریف) بها آن جریان ریزونیستی (سوسولف) بایکد میگردد رقابت هستند. تقریبا شبیه به همان شیوه ای که در حزب توده باند گپانوری باند اسکندری را کنار گذاشت و مانند آن، این شیوه های رفتار شنها و شنها انگکسی است از ایدئولوژی بورژوازی در روحیات ریزونیستهای جدید انقلابی (اکثریت) که در برخورد به عناصر بیرونی (تحمیق و سرکوب) و در برخورد به رقبا ی خود از شیوه برخورد با نهادهای مختلف بورژوازی نسبت بیکدیگر (سودطلبی برای باند خود در عین حفظ وحدت بصورت مشروط) تقلید مینمایند، و طبیعی است که در چنین شرایطی هیچ نیروی انقلابی نباید در درون این سازمان به امید این خیال باطل که به آذرون مبارزه را به دست ببرد باقی بماند. چرا که این سازمان ما هیئت بورژوازی شده و مانند آن در آن به امید اصلاح آن به این میماند که یک رفیقیت بخواد دستگاه دولتی بورژوازی را از اصلاح کند. این سازمان را فقط باید طرد و افشا کرد و فقط از این طریق است که میتوان با ایده های آن مبارزه نمود.

و عدم انطباق وجود دارد، ثانیا: بایدمیمان عناصر آگاه که بیرو رهبران خائن فداشسی (اکثریت) شده اند با خود این رهبران تغاوت گذاشت، اگر چه در مورد این دسته نیز چنانچه درجه وابستگی سیاسی تعمیق و تداوم بایدمیمان در روستا و خلق و خوی آنها نیز از خواهد گذاشت.

ما بشوهر فشار و معیارهای اخلاقی ریزونیستهای فدائی (اکثریت) را در سه عرصه زیر مختصرا میسکا فیم.

- ۱- در برخورد به روابط درون سازمانی
- ۲- در برخورد به هیأت حاکمه و توده ها
- ۳- در برخورد به نیروهای کمونیست و انقلابی

۱- در برخورد به روابط سازمانی

در تمام اساسا همه های احزاب کمونیست که روابط تشکیلاتی دسته بینا هک بیرونی را با تعریف و معین میسازند، بندهای وجود دارند که در آن مقررات تخطی ناپذیری برای بایندی به شئون اخلاقی در نظر گرفته شده که در صورت عدم رعایت آن، تخطی کننده از حزب اخراج خواهد شد یکی از این مقررات رعایت اصل رفاقت کمونیستی در روابط بین رفقای حزبی و سازمانی است. کسی که میخواد خود را به اولین اصل اخلاق کمونیستی یعنی فداکاری تا بذل جان در راه آرمان کمونیستی و سازمان حزبی بایبندد نماید، طبیعا نمیتواند در این راه اصل رفاقت کمونیستی غافل باشد. در زندگی حزبی، باید از هر گونه بی صداقتی، خودخواهی، دورویی، دوز و کلک، باندبازی، بوروکراسیم، بی انضاطی و لاف و بی روی، خوشگذرانی، انحرافات اخلاقی و مانند آن بهره گیری در غیر این صورت زندگی سازمانی فلج شده و روحیه رفاقت کمونیستی که زمینه لازم برای مبارزه سازمان حزبی است از میان میروند و جای آنرا یک جو خورده بورژوازی یا بورژوازی میگیرد. برای اینکه این محیط رفاقت آمیز بیرونی برای مبارزه حزبی مادت باشد، اساسا همه سازمان، حزبی روابط و مساساتی را بین اعضا، سازمانی و ارکانهای بالابا بین معین کرده که همگان بایندار آن پیروی نمایند. اصل سانسورالیزم دیکراتیک مهم ترین اصلی است که این روابط را معین میسازد. کسی که در سازمان حزبی دست به ایجاد فداکسیون میزند، کسی که دموکراسی توده ای درون سازمان را سرکوب کرده و آنرا فدای خود یا یک دار و دسته معین میسازد، چنان کسی هرگز نمیتواند از لحاظ ایدئولوژیک به آرمان بیرونی رفاقت کرده و رفاقت کمونیستی رفتار را از میان می برد.

از هنگامی که دار و دسته ریزونیست حاکم بر اکثریت درون سازمان چریکهای فدائی خلق شکل گرفتند و به مرور عناصر انقلابی و همراه با ایده های انقلابی سازمان از آن طرد کرده اصل سانسورالیزم دیکراتیک کا ملا زیرپا نهاده شده و جای آنرا سرکوب عناصر انقلابی و اخراج



بیدایش این حالات، نگاه برخورد های لیبرالی نیز نقش دارد که نباید آنرا نادیده گرفت .
موفق و پیروز باشید!

رفیق م فرناز! در نامهات از اینکه در پیکار ۹۰ مجاهدین را "بدواً یک مثنی انقلابی" خوانده ایم، ما را مورد انتقاد قرار داده بودی لازم به توضیح است که ما مجاهدین را نیروی میدانیم که در صف خلق و انقلاب قرار دارند و منتها این سازمان دارای گرایشات شدید لیبرالی بخصوص در رهبری خود میباشد، اگر یکی از دلایل شدت یابی این انحراف ضعف نیروی کومنیستی است که وظیفه ارتقا و هدایت دمکراتها خورده بورژوا نظیر مجاهدین را بعهده دارند، علت مهمتر آن ناشی از یک گرایش طبقاتی است. بنا بر این روشن است که ما سازمان مجاهدین را نیروی ضد انقلابی نمیدانیم ولی مثنی حاکم بر آنرا متزلزل و آمیخته با گرایشات رفرمیستی میدانیم. مضمون آنچه هم در پیکار ۹۰ مورد نظریه، جز این نیست .

پیروز باشی!

رفیق نادره، در یکی از انتقاداتی که به اعلامیه "راهیمائی ۲۳ و ... " داشتیم مینویسد: مرحله انقلاب ما دمکراتیک است نه سوسیالیستی پس اکنون نباید حتی حکومت سوسیالیستی را مطرح سازیم. " از آنجا که ممکن است چنین اشتباهاتی را در منکر برقیای دیگری نیز باشد توضیح مسئله میپردازیم .
رفقا! با بد توجه داشته باشیم که کومنیستها نمایندگان طبقه کارگر و بخش پیشرو آن هستند بنا بر این همواره میبایست از موضع منافع تاریخی پرولتاریا حرکت کنند. میدانیم که این منافع تاریخی تنها و تنها بوسیله سوسیالیسم دستیافتنی است. یعنی طبقه کارگر برای رسیدن به کمونیسم میبایست طی یک دوره به اعمال دیکتاتوری خود بر یابی ساختمان سوسیالیسم بپردازد و برای این منظور ابتدا میبایست دست به انقلاب سوسیالیستی بزند اما آنچه در جوامع نظیر ایران مرحله انقلاب را دمکراتیک میکند، عدم آمادگی شرائط عینی و ذهنی برای انجام انقلاب سوسیالیستی است. یعنی از یک طرف طبقه کارگر از شکل و آگاهی کافی برای اعمال دیکتاتوری خود برخوردار نیست و از طرف دیگر به علت عقب ماندگی جامعه و تسلط امپریالیسم، تجزیه طبقاتی در میان دهقانان و خورده بورژوازی شکل نگرفته و بخشهای وسیعی از این اقشار در تفادشتی ناپذیر با امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته قرار گرفته و لذا خواهان انقلابند. بدین لحاظ طبقه کارگر برای انجام بر نامه ها که اکثر خود (انقلاب سوسیالیستی) محبوس است ابتدا در کنار این اقشار انقلابی با انجام انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی بر اساس بر نامه ها قتل و رهبری خود به نتیجه برساند تا شرائط برای انجام بقیه در صفحه ۲۲

از زندگی مدها میلیون زحمتکش سراسر جهان تحت ستم و استعمار طبقات استعمارگر و نظام سرمایه داری قرار دارند. سوسیالیسم تنها راه نجات این توده های زحمتکش است و این وظیفه ما کومنیستهاست که با تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر خود در راه آگاه کردن توده ها و آمادگی سرخ کومنیسم بکوشیم! به میدان روزی که تمام زحمتکشان و کارگران همانند توده ها بتوانند به منافع طبقاتی خویش واقف گردند. پیروز باشی!

رفیق م - از خوزستان برای ما نامه ای ارسال داشته و در آن به بی توجهی برخی از رفقا نسبت به مسئله سلامتی جسمشان اشاره کرده است و اینکه چگونه رفیق بیماری که به توصیه های رفقا پیش برای مراجعه به دکتر و درمان خویش بی توجهی کرده، دچار بیماری سل گردیده است. رفیق از ما خواسته تا درباره این موضوع برای رفقا و سایر دوستان مختصر توضیحی بدهیم .
رفقا! آنچه که در زندگی کومنیستها نقش محوری و تعیین کننده را بازی میکند، همانا پیشبرد هر چه بیشتر امر مبارزه طبقاتی در جهت آرمان طبقه کارگر است. کومنیستها در این راه حتی از نثار جان بشان که با ارزش ترین چیز برای انسان است، دریغ ندارند. اما آنچه را که نباید فراموش کرد مسئله تداوم مبارزه و ضرورت پای داری هر چه بیشتر در سنگرمبارزه طبقاتی بر علیه بورژوازی است. آنجا که منافع پرولتاریا اقتضا کند ما از نثار جان خویش نیز نباید دریغ کنیم. گماینکه در طول تاریخ تمامی کومنیستهای راستین اینچنین کرده اند و اینچنین نیز خواهند کرد. اما با بخاطر ندانستن سلامتی و روحیه ما با بخاطر بی توجهی به آن و اینکه احیاناً ما وای بیماریها را "ضعف" دانستیم خدمت به آرمان طبقه کارگر است؟ مسلماً خیر ما نه تنها برای هر چه بهتر پیش بردن مبارزه بر علیه بورژوازی به جسمی سالم احتیاج داریم، بلکه تا آنجا که معیارهای کومنیستی - همانا اجازه دهند میبایست خود را برای ادامه مبارزه حفظ نمائیم. هر گونه برخوردی جز این، نادرست و موجب تضعیف نیروها یمان میگردد. در برخورد با رفقای که احیاناً دچار این نگرش نادرست نسبت به سلامتی خود هستند، باید ضمن شکافتن مسئله یک تکه را از ظاهر پیرستیم و آنهم روحیه فداکارانه و انقلابی این رفقا است بنا بر این هر گونه برخورد مطلق گرایانه که این روحیه را نفی کند، برخورد راست از یابی میشود. در

رفیق م - ق از اهدان! این رفیق که متولد پاکستان است و از کودکی به علت از دست دادن پدر و مادرش، مشقات فراوانی را متحمل شده شرح زندگی اش و چگونگی کومنیست شدن خویش را طی نامه ای برای ما با زگو کرده است که در زیر خلاصه ای از آنرا نقل میکنیم: "با درود رفیقانه نامه را شروع میکنم... بعد از مرگ پدر و مادر مرا بدست مادر بزرگم گذاشتند بعد از مدت در بزرگ افتادیم بدست عمویا که برای منافع خود مرا بیش از حد استعمار میکردند. اگر نمیتوانستم کار کنم تنگم میزدند. بارها آرزوی مرگ را میکردم. چیزیکه هرگز فراموش نمیکند اینست که پسرایب در عوض دادن تکه نان میخواستند که بپوشه های خاکی را از زیر پاهایم بکنند و تا اگر عموهایم متوجه میشدند با چوب مرا میزدند و بر روی سرم سرد میخیزدند... چند بار رقصه را رقصیده بودم تنها اینکه سرانجام موفق شدم به حیدرآباد دیگر بزم در آنجا چند سال به همراه خانواده فقیری زندگی کردم... بالاخره تصمیم گرفتم به ایران بیایم و بدین منظور با طایفه شهرها را پیمایم و طی کردم، تا به زاهدان رسیدم. در آنجا یک نفر مرا به فرزندی قبول کرد و بدین ترتیب دارای خانواده شدم. اما چون پدرم معتاد بود و خواهرها به مدرسه میرفتند، تصمیم گرفتم که هرگز به خود فکر نکنم و تا زمانی که آنها درس میخوانند خرجی شان را در بیارم. بدین منظور عازم تهران شدم. شهری که در آن زلومتها در آن به عیش و نوش میپرداختند و کارگران و زحمتکشان به فروش نیروی کارشان، در تهران درمنازه ناواشی و از ساعت ۲/۵ نیمه شب تا ۸/۵ بعد از ظهر در مقابل مزد نا چیزی کار میکردم و خرج روزانه من فقط ۱۵ ریال بود. بقیه درآمد مرا برای خانواده ام میفرستادم. چند سال بعد که من در شهر قهرمان سنجید کار میکردم خواهرم نزد من آمد و به تحصیل خود ادامه داد. دوماً به مدرسه شبانه رزم و به کمک خواهرم خواندن و نوشتن را آموختم تا اینکه قیام صورت گرفت در سنجید به همراه مردم زحمتکش بر علیه مزدوران رژیم شاه مبارزه کردیم. یکی از دوستانم هم در این مبارزات شهید شد. بعد از آن عازم تهران شدم و با رفیق "ک" آشنا شدم. بر اثر کوششهای او خط ما رگبست - لنینیست را پذیرفتم و بعد از ۱۵ ماه به زاهدان باز گشتم و بلافاصله در یک کارگاه مکانیکی مشغول بکار شدم. تا اینکه با رفقای پیکار آشنا شدم و شروع به فعالیت کردم. یکشب برای شعارنویسی رفته بودم، پدرم متوجه شد و خواست که با هم را بسوزاند که با مقاومت من رو برود. بنا بر این از من خواست که به "خانواده ام" را انتخاب کنم و با به راه پیکار بروم. من با تمام موجودم پیکار را انتخاب کردم و بعد از مدتی از آنجا جدا شدم و اکنون در یک اطاق زندگی میکنم که نه در دار و نه پنجره و چیزی ندارد جز چند کارتون نشریات سازمان پیکار و یک قطب رنگ برای شعارنویسی!"
رفیق م - ق! سراسر زندگی تو نمونه ایست

اخبار جنگ

و بحق خود را میگوئیم تا شما نیز از سر خود ضد مردمی مسئولین رژیم آگاه گشته و قضاوت کنید.

۱- لغو احکام صادره در مورد نمایندگان سابق و فعلی.

۲- پرداخت حقوق کامل (زیرا ۱/۳ از حقوقمان را که فعلا دریافت میکنیم، کفاف مخارج سنگین زندگی را نمیدهد)

۳- تا مین ممکن تا پایان جنگ

۴- ایجاد کلاسهای درس در مساجد، خوابگاهها و با کلاسهای دانشگاه برای خیل عظیم دانش - آموزان جنگ زده.

۵- به رسمیت شناختن شورای هماهنگی منتخب معلمان.

۶- ...

با اندکی تلخیص و تفسیر به نقل از اعلامیه "معلمان جنگ زده خوزستان - ساکن شیراز"

راهپیمایی اعتراضی

جنگزدگان ساکن خوابگاه ۲۵

درسی برای همه

جنگزدگان!

شیراز

"دیگریس است گرسنگی، دیگریس است سرما و بی یونانی، دیگریس است بی بهداشتی، از اینهمه فشار و زورگوشی چنان بر لکب رسیده است، با بد زاین وضع فلاکت بار، باید از مصیبت های این جنگ ارتجاعی و لعنتی با مبارزه خلاصی یابیم"

هشهریان جنگ زده! خانه خرابی ما و زور - گوشی های رژیم، اگر ما ساکت بنشینیم، ادامه خواهد یافت. حتی زمانی که جنگ هم تمام شود، اینها دست از سر ما بر نخواهند داشت. پس همه با هم از حرکت خوابگاه ۲۵ و دیگر حرکات تعرضی آوارگان جنگ ما نند: ما دره یک ساختمان توسط معلمان جنگ زده با مداره یک ساختمان روبروی دانشکده پزشکی توسط عده ای از آوارگان جنگ و... درس بگیریم.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۹، به علت نرسیدن مواد غذایی، وضع بد ممکن، وجود خفقان در خوابگاه و آزار و اذیت زنان زحمتکش که حجاب اسلامی نداشته اند و همچنین زدنهای مواد غذایی بوسیله پاداران، بن آوارگان خوابگاه و پاداران درگیری بیش می آید و پس آوارگان با دادن شعار بر طرف آستانداری حرکت کرده و با زور و آزار آستانداری میشوند و وقتی آستانداران فراری میشوند با شعارهای جون: "شمار"

فداشانی (اکثریت) برداخته و میگوید که آنها فداشانی خلق نیستند بلکه فداشانی سرما به داران و سرزد زحمتکشاند. وقتی مردکا رگرم توجه میشود که فداشانی اکثریت کمونیست نیستند، با اطمینان خاطر میگوید "اگر متعجب بودم که اگر اینها کمونیست هستند پس چرا میگویند با بد به داران اسلحه های سنگین داد" - به هنگام خدا حافظی رفیق میبرد "مهدی توهیم کمونیست هستی؟" میگوید "کمونیست" کمونیست نیست ولی از دولت خمینی خوشم نمی آید.

محنت های این کارگر زحمتکش نشان میدهد که چگونه فدیت رویزونیستهای اکثریت با کارگران و زحمتکشان برای توده های خلق افشا شده و آنها همه به هم کاری و سازش ایستادن به خلق با رژیم سرما به داران و ارگان های سرگورگان، بی میبرند، آری توده ها از رژیم سرما به داران و رویزونیستهای مرشد و جنگ ارتجاعی بیزارند و تشنه آگاهی رفقا! با ایمان به پیروزی توده ها و با ایمان به درستی خط بولتری سازمان ما به پیش!

خواسته های معلمان

جنگ زده

موظبان آگاه و مبارز!

شرایطی که این جنگ بر ما تحمیل کرد، ما را همچون دیگر مردمان مناطق جنگ زده آواره شهرها و روستا ها کرده است و از آنجا که تمام هست و نیست خود را به خاطر نداشتن امکانات حمل و نقل برجای گذاشتیم، هم اکنون ما در نقاطی ساکن هستیم که از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نیست. این درد تنها گریبانگیر ما بلکه بیلای جان تمام آوارگان زحمتکش مناطق جنگی میباشد. مسئولین رژیم وقتی با فشاری ما برای تامین حداقل امکانات رفاهی را دیدند به شیوه های ضد مردمی پناه بردند، و آخرین حرکت آنان، اخراج و معلق کردن دوتن از نمایندگان سابق و نیز صدور احکام مطیع نشدن از نمایندگان فعلی ما میباشد که همگی جرمشان احقاق حقوق خود و دیگر همکارانشان است که ما این عمل فداشانی را به رسمیت نشناختیم و آنرا همچنان نمایندگان و همکاران فرهنگی خود میدانیم.

موظبان آگاه و مبارز ما خواسته های ضروری

تحفه دیگر جنگ ارتجاعی:

بیماری روانی

پنج ماه جنگ ارتجاعی که صدها هزار نفر از مردم زحمتکش ایران و عراق را به فلاکت و درماندگی کشانده، ارمغان دیگری نیز برای زحمتکشان ما به همراه داشته است. در اشرافهای ناشی از جنگ ارتجاعی رژیمهای ایران و عراق عده زیادی از آوارگان جنگ زده و سران به ناراحتی های روانی دچار شده اند. هم اکنون در بیمارستانهای شیراز، عده قابل ملاحظه ای از این بیماران در بخشهای روانی بستری هستند این قربانیان جنگ در شرایط سخت بیماری که زندگیشان را کاملاً تهدید میکند نیز از سرگوب عوام رژیم درمان نیستند، اغلب این بیماران بغاوت تحمل فشارهای روحی، علیه رژیم و سردمداران آنها به فعلی میپردازند و این حالت بیش از اینکه نتیجه خشم آگاهانه طبقاتی آنها باشد، بستگی کامل به شدت بیماری آنها دارد. اما مزدوران رژیم در دفاع از منافع ارتجاعی شان این حرفها سرشان نمیشود. در هفته گذشته پاداران چهل و سرما به پس از کتک زدن معضل یک بیمار جنگ زده که مقامات رژیم را مورد حملات لفظی قرار داده بود، و برادر دستگیر و علیرغم اعتراض کارکنان بیمارستان او را به زندان منتقل کردند.

۵ ماه جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما جرمگ، نقض عضو، در بدری و بیخا نمایی، فقر و فلاکت، گران و قحطی، بیماری و ددها خطر انحراف و... چیز دیگری بار نیاورده است.

رویزونیستهای اکثریت

باز هم افشا میشوند

جندی بیش یکی از رهبران سازمان به هنگام نوشتن شعار بر روی دیوار، با کارگر میانمالی و روبرو میشود. مردکا رگرم رفیق میبرد "چی نوشته ای؟" رفیق پاسخ میدهد "نوشته ام که این جنگ به ضرر مردم است." وی میبرد "توجه عقیده ای داری؟" رفیق جواب میدهد "من کمونیست هستم" رفیق در حضور این کارگر زحمتکش شعار را کامل مینویسد و بعداً همه صحبت ادامه میدهند. وقتی رفیق نظریه سازمان را برامون ارتجاعی بودن این جنگ و اینکه منافع سرما به داران را تا مین می کند، توضیح میدهد، وی سؤال میکند "اگر شما در جنگ شرکت نمیکنید چرا جریکهای فداشی جنگ میکنند؟" پس رفیق به افشا مواضع سازمان

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

مصادره خانه‌های خالی "ملک شهر" بوسیله معلمان جنگ زده

ساکنان اصفیان، برای حل مشکل مسکن، دست به مصادره خانه‌های خالی "ملک شهر" (واقع در حومه اصفهان) میزنند. طبق معمول سرو کله‌ها سداران سرما به پیدا شده و آنها در مقابل مقاومت معلمان جنگ زده با خشونت تهدادی از آنها را دستگیر کرده و به زندان‌های مرمری و سپس برای بازجویی به "دادگاه انقلاب" میبرند. در دادگاه معلمان مبارز آواره از حق خود دفاع کرده و میگویند که آنها خانه‌های "ملک شهر" را تخلیه نمیکنند.

رژیم در مقابل مقاومت فرهنگیان آنها را با ضمانت آزاد کرده و چند نقطه را برای سکونت آنان پیشنهاد می‌کند که به علت نداشتن امکانات، معلمان از قبول پیشنهاد آنان سر باز میزنند. مبارزه و مقاومت فرهنگیان برای حفظ خانه‌های مصادره شده، ادامه دارد.

معلمان مناطق جنگ زده به همراه سایر آوارگان مبارز، در شهرها به مبارزه خود برای بدست آوردن خواسته‌های برحقشان ادامه میدهند. و برای حل مشکل مسکن راهی میزنند. مصادره خانه‌های خالی نمی‌بینند. روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۳ معلمان مبارز خوزستانی

هر آواره، نان، مسکن، آزادی، "هر سه زندگی ما موقع بیکاری برای آوارگان برداخت باید کرد... به نظرات ادامه میدهند.

دروغ‌نیز، آوارگان با ردیگر جلوسوی خوابگاه جمع شده و شعار گویان بطرف استانداری حرکت میکنند. در سن راه عده‌ای از عناصر مترلزل میگویند: "چپ روی نکنید و شعار نزنید، مسکن، آزادی را بدهید! اما زبان زحمتکش در پاسخ میگوید: "ما چپ روی سرمان نمیشود، با آن میخواستیم، ممکن هم میخواستیم، آزادی را هم میخواستیم". عده‌ای از هواداران روزیونیست - های خاشا لحن بپراکنی میکنند که: "این کار شما باعث تضعیف دولت میشود" اما آوارگان در پاسخ میگویند: "تضعیف یعنی چه، ما بخاطر آنها آواره شده ایم" و یکی از زنان زحمتکش عرب در حالیکه به حدود خریسجی حمله میکند میگوید: "سما رکس زیر سر خودتان بوده، خون ریزی های آبادان هم زیر سر خودتان بود، جنگ را هم خودتان از خوزستان شروع کردید دیگر از جان ما چه میخواهید". "آری توده های آگاه دشمنان خود را خوب تشخیص میدهند. هنگامیکه آوارگان به استانداری میرسند، عمال رژیم هریک به نوعی شروع به عوا مغرایی میکنند که با افشاگریهای آوارگان عقب می‌نشینند. یکی از زنان زحمتکش پیشنهاد می‌کند که: "راهپیمائی کنیم و در دو طرف خیابان هم روی بار چیه بنویسیم که، مردم شیراز، کمکهای شما میرسد، ولی پاسداران آنها را میزدند، ما با پاسداران طرف هستیم نه شما، تا مردم بفهمند که ما چیه میگوئیم و رژیم نتواند تبلیغات دروغ راه بیاندازد" وزن زحمتکش دیگری میگوید "همان طوریکه خون دادیم و این انقلاب را آبیاری کردیم، همانطور هم خون میدهم و انقلاب بعدی را آبیاری میکنیم".

آوارگان از میان خود ۴ نماینده انتخاب کرده و با خواسته‌های زیر پیش استانداری میفرستند:

- ۱- رفع هر چه سریع تر شرایط اولیه جنگ زدگان از قبیل سوخت، پوشاک، غذا و وسائل زندگی
- ۲- پرداخت حقوق برای تامین معاش خانواده های جنگ زده.

- ۳- قطع سرخورد های غیر انسانی و توهین آمیز مقامات مسئول رژیم نسبت به آوارگان جنگ
- ۴- تامین بهداشت.

- ۵- ایجاد شور از میان خود آوارگان جنگ. اما مانند همیشه استانداری در پاسخ نمایندگان فقط وعده و وعید میدهد.

همشهریان جنگ زده! مبارزات خود را ادامه میدهم، متحد و یکپارچه مبارزات خود را برای گرفتن خواسته‌های برحقمان ادامه میدهم. به نقل از اعلامیه "گروهی از آوارگان مبارز شیراز" با اندکی تلخیص و تغییر.



مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۱۲ وحدت...

ممکن است چندتا گردویا میزدگیرسبزیردست خودداشته باشد. آن تقسیم بندی که شما به انکای آن ازبورژوازی کوچک نام میبرد و آنرا صاحب حدوده کارگر میدانید، چیزی جزخرده - بورژوازی مرفه نیست. و نام آن موسسات تولید سبزکارخانه نبوده، بلکه کارگاههای کوچک خرده - بورژوازی مرفه است. اگر شما صاحبان چنین کارگاههای کوچکی را "بورژوازی کوچک" می - خوانید، پس بگوئید چه قشری را خرده - بورژوازی مرفه میدانید؟ بکننداصولا خرده - بورژوازی رانه بورژوازی "خرده" (بورژوازی کوچک) بلکه از سبازدگیری میدانید؟ آنچه خرده - بورژوازی (اعم از متوسط و مرفه) را ازبورژوازی جدا میکند، همان تولیدکالائی ساده و گسترده است که اولی حیطه عمل خرده - بورژوازی را تشکیل میدهد و دومی حیطه عمل بورژوازی و ازاینرو است که خرده - بورژوازی درایران "وابسته" محسوب نمی - گردد. چه با سرمایه وی در محدوده تولید خرده - کالائی و محلی قرار داشته و دربارا زانحصاری جامعه در تولید و با زتولید و گردش آن قرار ندارد. در عوض، طبقه - بورژوازی ایران از آنجا که به تولید کالائی گسترده وابسته است و تا مین سود آن جز با گردش و تولید و با زتولید وابسته به شرایط سودآوری و با زارامیربالیستی ممکن نیست، "وابسته" محسوب میگردد.

ازاینرو ما در اساس "بورژوازی کوچک" را بعنوان جزئی از طبقه - بورژوازی قبول نداشته - و آنرا بعنوان خرده - بورژوازی می شناسیم، همانطور که رفیق لنین و استالین نیز از دهقانان مرفه (خرده - بورژوازی مرفه) بعنوان "بورژوازی ده" نام میبردند. سومین انحراف سیاسی که در دیدگاه رفقا در برخورد به قدرت سیاسی وجود دارد، همان بورژوازی سوداگرنامیدن جناح خرده - بورژوائی هبات حاکمه (خمینی، منتظری و...) است بنظر ما در اینکه حزب جمهوری اسلامی دارای ماهیتی بورژوائی بوده، شکی نیست. اما ما به خمینی و جناحی از حزب جمهوری اسلامی (که جناح مغلوب است) به مثابه خرده - بورژوازی مرفه سنتی اعتقاد داریم. ازاینرو اختلاف ما با رفقا در ارزیابی از جایگاه خمینی و جناح خرده - بورژوائی هیئت حاکمه است که رفقا آن را نیز بعنوان "بورژوازی سوداگر" معرفی کرده اند. بنظر ما به توجه به موضعگیریهای خمینی قبل از قیام، او نمیتواند بعنوان نماینده سیاسی بنورژوازی سوداگرنامیده. زیرا خمینی در زمان شاه خواهان مبارزه علیه رژیم شاه و بخصوص سلطنت و شخص شاه بوده و در خدمتی دارای تضاد با انحصارات امیربالیستی و با ند سلطنت بود. اما پرواضح است که در همین مبارزه دارای تزلزلات و ناهای بگیریهای فراوان بود. حال آنکه در زمان شاه هیچکدام از جناحهای بورژوازی نمیتوانست علیه رژیم سلطنتی شاه مبارزه کند و اختلافات این جناحها با شاه سر سر خود کا مکی و مطلقگی

دیکتاتوری شاه بود. این جناحها خواهان تعدیل دیکتاتوری شاه و اعمال دیکتاتوری تمام طبقه بودند و از شعار "شاه با بد سلطنت کننده حکومت" جانبداری میکردند. خرده - بورژوازی مرفه سنتی به نمایندگی خمینی علیه تمام نماینگریهای خود بر مبارزه علیه سلطنت شاه و بختیارا صرار میورزید. حال آنکه هیچکدام از بخشهای بورژوازی از چنین موضعی برخوردار نمیشدند و بیوسسته میکوشیدند تا خمینی را به سازش با رژیم سلطنتی بکشانند. با طبع خمینی نیز به لحاظ ماهیت طبقاتی شدیداً متزلزل خود چنین امکانی را فراهم میساخت. تا بورژوازی متوسط سیاست سازش خود را به عمل درآورد. اما علیرغم این ماهیت، خمینی در زمان شاه در صف انقلاب قرار

داشت. لیکن به موازات رشد انقلاب و تعمیق رادیکالیسم جنبش توده ها، و نیز برآمدن جنبش طبقه کارگر (که اعتماد با کارگران نفت سمبل آن بود)، تزلزلات و گرایشات ضد انقلابی - خرده - بورژوازی مرفه سنتی به نمایندگی خمینی فزونی یافت و بالاخره در مقطع قیام با تلاش جهت حفظ ماشین دولتی، با تشکیل دولت با زرگان و سازش با امیربالیسم به صف ضد انقلاب می پیوندد.

بعلاوه برخلاف بورژوازی متوسط در قبل از قیام که دارای مشی و برنامها و تشکیلات خاصی بود، خمینی به لحاظ همان ماهیت طبقاتی متزلزل و بینا بینی خود فاقد مشی و برنامه ای منسجم بوده و از تشکیلات قابل انگاشی برخوردار نبود. خمینی مبارزه خود را بدون تکیه بر تشکیلات و سازماندهی و بدون برنامه معین و بطری خود بخودی و دنیا لهر وانه به پیش میبرد. حال آنکه واقعا کدام بورژوازی را میتوان یافت که دارای چنین خصایمی باشد؟ رفقای نظر

کارشناسان ایتالیائی در خدمت جمهوری اسلامی

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علاوه بر خرید اسلحه و قطعات بدکی از امیربالیستها، کارشناسان آن را نیز به خدمت اهداف ارتجاعی خود میگیرد. طبق اخبار موشی جندی پیش در فرودگاه ارومیه، مهندسین و کارشناسان ایتالیائی مونتاز قطعات هلیکوپتر "شوک" را آغاز کرده و این هلیکوپتر اکنون برای پرواز آماده است. این واقعیتها نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به همان راهی میروید که رژیم شاه خا ش.

بقیه در صفحه ۲۷

گاه سوم، گذشته خرده - بورژوازی مرفه سنتی را در نظر نگرفته، بر وسه تحول آن را از مدنظر انداخته و آنرا از ابتدای امروز بعنوان بورژوازی سازشکار سوداگر جلوه میدهند.

ماهیت خرده - بورژوائی خمینی نه تنها در مواضع سیاسی و نحوه عملکردهای وی و آرمان - های اتویستی خرده - بورژوائی اش (نه شرقی، نه غربی، با اسلامیسیم و...) منعکس میگشت، بلکه بعد از قدرت رسیدن نیز در اقدامهای خطی و فقدان برنامه و دوراندیشی که وی را وادار به سپردن قدرت بدست بورژوازی لیبرال و دنباله - روی از او نمود، منعکس میگردد و امروز که حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزبی بورژوائی دارای سازماندهی، مشی و برنامه خاص خویش

مگر ممکن است مناسبات سرمایه داری (وابسته) شیوه تولید غالب بر جامعه باشد و آنگاه اقشار متفاوت بورژوازی با شرایط متفاوتی و تحت قانونمندیهایی متفاوتی تولید و بازتولید نمایند. اگرچه بهریم که سرمایه داری ایران وابسته است، این بدان معنی است که کلیت جامعه بورژوازی ایران وابسته به شرایط تولید و بازتولید امیربالیستی است و ازاینرو طبقه بورژوازی ایران وابسته محسوب میگردد.

است، خمینی قدرت را بدانان سپرده و خود دنیا لهر وانه و آنرا وصه گذار برنامهای آنان گشته است. تا با این واقعیتی نیست که خمینی منتظری و شرکار فاقد هرگونه بینش بورژوائی و مشی و برنامه نبوده و آنرا نیستند که سیاست بورژوائی حزب را تعیین نموده، بلکه بالعکس این حزب جمهوری و سرمداران آنها، بهشتی ها رفسنجانی ها، و خا منهای ها، تا بیت ها هستند که سیاست خمینی را تعیین نموده و وی را به دنباله - روی و قبول سیاستهای خویش وادار میکنند. ما تکیه میکنیم دیدگاه سوم رفقای وحدت انقلابی که خمینی را نماینده جناح بورژوازی سوداگرازیایی می نماید، اما با برخوردی راسخ و نه نسبت به خرده - بورژوازی مرفه سنتی است. دیدی که او را ز فعل و انفعالات مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی حاکم خارج نموده و در حقیقت آنرا جزو صف انقلاب میداند.

* * * * *

پذیرش مبارزه ایدئولوژیک علنی، وجود شواثب فکری انحلال طلبانه، درکهای التقاطی و وجود شواثب فکری نظام وابسته و برخورد راسخ و نه و التقاطی نسبت به بورژوازی کوچک "و غیر وابسته" و برخورد راسخ و نه نسبت به جزو صف انقلاب بشما رمایید، گوشه ها شئی از انحرافات است که رفقای دیدگاه سوم همچنان بدان آلوده اند. ما میدوایم رفقا با تصحیح خط مشی و مواضع خویش بتوانند، انحرافات غیر پرولتری را از مواضع خود زدوده و در جهت وحدت به حول خط مشی و برنامها کمونیستی بکوشند. ما ادا میخوریم خود را ماکول به طرح نظرات بعدی رفقای دیدگاه سوم نموده و از مبارزه ایدئولوژیک آنان بحول آنچه که بر اساس نظریات خود عنوان نموده ایم، استقبال مینمایم.

مستشاران آلمان شرقی بجای مستشاران آمریکائی!

رژیم جمهوری اسلامی، برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته اقدام به استخردام مستشاران خارجی با حقوق های کلان نموده و مینماید. رژیم های ارتجاعی برای حفظ حاکمیت خود نمیتوانند بی نیاز از وابستگی به کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری باشند طبق قراردادی که بین رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی یونیست های حاکم بر "المبستان" دموکراتیک (شرقی) در سال گذشته به امضا رسیده، رژیم برای برآوردن احتیاجات تسلیحاتی اقدام به استخدام مستشاران آلمان شرقی نموده است. جمهوری اسلامی تقبل کرده است که علاوه بر حقوق ماهیانه، مخارج خانه و هزینه سفر مستشاران و خانواده شان و نیز اثاثیه آنها را بپردازد. مستشاران رونیونیست اجازه خواهند داشت که مواد غذایی مصرفی شان را بدون پرداخت عوارض گمرکی از خارج وارد نمایند (این مدعیان دروغین سوسیالیسمی - ترسندگان های ایرانی به مزاجشان سازگار نباشد!) حقوق ماهیانه این متخصصین برای سرب مهندسین ۵۹۰۰ فرانک سویس (معادل ۳۰۰۰۰ تومان) برای مهندس ارشد ۵۶۰۰ فرانک سویس و برای تکنیسین ۴۹۰۰ فرانک سویس (معادل ۲۵۰۰۰ تومان) در تهران و گیلان و مازندران خواهد بود و برای استانهای دیگر ۲۰ تا ۳۵ درصد افزایش (بدی آب و هوا!!) دریافت خواهند کرد این حقوقهای کلان بخش کوچکی از بهای گزافی است که رژیم جمهوری اسلامی در قبال تحکیم سرمایه داری وابسته از دسترنج زحمتکشان ما میبرد از د.

امضای این قرارداد علاوه بر امضای رژیم جمهوری اسلامی، چهره واقعی بورژوازی یونیست های مرتجع آلمان شرقی را که دم از "کمک - های بی چشمداشت" به کشورهای "انقلابی" میزنند نیز برای توده های زحمتکش خلقهای ایران بهتر معرفی میکند و نشان میدهد که چگونه رونیونیست های خائن آلمان شرقی با دریافت حقوق های کلان برای برآوردن احتیاجات ارگانهای سرکوب و ماشین تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی و بر علیه توده های زحمتکش - جای پای مستشاران کشورهای امپریالیستی غربی میگذارند. این مدعیان دروغ - سوسیالیسم با دریافت حقوقی معادل حقوق کارشناسان چپا و لگر غربی دشمنی خود را با زحمتکشان میهن ما بنمایش میگذارند.

این قرارداد چهره فریکا را نه رونیونیست های خائن حزب توده و "اکثریت" ایمن - شنا گویان سوسیال امپریالیسم روس کشتب و روزا زکمک های کشورهای "برادر" یاد کرده و امضای قرارداد با سوسیال امپریالیسم و کثور - های بورژوازی یونیستی اروپای شرقی نظیر آلمان - شرقی را دلیلی بر "استقلال اقتصادی و حرکت در آن جهت میدانندیش از پیش افشا میکند.

این قرارداد نشان میدهد که خائن حاکم بر این کشورها در دشمنی با خلقهای تحت ستم و در چپاول دسترنج زحمتکشان کشورهایی چون ایران دست کمی از امپریالیستهای غربی ندارند.

★ ★ ★

خدمت رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا

رژیم وابسته شاه، در جهت دفاع از منافع آمریکا با امپریالیست در منطقه، سالیانه میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان ایران را به خرید تسلیحات اختصاص میداد از جمله قرار دادهای غارتگرانه ای که رژیم شاه برای خرید اسلحه با امپریالیسم آمریکا امضا کرده بود، قراردادیست که برای خرید موشکهای هوا به زمین و زمین به زمین با کمپانی هیوز امضا شده است این قرارداد که مبلغ اولیه آن ۲۸۴/۷۹۰/۰۰۰ دلار (معادل ۲۷۸/۳۲۰/۰۰۰ تومان) و (البسته بدون محاسبه هزینه های ساختن و اضافی بعدی است) بوده و جمعا ۱۷۰/۵۶۹/۱۰۰ میلیون دلار به صندوق شرکت مزبور واریز شده است، قبل از سقوط رژیم شاه توسط آن رژیم لغو شده است ولی بولهای ایران همچنان در صندوق شرکت مزبور باقی است. رژیم جمهوری اسلامی که کوچکترین قدمی در افشای قراردادهای غارت -

گرانه با امپریالیسم آمریکا برنداشت (و طبیعی هم بود که برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته برندارد) صحبتی از این قرارداد هم بمیان نیاورده و فقط به مطالبه در مورد این پیروژه قناعت کرده است.

اگر رژیم شاه در ادامه سیاست ارتجاعی و جا کرم نشانه اش میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان را به دامان امپریالیسم آمریکا میریخت، رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت دوماه اش با سکوت در مورد آن قراردادها و تلاش در جهت اجرای آنها در تحکیم سرمایه داری وابسته کوشیده و در شرایطی که زحمتکشان میهن ما در سخت ترین شرایط با فقر و فلاکت دست بگریبانشان چشم پوشی از میلیاردها دلار سربده های ایران در آمریکا در جهت خدمت بیشتر به امپریالیسم آمریکا قدم برمیدارد.

★ ★ ★

باز هم خرید اسلحه از آمریکا

هر دو جناح ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بخصوص بنی صدر در سوق و کرنا و ژوژی نامه ها شان ادعا میکنند که جنگ ارتجاعی را بدون خرید اسلحه و با قوه ابتکار! ارتش و پاسداران ضد خلقی به پیش میبرند. اما اسناد و خبرهایی که تا بحال در شماره های پیکار و خبرنا مه جنگ آمده نشان میدهد که رژیم برای خرید اسلحه، دست بسوی تمام امپریالیستهای دراز میکند و در این میان "آمریکا" بزرگترین فروشنده اسلحه به ایران میباشد.

طبق اخبار موشق اخیر ایتم های "سنی" "لنزرق" بوسیله هواپیما ی غول بیکر باربری سی - ۱۳۰ (C-130) از آمریکا به ایران حمل شده است. این خبر موشق یکبار دیگر چهره فریکا را نه رژیم جمهوری اسلامی و همه رهبران آن بنی صدر تا بهشتی و آیت الله خمینی را افشا کرده و نشان میدهد که رژیم حاکم بدون کمک امپریالیستها نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. این خبر موشق نشان میدهد که شعارهای رژیم حاکم علیه امپریالیسم آمریکا بوج و تو خالی است و این رژیم متحدا با امپریالیسم و دشمن خلقهای ایران است.

★ ★ ★

خرید اسلحه از فرانسه هلند و آلمان غربی

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت ارتجاعی - اش ادعا کرده است که نه تنها اقدام به خرید تسلیحات از خارج و بسوی غرب نکرده است بلکه با "کارشکنی" های کشورهای غربی بسوی بهر از "اشغال سفارت آمریکا" مواجه شده است. بارها بارها اسناد و شواهد کافی دروغ بودن ادعاهای رژیم را افشا کرده ایم. از جمله خرید های تسلیحاتی رژیم از کشورهای امپریالیستی غربی، خرید تجهیزات هواپیما برای "هواشوز" میاشاد که در ماه مارس ۱۹۸۰ (اسفند ۵۸) فروردین ۵۹) و درست همزمان با "تحریم اقتصادی" ادعائی رژیم صورت گرفته است.

ارتش جمهوری اسلامی در آن تاریخ قطعاً هواپیما را از شرکت فرانسوی (فالکن) و کارخانه فوکر (هلند) نیز قطعات هواپیما های "توربو - کماندر" را از آلمان غربی خریداری کرده است (به مبلغ بیش از ۱۰ میلیون فرانک فرانسه) این خریدها نشان "موفق" بوده که فرماندهان ارتجاعی ارتش اقدام به ایجاد مراکز خرید در فرانسه، انگلستان نموده اند. بهشتی و بنی صدر خائن و دیگر سردمداران جمهوری اسلامی شب و روز دم از "تحریم اقتصادی"

صفحه دوم صفحه ۲۲

سفره از صفحه ۱۴ رویزیونستها...

سوا استفاده از احساسات غلبه مانده بوده جدا برای تجمیع آنهاست. اگر هویتی مدعیان از کمونیستهای ویتنامی میخواست که در موقع ورود به معادله دینی کفش را از پا بیاورند و با اعتماد مردم احترام بگذارند، ولی هیچکدام از آنها میخواست که خود معذرت بخیزند و در دست بکشند! این موضوع مخصوص وقتی اهمیت ویژه ای با آنکه در نظر یک مریض مرده از مذهب میوان یک وسیله عمد و ابزاری برای تثبیت نهادهای بورژوازی استفاده میکند، و طبعاً در انحصار دین و طلب شدن در احاد احسان اسلامی کارخانه با شکل سازمان عتبه فقط به مفهوم شخص بوده، بلکه همچنان به مفهوم نیست با نه های رژیم بورژوازی است.

"اکثریت" از هواداران خود میخواهد که با سهیلان را در سطح مستقیم و دیگر نهادهای ارتجاعی رژیم همکاری کنند و در شرکت نمایند. طبیعی است که این کار فقط در خدمت تثبیت ارتجاع میباید و میباید عمل. هواداران اکثریت نسبت به رژیم و عوامل آن خاکسارانه و خدمتگزارانه بیدار کرده و در هر محل (در ریدان، کارخانه، دانشگاه، دهکده، فروش نریدو...) به صورت عوامل خاسوس رژیم در خواهند آمد.

البته "اکثریت" فقط به توده های درس خاک - باری نسبت به رژیم را نمیدهد، بلکه در ضمن از رژیم هم مختصراً انتقاداتی بخاطر ناسکریهاش دارد. چرا که این ناشی کرسیها باعث ریزش توده ها شده و روحیه انقلابی و اخلاقی آنها را در توده ها بالا میبرد.

از آنجا که "اکثریت" از لحاظ سیاسی بدو - لویزیک وابسته به بورژوازی امپریالیستی روسیه میباشد، طبیعی است که این خصلت در روحیات و خلق و خوی او (بخشین فربه یک امپریالیستی و سراسر با فساد و بورژوازی روسیه) و هم چنین تلاش او برای ثبت دادن هیأت حاکمه به سوی وابستگی بیشتر به سوسال امپریالیسم نیز مشربا شد. همگامی یک سوگرد مقابله با ربا و هم تشویق ارباب به پذیرفتن قید و بند ارباب دیگر، این است آن روحانی که اینک مناسبات میان گروه "اکثریت" را با هیأت حاکمه معین میسازد.

۳- در برخورد به نیروهای کمونیستی و انقلابی

اکثریت از تمام مشوهای ممکن برای ضربه زدن به نیروهای انقلابی و کمونیست استفاده میکند و در این راه همیشه هیچ گونه قید و بندی مگر مافع بورژوازی نیست، برخی از این مشو ها را میتوان چنین نام برد:

۱- جعل دروغ درباره نیروهای انقلابی و کمونیست

هر رفتی در تجربه روزمره خود از عناصر اکثریتی چنین شایعه پراکنی هایی را بسیار شنیده است، همه میادند که چگونه در زمان رژیم شاه اوک برای بدنام کردن نیروهای انقلابی به

آنها تهمت بی بندوباری جنسی و اخلاقی را نسبت میداد. امروزه این حملات از جانب عناصر اکثریتی بسیار رشتند میشود.

۲- خرابکاری در کارهای و نیروهای کمونیست و انقلابی.

لودادن عناصر را زرد کارخانه و مدرسه، در کوچه و محله، باک کردن شعارهای انقلابی از روی دیوارها، با ره کردن اعلامیه ها و پوستره های

نواسته بود خود را برای مدتی بصورت هوادار سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار رجا بزند که خوشبختانه کشف و اخراج شد.

همه اینگونه برخوردها نشان میدهد که گروه

اکثریت تبدیل به یک دارو دسته خرابکار و

و خاسوس شده که طبعاً با بد در جنگی مناسبات نیروهای انقلابی و کمونیست نسبت به آن تاثیر بگذارد. این کافی نیست که اکثریت را بعنوان

● اگر هویتی بین از کمونیستهای ویتنامی میخواست که در موقع ورود به معادله دینی کفش را از پا بیاورند و با اعتماد مردم احترام بگذارند، ولی هیچ گاه از آنها نمیخواست که خود معذرت بخواهند! این موضوع مخصوص وقتی اهمیت ویژه مییابد که در نظر یک مریض مرده از مذهب میوان یک وسیله عمد و ابزاری برای تثبیت نهاد های بورژوازی استفاده میکند، و طبعاً این در صورت دین و طلب شدن در احاد احسان اسلامی کارخانه با شکل سازمان عتبه فقط به مفهوم شخص بوده، بلکه همچنان به مفهوم نیست با نه های رژیم بورژوازی است.

یک نیروی ضد انقلابی که مبنی و برنامهای مخالف انقلاب و مردمیت با طبقه کارگر و توده های ایران میباشد و در واقع فاش کنیم، بلکه در عین حال لازم است که این دارو دسته را بعنوان یک دارو دسته خرابکار و خاسوس بشناسیم که برای خرابکاری در جنبش انقلابی و کمونیستی و همکاری با ارتجاع از معیارهای اخلاقی - بورژوازی نیروی میکند و از نیروی نیروی انقلابی نباید آنها هیچ گونه تمایز شکلی با همکاری در هر سطحی داشته باشد. عده ای از نیروهای انقلابی میپندارند که میتوان با اکثریتها و توده های در کار توشه های دمکراتیک همکاری کرد و تحت این بهانه که کمونیستها حتی در ارتجاعی ترین پارلمانها هم شرکت میکنند و برای جلب و جذب با به توده های اکثریتیها باید با آنها در این سطح همکاری کرد. ما در عین حال که برخورد تاکتیکی را در مواردی جابز میشاریم و شناخت از این موارد را به خود شرایط موکول میکنیم ولی در مورد تزلزل قبول همکاری با اکثریتها در کار توشه های دمکراتیک ذکر یک نکته را لازم میدانیم: یک کمونیست حتی در ارتجاعی ترین معامع توده ای هم شرکت میکنند چون میخواهد از این معامع برای نزدیک شدن به توده ها و استفاده از ترس و غلبه استفاده نماید. ولی استفاده از این گونه تاکتیکها مختص شرایطی است که اعتلای انقلابی وجود داشته و استفاده از چنین ترین امکانات غلبه برای مخاطب فرار دادن توده ها ضرورت داشته باشد، ولی در شرایطی که توده ها خود بصورت میلیونی در میدان سیاست هستند و اعتلا انقلابی درجا مع وجود دارد به هیچ عنوان نباید با چنین مستمکنی وارد اتحادیه ها و کانونهای ارتجاعی و رژیونیستی شد. اکثریت در این کار خط حاکم بزرگ کانون که اکثریت بر آن هم مبنی دارد یک خط ضد انقلابی است با بد از آن خارج شود و با طرد افشان، کانون دیگری به وجود آید. توده ها دارای روحیات انقلابی بوده و در این شرایط به سرعت

نیروهای انقلابی و کمونیست، شرکت در دسته های فالانژ برای برهم زدن نظام ارتجاعی و انقلابیون تحت شعارهای "حزب فقط حزب الله" (نمونه آن در نظام ۲۳ دی در ایران) انحلال هر گونه کانون دموکراتیک (کانون مستقل معلمان) و جلوگیری از رشد این گونه کانونها ۱۰۰۰ آنها شوه هایی است که مدتهاست اکثریتها از آنها استفاده میکنند. نمونه های واضح اینگونه خرابکاریها را میتوان در همکاری مستقیم عناصر اکثریتی با عناصر کمیتگی خوزستان برای شناسایی و دستگیری نیروهای مبارزو انقلابی دید. یکی از این عناصر مورد شش کمیتگی مدتها در شرکت زده و دنبال قیافه های آشنای انقلابی میکنند است.

در اینجا بدست که به همکاری مقتضای اکثریتیها و حزب بوده ایها در جریان تسخیر خونین انجمن کارمندان مسلمان با عناصر فالانژها را رد کنیم. روزنامه ما همدرد شماره ۱۵۴ در این باره چنین میگوید: "خواهری به یک اکثریتی گفت: وای بر شما، شرم نمیکند! در لحظاتی که ما بر سر کار رگلوله هستیم و هیچ میدهم، این جنس ما را میکشند! برادر دیگری به یک توده ای گفت: بحث ارتجاع با لیبرال سرچای خودی، ولی شما بهتر است همچنان به مجبور خوانی ارباب درجه دوم خود حزب جمهوری و جماعت را نش بپردازید." (ص ۱۵)

۳- رخنه در سازمانهای انقلابی و کمونیستی. هم رفقا با دادرند که شوه رخنه بلیسی در سازمانهای کمونیستی یکی از شوه های دیرینه ای است که حزب توده مدتهاست از آن استفاده میکند. یکی از نمونه های روشن آن در اواخر زمستان سال پیش با کشف یکی از عناصر توده ای در پیشگاه دانشکده بلی تکنیک تهران روشن شد که توسط رفقای فدائی برای مدتی اعلام ولی توسط رهبری منحرف سازمان جلوی تبلیغ آن گرفته شد. اکنون همین روش را اکثریتیها در مورد دیگر سازمانهای انقلابی بکار میبرند. از جمله اخبار درامفیان یکی از عناصر اکثریتی

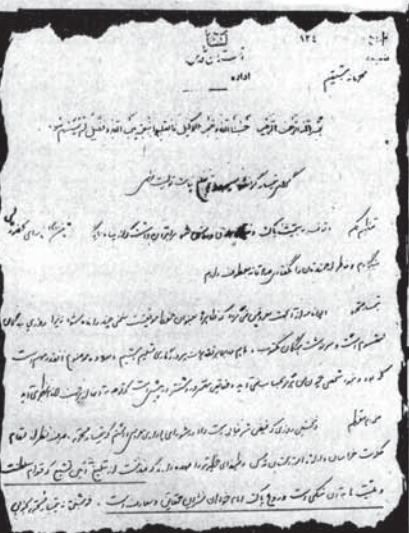
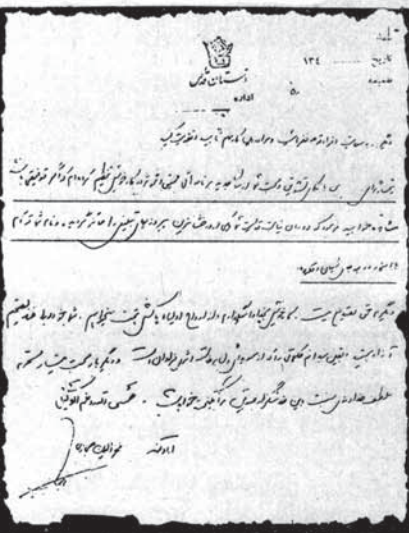
فخرالدین حجازی :

"عصاره انقلاب" یا چایلوس درگاه نوکران شاه؟!

جهت ادا مآثر انقلاب آبان درآمده است از پیش پای
انقلاب دمکراتیک - خدا میربا لستی خلقهای
ایران بردارند.

سندرو بر صفا تسی است از نامه حجازی
به تیمسار با تما نقلیج . سپیدنا دریا تما نقلیج
که در آذرماه ۵۹ محاکمه و به حبس ابد محکوم شد
در زمان کودتای امریکا شی ۲۸ مرداد ۳۲ رئیس
سنا دارش بود و در طراح کودتا دست داشت .
تیموربختیارا شن که پس از کودتا فرماندها ر
نظامی تهران بود و بر نظرا و کارمیکرد مایمنقلیج
در "دادگاه انقلاب اسلامی" از روابط نزدیک خود
با آیت الله کاشانی فراوان سخن گفت و همین
امر در کتبا را عمل نفوذ اشخاص زیادی مثل
حجازی، از دایلی بود که وی اعدام نشد . با تما نقلیج
که یکی از زمینداران و سرما به داران بزرگ رژیم
شاه بود از طرف شاه به نیابت تولیت "آستان قدس"
واستاداری خراسان منصوب شد و این مؤسسه
درآمد موافقت به دریا رپهلوی را اداره میکرد .
صداهرا در حلقه و زحمتکش خراسان که در زمینها
واملاک متعلق به آستان قدس عراق میربختند و
جان میکنند بوسیله همین تیمسار با تما نقلیج
استثمار میشدند و آقای حجازی خطیب و مبلغ همین
دستگاه بود و امروز هم خطیب و مبلغ رژیم جمهوری
اسلامی است . آیت آقای حجازی با چنین سوابق
و موقعیت اجتماعی فعلی خود "حق" ندارد دشمن
خونی کمونیستها و انقلابیونی ب سده طرفدار
زحمتکشان و خلقهای محروم ایران هستند؟

ما هیت خاشا نه اسن حایان سرما به دار ی
و این دشمنان قسم خورده طبقه کارگر در کلمه به
کلمه از حرفها شان پیدا است به نامه توجه کنید :
۱- حجازی با عبارات تعظیم لکم، مخدوم
معظم، حضرت اجل، تیمسار گرامی، حضرت اشرف ،
جناب اجل و غیره اوج کرش و جاپلوسی و در بویگی
خود را نشان میدهد .
۲- "اواز" "نیت صدق" و "سجیت (خوی و سرشت)
با کتبا تما نقلیج محبت میکند و در آرایش چهره
خلادانی مثل اوزبان بردازی می نماید .
حجازی اکنون همان زبان بردازی را در باره
رژیم جمهوری اسلامی بکار میبرد و به عنوان یکی
از شخصتهای برجسته این رژیم در میاید .
۳- حجازی مژورانه ادعا میکند که "روزی
بندگان مقسوم است و سرنوشت همگان مکتوب" او
همان دروغهایی را که به خورد زحمتکشان میداده
تا "برمنا شب صبر کنند" بی آنکه خود با وداشته
باشند تکرار می نماید . او با در بویگی خود در پیشگاه
شاه تما نقلیج بی اعتبار بودن آن حرفها را
ثابت میکند .
۴- وکیل اول تهران در این نامه مژورانه
ادعا میکند که "بود و نبود شخصی چون من هرگز
به حساب نماید" "آدر آن سالها" "نوشیدن شربت
شهادت" زیاد معمول نبود و الا آقای حجازی هم
مثل دیگر پهلوان بنده ها از "شهادت" سخن می -
گفت . یعنی در واقع حرفش را او میزد و عملش را
دیگران انجام میدادند . مثل حالا که توده های



صفحه آخر است.

نامه هیرمند (مورخه ۱۳۴۱/۱۰/۲۷) مردم را سه
دادن رای "آری" به فرمانده شاه در ۶ بهمن ۱۳۴۱
فراخواند .
- حجازی در سال ۵۱ نیز در پیشگاه ساواک اظهار
ندامت نمود و متبرفتش بلامانع اعلام گردید .
- حجازی از دشمنان و قبح و سرخست کمونیست
- ها و ارا حسان و بلندگوهای سرما به داران است
و فحاشی های او علیه نیروهای انقلابی و کمونیست
و سازمان ما از همین موضع ضد کارگری و ضد
انقلابی او مایه میگردد .
هفته گذشته حجازی در اس یکی از هیئت های
که در ظاهرا برای تبلیغ با اصطلاح انقلاب اسلامی
و در واقع برای تحکیم هر چه بیشتر موضع حزب
جمهوری اسلامی در سیاست خارجی به خارج کشور
رفتند به ایتالیا رفت .
سندی که اخیرا بدست ما رسیده چهره واقعی
این "عصاره انقلاب" و این نماینده اول مجلس
شورای اسلامی را بهتر برای کارگران و زحمت -
کشان ما روشن میکند . چهره یوقلمون مفتی که
در گذشته تملق نوکران شاه اما مثال تیمسار
با تما نقلیج را میگفت و امروز به تملق آیت الله
خمینی مشغول است . زحمتکشان ما که با راضی
انقلاب را بدوش کشیدند و در سیمه راه وطنه سازش
لبیرالها و آیت الله خمینی با امیربا لستی
آنان را از بیابان رساندن انقلاب بازداشت
با بهر چه بیشتر این راهزنان و فریبکاران ضد
انقلابی را بشناسند و این رژیم را که بصورت مانعی

صفحه است

فخرالدین حجازی ، کاندیدای حزب جمهوری
اسلامی در انتخابات مجلس ، وکیل اول تهران در
مجلس شورای اسلامی و یکی از مبلغین برجسته
با اصطلاح انقلاب اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی را
همه میشناسیم . آیت الله خمینی ، حجازی و امثال
او را که نما بنده مجلس هستند "عصاره انقلاب" یا -
میداست و حجازی هم زمانیکه برای اولین بار
نمایندگان مجلس نزد خمینی رفتند از طرف آبان
خطاب به آیت الله ، جناب تملق و جاپلوسی ای کرد
که بوی متعفن آن حتی مشام آیت الله را کوبید
آورد . ما در همان موقع ، تملق و جاپلوسی حجازی
و ما هیت ارتجاعی و گندیده او و رژیم که از امثال
او تشکیل میشود را در بیکار ۵۹ افشا نمودم .
قبل از آن نیز به هنگام انتخابات مجلس ،
سوابق با اصطلاح "مبارزاتی" آقای حجازی را بر -
ملا ختم و در بیکار ۴۷ (۲۷ اسفند ۵۸) منجمله
گفتم :
۱- حجازی خطیب رسمی آستان قدس و خدمت -
گذار "با حیره و مواجب" رژیم پهلوی بود .
- پس از نوشتن "غلطکردن نامه" در سال ۳۳ و تبری
حسن از علاقه به صدق در روزنامه خراسان بکار
برداشت .
- حجازی در خدمت محمد مادی تهرانیان مدیر
آن روزنامه که یکی از سرپرستان رژیم شاه بود ،
مقالات متعددی در تمجید و تعریف از رژیم شاه
نوشت .
- حجازی طی مقاله ای برآب و تاب در روز -

برای پیاده شدن این طرح، باید به صورت فوری و بدون تعلل، اقدامات لازم را انجام داد. در این زمینه، باید به مردم اطلاع داد که این طرح، برای رفاه و پیشرفت کشور است و باید به آن با اشتیاق و علاقه پاسخ داد. همچنین، باید به مردم توضیح داد که این طرح، چگونه اجرا خواهد شد و چه مزایایی برای آنها دارد. در این زمینه، باید به مردم اطمینان داد که این طرح، به نفع آنهاست و به نفع کشور است.

باید به مردم توضیح داد که این طرح، چگونه اجرا خواهد شد و چه مزایایی برای آنها دارد. در این زمینه، باید به مردم اطمینان داد که این طرح، به نفع آنهاست و به نفع کشور است. همچنین، باید به مردم توضیح داد که این طرح، چگونه اجرا خواهد شد و چه مزایایی برای آنها دارد. در این زمینه، باید به مردم اطمینان داد که این طرح، به نفع آنهاست و به نفع کشور است.

بقیه از صفحه ۱۹ خرید...
کشورهای غربی و عدم خرید اسلحه از آن کشورها می -
زنند اما درست در زمانی گرمی بازار "گروگانگیری"
از امپریالیستهای فرانسوی، هلندی و آلمانی اقدام
به خرید تجهیزات نظامی نموده و برای گسترش نیز
برنامه میچینند و مرکز خرید تا پس میکنند.

۱۲- آقای حجازی میگوید که اگر در تهران
سرودگاههای آسانسور ناسیروهای فراوان
خواهد داشت، و در سالهای سالی حس خردی
میرسد که اسفاسون را "سپردای ارزنگی" جز
آوارگی و زردان و شکست و اعدام سود و کارگران
و رنجمندان مانند همسرهای خرد و خاک
سرما و دانه سر کرده و سوراخ بداند...
آقای حجازی طبق همان برنامه "سپردای فراوان"
- سر "بود که تهران آمد" انتشارات معتبر را
در ساختمان آلومینوم به راه انداخت و سخن -
رانیهای "براسیت" و زیر حراجهای حسنه
ارشادیه کارگرانی مساجی لبرال معروف اجرا
میشد، سارج حداقل هزار تومان در آن سالها
برای هر یک ساعت لغای و و راجی!

۱۳- حجازی توضیح میگوید که خدمت او در
آستان قدس و انتشار مجله آستان قدس در خدمت
با باقی قلیح هاست و موجب خواهد شد که نام بسیار
"نوام" با اخبار در همه جا شناسانند.
۱۴- سخنان حجازی خطاب به آیت الله
خمینی را نیز مطالعه کنید تا به عموما همی -
ارتجاعی این شخصیت های رژیم جمهوری اسلامی
بی سرید، کارگران و رنجمندان نامی تواند
با شناختن این شخصیت های رژیم جمهوری اسلامی
اسلامی بی نهایت رژیم سرید که سرگویی از
احیاء پنهان خلق سوار شده و انقلاب آستان را از
بیترو و تا دم باز داشته است.
حالا چند جمله از سخنان حجازی خطاب به
آیت الله خمینی را که به هنگام اولین دیدار
رسمی نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از
افتتاح مجلس ایراد شده است میآوریم. مقایسه
نامه فوق و همین چند جمله از سخنانی مربوط به
ماهیت ارتجاعی حجازی را نشان میدهد و هم
ماهیت ارتجاعی رژیم گذشته و امروز را.
حجازی به آیت الله میگوید:

- ایران برای تنگ است پس بر جهان حکومت
کن، از است این حکومت!
- نوای طبعان رمان بر مستحکومت بنشین
ای داود عمر قضا و کس!
و - ای نارنجی عربی ای آنکه آمد -
ملمان جهان را بر آوردی!

و همین که رسیده به آستان قدس، حجازی میگوید
با کسب و سود وجود دارد. اگر در تهران بودی
شرکت و رنجی می -
نیلوان! اگر در تهران بودی و در کشور رنجمندان
سرس نسیم کارهای -
و آنها سرس را حجازی میگوید که
۱۵- حجازی میگوید که این سخن را
قوام الخلیف انداخته و سرور آستان قدس را
نمیگوید "نداید سرس" که سرس را
حسینهای روس را میگوید.
۱۶- حجازی اظهار میدارد که "خطوط سلطنتی
ما تا آنسوی اسیاس هارند حسا منطور بر مراکز
نخستین و حاسوی و اسند ما را میگوید
امریالیستی و اسیماری در انگلستان و امریکا
است.
۱۷- این "عقار و انقلاب" حجازی از حجاب
ساله ای در خدمت به رژیم مودی میگوید
گرفتن از طرف ثابت و سلب عظمی سخن میگوید
که آدمی با درس و سوزی های شاعران در بارها
میافند که یکی از آنها کف است:
حرام دم به کوفت به کار رفته بودی

نوک که سرد بودی به کار رفته بودی؟
۱۸- حجازی این سخنان میگوید، با باقی قلیح
را "حاکم عادل" خراج میبندد و او را "مالک
اشیر" مقایسه میکند و همین به سر را در مورد
حاکمان جدید کار میبرد. سخنان حجازی و لبرال هم
برای فری می کند هر طرف که داد آمدن
را از همان طرف سرما قرار داد.
۱۹- سخنان اول تهران و حجت خود و مثال
جود از رژیم نشان میدهد. او حق دارد که نام
کمونیسم مثل سید خود ببرد. سرما به داران و
حاکمان آنها از رژیم کمونیسم به نام ارتجاعی -
برین سروه ها به سیر و با آنها علیه رنجمندان
همدان مسعود. به سلطنت طلای آقای حجازی
و آستان سوسی او بر دود حجازی ۲۸ مرداد در
کدشته امری عیبت است و به حجازی است امروز
در درگاه ولایت قمه.

۱۰- حجازی با کرا و کوشی میگوید که
"واشنگان" ۵۰ نوع حمله و هر روز در تهران
به تیراژه ۳۰۰ هزار نسخه سخن میکند. با کف که
"واشنگان" ایران سرور و ما را کس های
کونا کون را با کف است و هر روز و هفته
میلیونها تومان از اموال "متخلفین" صرف
ساختن روزنامه های مسخ میماند از ادکان
و انواع مجلات رنگی و نسیمهای تلویزیونی -
نمایند رژیم جمهوری اسلامی "حو" دارد و همچنین
تسلیمات کند مگر سید و ادک "ناکسی و فسی که
خالی است و میزند".
۱۱- خطب دور رژیمها سخنی و جمهوری
اسلامی عاجزانه از عذاب خرد موی سید خود
میگوید و آنکه نقد "میتا جرت" به تهران را دارد.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

ما زمان در طول یکساله اخیر، کاربروی
مساله زنان را به ده یک جمع تشکیلاتی یعنی
"کمیته زنان" نهاد. این جمع بدون اینکه در یک
ارتباط ارگانیک با زحمتکشان (و از جمله زنان
زحمتکش) از طریق تشکیلات با تدمیباست امر
تبلیغ و ترویج و سازماندهی را در میان زنان
به پیش برد. در حالیکه بدون وجود زمینه عینی
ای برای انجام این وظیفه که همانا ارتباط
مداوم و نزدیک با مسائل مبتلابه زنان زحمتکش
(کارگر، محلات، اقشار پائین خرده بورژوازی) می
باشد. با تبلیغ و ترویج تشویریهایی
مارکسیستی - لیننیستی که با مسائل خاص زنان
پیوند خورده باشد، امکان پذیر نبود.

ریشه چنین برخورد غلطی دقیقاً از آنجاست
که مسئله زن، ستم مضاعف وجودی و پوند میان رهاشی
پرولتاریا و رهاشی کامل زنان و نه با تدمیباست
زن و سوسیالیسم درک نشده بود. بواسطه عدم درک
این رابطه هیچ کوششی نیز در راه مرتبط نمودن
جنبشهای مختلف بوده ای و زنان برقرار نگشت
و "کمیته زنان" بناچار از زمینه زنده ای برای
تغذیه محروم گشت و آن چیزی جز ارتباطی زنده و
مشخص با توده های تحت ستم و استعمار نشود.



ما این کمبود را احساس میگردیم ولی نمی
دانستیم که علت اساسی رکود کار در "کمیته زنان"
جست؟ تا اینکه با بدست آوردن تجارب ابتدائی
و استفاده از روشهای جنبش کمونیستی بین
- المللی به این مسئله اساسی و صحیح دست
یافتیم که برخورد به مسئله زنان در سطح وسیع
توده ای که به منظور بسیج و تشکیل آنان صورت
میگرفته از طریق یک ارگان جدا از بخشهای
دیگر سازمان، بلکه از طریق یک سازماندهی که
همچون "شکله ای" سازماندهی اساسی و کلی
سازمان منطق میگردید. میتوانیم بدانی ترین
هدف خود که ارتباط ارگانیک و مداوم با کلیه
بخشهای زنان میباشد دست یابیم و آن سازماندهی
جمعیتی مخصوص کار در میان زنان در کلیه
بخشهای سازمانی است. این مجموعه جمعها از
یک استخوان بندی اولیه که عبارت از کمیسیونهای
فرعی و سپس کمیسیونهای اصلی میباشد تشکیل
شده و این کمیسیون های فرعی از یک طرف بسا

یافتن راه حل برای مبارزه و بیگانه علیه دشمن
طبقاً تی خویش نمیکند و بر عکس دشمن شما چیز -
هایی هستند که زندگی یکنواخت و یخور و یسر
آنها را دچار اختلال نماید. آنها دید باز و
گسترده ندارند و رهاشی خویش را در اتحاد و
مبارزه نمی بینند. به همین دلیل مثلاً در مورد
آموزش سواد میان یک زن خانه دار و یک زن کارگر
تفاوتی قابل توجه وجود دارد.

۱- زنان خانه دار و بیسواد آموزش سواد
بمنا بیک سرگرمی و کنجکاوی نگاه میکنند (۱)
و آنرا بعنوان چیزی که زندگی یکنواخت آنان
را تغییر میدهد در نظر گرفته و ضرورت آن برایشان
ملموس نیست و بنهمین جهت با کوچکترین بهانه
- ای از آمدن به کلاسها و فراگیری سواد در نظر
میگیرند.

۲- زنان بیسواد و کارگر بر علت درک و
لمس کمبود سواد و اینکه چگونه میتوانند از طریق
یادگیری سواد بر آگاهیهای خویش بسفرا بایند
و در دنیای تاریک و نادانی بسر ببرند و مورد
سرکوفت و... قرار نگیرند. از این جهت با تلاش
بیشتری سعی در تنظیم وقت کمی که دارند می -
نمایند و برای آموزش سواد (چنانچه امکانات
فراهم باشد) از آن سود میبرند.

اشکال تشکیلاتی کار در میان زنان زحمتکش

۱- ارگانهای خاص کار در میان زنان
برای سازماندهی زنان کمونیست سازمان
(حول محور کار در میان زنان زحمتکش) به طرح
زیر رسیده ایم. این طرح در عین حال از طریق
مروندی و مبارزه با یک دیدگاه غلط بدست آمده
است.
این دیدگاه غلط چیست؟

در قسمت پیشین این مقاله دو دیدگاه در
رابطه با کار در میان زنان زحمتکش و مساله
تشکیل مستقل آنان را بطور مختصر مورد بحث
قرار دادیم. اینک آخرین قسمت را ملاحظه
می کنید:

کمونیستها بر روی کدام قشر زنان زحمتکش باید فعالیت کنند؟

آنچه که تا کنون از درون تجارب چندین ماهه
میتوانند چون یک قانونمندی عمل کنند و ستم
سوی حرکت م - ل ها را برای تشکیل زنان زحمتکش
مشخص کند، همانا کار بر روی آن بخش از زنان
میباشد که دارای مشخصات زیر باشند:

الف: دارای پراتیک تولیدی باشند (زنان
کارگر و دهقان و...)

ب: دارای پراتیک اجتماعی باشند (زنان
کارمند و معلم و...)

ج: دارای پراتیک مبارزاتی باشند (زنان
غیور و خلقهای ایران، کرد، بلوچ، عرب و...)

زنان موجود این بخشها هر چند همگی بطور
مستقیم مورد استعمار و طبقات حاکم نیستند (از
جمله کارمندان و معلمان و...) ولی همان
رابطه غیر مستقیم ما بین استعمار و رخنه و استعمار
کننده موجب میگردد که دارای زمینه برای
پذیرش اهداف انقلابی بوده و حول هدفهای
دمکراتیک متشکل گردند.

با توجه به مطالب بالا رفقای م - ل باید در -
نظر داشت مسائل موجود در منطقه فعالیت خویش
می بایست نیروی خویش را حول این سه محور
متمرکز نمایند. بدین ترتیب زنان خانه دار
زحمتکش که دارای هیچگونه پراتیک (تولیدی
اجتماعی، مبارزاتی) نیستند قادر به درک و سپس
جذب شدن حول تشکلهای سیاسی و دمکراتیک

نخواهند بود. چندین ماه فعالیت ما در میان
زنان زحمتکش خانه دار در محلات کارگر نشین
بخوبی نشان داد که چگونه کار تولیدی پراتیک
اجتماعی و مبارزاتی موجب آگاه شدن زنان
میگردد و به همین دلیل زنان خانه دار بواسطه
محروم بودن از همه این پهنه های فعالیت
ابتدائی ترین زمینه را برای جلب شدن و شرکت
در مبارزه طبقاتی و اجتماعی ندارند.

خصوصیات زنان زحمتکش خانه دار در محلات کارگری

این زنان بواسطه وضعیت اجتماعی خود که
اکثراً خانه دار هستند، قادر به درک تضاد میان
طبقه خود و طبقه حاکم و متخاصم نیستند، چرا که
استعمار از طریق غیر مستقیم و از طریق مرد در یک
خانواده کارگری انجام میگیرد و در حقیقت آنها
بطور غیر مستقیم در معرض استعمار سرمایه داران
حاکم میباشند. بدین جهت نیز کوشی در جهت

رویزونیستی بورژوا - رفرمیستی و کسب‌هژمونی و رهبری این سازمان توسط آنها این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است.

دیدگاه ما راجع به زمان تشکیل این نوع سازمانهای دمکراتیک زنان

۱- تشکیلات دمکراتیک زنان پایه‌های اصلی خویش را بر روی دوش زنان زحمتکش میگذارد و تا زمانی که این پایه مادی فراهم نگشته است پس ایجاد چنین تشکیلاتی فقط یک کوشش بی‌محتوی است و مشخصاً جنبه روشنفکرانه خواهد داشت. بدین سبب با تشکیلاتهایی چون "جمعیت زنان مبارز"، "جمعیت بیداری زن"، "اتحادیه انقلابی زنان"، که پس از تقیاد بدون هیچ کار متمرکزی بر روی زنان زحمتکش اعلام موجودیت نموده اند مرزبندی نموده و آنها را تشکلهایی از بالا، غیرتوده‌ای و روشنفکرانه از بالا می‌کنیم.

۲- آن تشکیلات دمکراتیکی مورد نظر ما است که بر تفادهای طبقاتی سایه نیفتاده بلکه از طریق متشکل نمودن زنان زحمتکش حول اهداف دمکراتیک پرولتاریا، ارتش سازش ناپذیر زحمتکشان را بر علیه سرمایه منبج‌تر نماید. با توجه به این اصل هر تشکلی که بخواهد زنان زحمتکش را حول عناوینی چون "مسئله عام زنان"، "درد و رنج مشترک زنان"، متشکل نموده و سایر تفادهای موجود بین طبقات متخاصم پورده بیفکند و بدین وسیله موجبی برای سازش میان طبقات بوجود آورده و با بدست آوردن حقوق با به مال شده زنان را که فقط تحت رهبری پرولتاریا و در جامعه‌ای سوسیالیستی امکان پذیر است، تحت جامعه‌ای سرمایه‌داری امکان پذیرداند، تشکلی انحرافی بوده و جز به بیراهه گشتادن نیروی زنان زحمتکش، خیانت به آنان و خدمت به بورژوازی کاری انجام نخواهد داد. از جمله جنبش‌های تشکلهایی "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" است که به توسط نشریه جهان زنان، تیزهای انحرافی خویش را انتشار میدهند اما در حد توان خود در آینده نزدیک سعی میکنند بوسیله مبارزه ایدئولوژیک با دیدگاه‌های اپورتونیستی و رو، یونیستی آن بدفاع از تجارب گرانهای م- ل در این زمینه پرداخته و وظیفه خویش را در مورد زنان زحمتکش به انجام برسانیم. "پایان"

- (۱) - البته در میان زنان خانه دار، استثنائیز وجود دارد و میتوان برخی از زنان پیشرو را فرا داد.
- (۲) - به کتاب شرح زندگی الکساندر کولونتای مراجعه شود.
- (۳) - به کتاب علیه رفرمیسم اثر "کلارازتکین" و پایه‌های اجتماعی مسئله زن اثر "کولونتای" مراجعه شود.
- (۴) - تشکیلات دمکراتیک زنان ایران که وابسته به حزب خائن توده است تشکیلاتی از این دست میباشد.

بیش بر دیک آموزش همه جا نیمه در مورد زنان در کل سازمان بوده تا از طریق این آموزش به بسیج و متشکل نمودن زنان زحمتکش بپردازیم. یعنی این شبکه از طریق آموزش خویش در امر رهبری زنان زحمتکش مشارکت خواهد نمود.

۲- تشکیلات دمکراتیک زنان:

بنظر ما دمکراسی و سازمان دمکراتیک به تنهایی قادر به بیان هدف، چشم انداز و منظور مائمی باشد. چرا که مفهوم طبقاتی این دمکراسی می بایست در کنار این کلمه باشد.

۳- دمکراسی پرولتری یا دمکراسی بورژوازی؟ چنانچه سازمان دمکراتیک مورد نظر ما می خواهد به مبارزه هژمونی و دمکراسی پرولتری بر مبنای "سازمان دمکراتیک" باشد میبایست از لحاظ تشکیلاتی پایه‌های اساسی خویش را بر پایه های زنان کارگر بگذارد و بدین سبب بنظر ما هر سازمان دمکراتیک دیگری که فاقد چنین پایه توده‌ای در میان زنان زحمتکش و کارگر باشد سازمان دمکراتیک مورد نظر ما نخواهد بود.

گذشته از پایه توده‌ای، تشنه سازمانی حقیقتاً دمکراتیک میتواند باشد که تحت رهبری و هژمونی مبنی پرولتری بوده و سمت و سوی حرکتش را تحقق بخشیدن به اهداف دمکراتیک پرولتری و نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری جمهوری دمکراتیک خلق تشکیل داده باشد.

بدین سبب جنبشهای بورژوازی زنان تحت عنوانهای "سورجانت ها" (۲) در روسیه و "فمینیست ها" (۲) در آلمان و... بیابانگیر سازمانهایی است که نه به خاطر طریقی آورده نمودن اهداف دمکراتیک پرولتاریا بلکه به خاطر هدفهای رژیمهای سرمایه‌داری تشکیل شده اند. (۴) در نتیجه ما مرزبندی خویش با این سازمانها و... را در آینده زیر خلاصه میکنیم:

الف: سازمان دمکراتیک زنان سازمانی است توده‌ای و متشکل از سازمانها، کانونها، انجمنها و... دمکراتیک و توده‌ای (مثلاً کانون مادران شهدا، انجمن حمایت از زنان بیوه و...) که توسط سازمان حزبی هدایت میگردد.

ب: مرکزیت سازمان دمکراتیک از طریق کمک یک جمع که از جانب سازمان برای انجام این وظیفه‌ها موریته یافته است ایجاد، هدایت و رهبری میشود بدون شک پس از طی یک مرحله اولیه، تعیین رهبری از طریق انتخابات دمکراتیک از طریق آرایش تا بالا مورت خواهد گرفت.

ج: کلیه رفقای زن عضو سازمان میبایست به عضویت سازمان دمکراتیک زنان درآیند. طبیعی است رفقای که در این سازمان عضویت می یابند، کارهای دوجانبه بوده و می توانند وظایف تشکیلاتی دیگری داشته و مشارکت آنان را در این سازمان دمکراتیک جنبه فرعی خواهد داشت. هدف از این کار، افزایش پتانسیل ایدئولوژیک سیاسی، پرولتری در سازمان دمکراتیک میباشد. بخصوص بمنظور جلوگیری از نفوذ و رخنه و رشد گرایش‌های انحرافی

سلولهای کمونیستی کا رخانجات و موسسات و محلات و... ارتباط دارد که خود بهترین کانیال ارتباطی برای برخورد به مسائل زنان زحمتکش می باشد و از طرف دیگر این مجموعه میبایست در یک ارتباط مستقیم و مداوم با مرکزیت سازمان بر سر برند و برای روشن شدن مسئله بگوشتی از رهنمودهای کمیترون اشاره میکنیم:

(نقل قولها از قطعه‌ها مکلفاتس سوم زنان کمونیست در مورد مسئله سازماندهی میبایست که متعلق به کنفرانس پنجم جهانی احزاب کمونیست میباشد)

"کنفرانس پنجم کلیه احزاب کمونیست را متعهد میباید که فوراً اقدامات زیر را انجام دهند:

۱- در هنگام سازماندهی دوباره حزب بر مبنای سلولهای مؤسسه، در هر سلول یک رفیق زن یا مرد را بعنوان مسئول ویژه کار در میان زنان بپایند تعیین گردد.

۲- کمیته مرکزی هر حزب باید توجه کند که ارگانهای کمونیستی، صفحات، سخنرانی و ضمیمه مربوط به زنان را بطور منظم انتشار دهند و مقالاتی را به مسائلی که از نزدیک مربوط به زنان میباشد اختصاص دهند، در صورت امکان، با بدیک نشریه زنان منتشر ساخت و ایجاد نشریات را برای کارگران زن تسهیل نمود.

۳- در کلیه ارگانهای رهبری از کمیته محلی گرفته تا کمیته استان، یک رفیق مسئول کار در میان زنان باید وجود داشته باشد.

۴- بهتر است کمیسیون ویژه‌ای برای کمک به این رفیق تشکیل داد.

پایان نقل قول

۵- مشخصات این کمیسیونها: وجود این کمیسیونهای ویژه کار برای زنان بمعنای یک تشکیلات مستقل و جداگانه از سازمان با حقوق و اختیارات جداگانه نبوده بلکه نوعی هماهنگی میان ارگانهای مختلف در رابطه با کار ویژه‌ای که بر روی زنان انجام میدهد بوجود میآورد. لنین در گفتگوی خود با کلارا زتکین چنین میگوید:

"ما عقاید تشکیلاتی خود را از ما هیم ایدئولوژیک کسب میکنیم. ما هیچ تشکیلات جداگانه‌ای برای زنان کمونیست نمیخواهیم. زنی که کمونیست است بعنوان یک عضو متعلق به حزب است. درست مانند یک مرد کمونیست. آنها دارای وظایف و حقوق یکسان هستند. گروههای کارگری، کمیسیونها، کمیته‌ها، بخشها با هر چیز دیگری که احتمالاً نامیده میشوند، باید هدف خاص تهیه توده‌ای وسیع زنان در رابطه با قرار دادن آنان با حزب و نگهداشتن آنان تحت نفوذ حزب است. طبیعتاً این محتاج آن است که مایک کارسیستما تنک در میان زنان را دنبال میکنیم...."

"خاطرت من از لنین زتکین با توجه به مطالب بالا" این کمیسیونهای کار ویژه... مبتنا به بخشی از سازمان قادر به

گزارشهایی از بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن در شهرستانها

تظاهرات موضعی در ۲۱ بهمن

اصفهان

به مناسبت سالگرد قیام، رفقای ما با همکاری رفقای "نبرد" با برگزاری یک تظاهرات موضعی و پخش اعلامیه و حمل پلاکاردهای در افشای سازش رژیم با امپریالیسم آمریکا، جنگ ارتجاعی کنونی، سرکوبگریهای رژیم و توضیح علل گرانگیزی، قحطی، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را بیش از پیش افشا کردند. این تظاهرات که در خیابان "چهارباغ اصفهان" برگزار شد، با استقبال مردم روبرو گردید، بطوریکه فالانژها و پاسداران میگفتند که "مردم نگذاشتند کونیستها را دستگیر کنیم". این راهپیمایی موضعی که با شعارهای "قیام خونین خلق میدهد این پیام مرگ برای امپریالیسم، مرگ برای ارتجاع"، "بهشتی، بنی صدر، تنگ به نیرنگان، خون شهیدان خلق میچکد ز چنگتان"، "کردستان، کردستان، قلب سرخ انقلاب..." شروع شده بود، با بحثهای توده های مردم پایان گرفت.

کرمانشاه

راهپیمایی بزرگداشت قیام در صبح روز ۲۲ بهمن از طرف رفقای ما و رفقای رزمندگان مشترک برگزار شد. رفقا با شعارهایی چون "کردستان، کردستان، گورستان فاشیستان"، "خلق کرد میزند، ارتجاع میلرزد"، "علیه لیبرالها، علیه حزب جمهوری، زنده باد بیکا رتوده ها" پرده از چهره فریبکار رژیم ارتجاعی برمیداشتند. در طول راهپیمایی رفقا با شعارهایی در توضیح علل گرانگیزی، بیکاری و در افشای سازش رژیم با امپریالیسم آمریکا در مورد گروگانها توده ها را آگاه میگرددند. این راهپیمایی با پشتیبانی توده های زحمتکش مواجهد و به همین جهت بدون درگیری خاتمه یافت. یک راننده تاکسی رفیقی را که تحت تعقیب پاسداران بود از مهلکه نجات داد. یک روستائی نیز که خواستهای خود را در شعارهای رفقا میدید بسخنی از آنها حمایت میکرد و چنین صحنه های کم نبودند. این راه - پیمایی مبارزه جویانه و کمونیستی تأثیر بسیار خوبی در محیط شهر داشته است.

مشهد

رفقای هوادار در مشهد راهپیمایی بزرگداشت سالگرد قیام را در بعد از ظهر ۲۲ بهمن برگزار کردند. رفقا با مشت های گره کرده فریاد میزدند "نبرد با آمریکا، نبرد با ارتجاع، ادا می قیام است" شعار زحمتکشان، نان، مسکن، آزادی، بنی صدر و بهشتی برای سرکوب خلق متحد و برابر"، "از قحطی و گرانی مردم تنگ آمدند" و... راهپیمایی در حالیکه پلاکاردهای افشاگرانه ای توسط رفقا حمل میشد در مقابل دانشکده پزشکی پس از درگیری با مزدوران و اوباشان رژیم جمهوری اسلامی پایان پذیرفت.

آری، قیام ۲۲ بهمن ۵۷ تجلی پر عظمت

دانش آموزان پیکار (ما زندران) و یک رفیق پیدا کرد بگر که هنوز هویتش بر ما روشن نشده است. شهادت رسیدند. پاسداران چهل و سه ساله ترس از خشم مردم، رفیق را مخفیانه به خاک سپردند. اما روز ۲۳ بهمن علیرغم تلاشهای مذبحخانه عوامل ارتجاع که کوشیدند قتل فجیع رفیق را به گردن کمونیستها بیاورند، رفقای ما با تظاهرات در مقابل بیمارستان و خیابانهای شهر جنایت ارتجاع را افشا کردند. پاسداران و اوباشان جمهوری اسلامی به اجتماع افشاگرانه رفقا حمله کرده و تفرازان را دستگیر کردند. این مزدوران بیشترین یورش به بیمارستان و قطع سرم مجروحین رفقای زخمی را با خود بردند. در تظاهرات مشترک ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن که با مقاومت و دلآوری به جد رفقا روبرو شد، ۲۰ رفیق شهادت رسید. و جمعا ۱۲ مبارزان انقلابی دستگیر شدند.

راهپیمایی موفق کمونیست ها مشت محکمی بر پوزة ارتجاع و پاسداران و اوباشان مسلحش

ارومیه

راهپیمایی بزرگداشت سالگرد قیام بهمن ۵۷ در ارومیه بعد از ظهر چهارشنبه ۲۲ بهمن از طرف رفقای ما و سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) از چهار راه سیروس آغاز زکشت. با اعلام قبلی راهپیمایی، پاسداران، افراد "سیج" و اوباشان ارتجاع از صبح در محل تجمع کرده و به کنترل مردم و خیابانها می پرداختند. علیرغم سیج فالانژهای و پاسداران راهپیمایی در ساعت ۵/۱۰ با پخش اعلامیه و شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" آغاز زکشت. پاسداران در همه کوجه ها و خیابانهای اطراف پرسه میزدند، اما رفقا با روحیه ای کمونیستی و مبارزه جویانه در میان حملات مزدوران ارتجاع فریاد میزدند - میاورند که با استقبال توده های زحمتکش آگاه مواجه شد. مردم در مسیر راهپیمایی روحیه بیکارو جیانه کمونیست ها را می ستودند. این راهپیمایی موفق از پشتیبانی رفقای رزمندگان و هواداران گروه اشراف دهقانی و دیگر انقلابیون برخوردار بود. پاسداران ارتجاع با تنها جمعی صف نظر هر کنگندان تعدادی از آنان را دستگیر کردند.

کمونیست های پیکار، وفادارترین انقلابیون به دستاوردهای قیام خونین ۲۲ بهمن ۵۷ در سالگرد قیام با برگزاری راهپیمایی های متعدد پیام انقلاب را بمان توده ها برده و ضرورت ادا مبارزه انقلابی زیر پرچم سرخ طبقه کارگران را با کلی زحمتکشان را فریاد کردند. در زیرگزارشی از مراسم بزرگداشت سالگرد قیام در چند شهر ایران را می آوریم:

پاسداران ارتجاع تظاهرات کمونیست ها را بخون کشیدند

آمل

تظاهرات ۲۲ بهمن که بوسیله کمیته مشترکی از سازمان ما و رفقای رزمندگان "فرار" خوانده شده بود، در بعد از ظهر روز ۲۲ بهمن برگزار شد. علاوه بر شعارهای مشترک و مستقلى که هواداران دوازمان حمل میکردند، تظاهر کنندگان به زیر پرچم سرخی که نشان رزمجهانی کارگران بر آن نقش بسته بود، حرکت میکردند. فریاد تظاهرات کنندگان که شعار میدادند: "قیام خونین خلق میدهد این پیام، رهبری کارگر نجات زحمتکشان"، "خلق کرد در زم توده ها انقلاب" "حزبی، لیبرال در سرکوب خلق، متحد و برابر" مرگ برای آمریکا، مرگ برای ارتجاع و... در خیابان ها طنین انداخته و با پشتیبانی زحمتکشان روبرو میشد.

بکریع پس از آغاز راهپیمایی پاسداران و چماقداران به صفوف فشرده تظاهرات حمله کردند، آنان نتوانستند زیر پرچم سرخ را بدست آورند، ولی عده زیادی را زخمی کردند. مزدوران رژیم وحشیگری را بحدی رساندند که رفیق دختری را که بسخنی مجروح شده بود، بر زمین انداخته و بر روی سینه او ایستاده و چاقویی بر پشت او فرو کردند. مردم حاضر با کمک رفقای دیگر توانستند رفیق را از چنگال جنایتکاران نازد و در بیمارستان بیاورند. پاسداران بهمان جمعیت گناز اشک آورا نداختند و تظاهرات کنندگان برای خنثی کردن آن آتش روشن نموده و عده ای دور آن جمع شده بودند. مزدوران ارتجاع در این هنگام یک "سه راهی" سمیان جمعیت پرتاب کردند که باعث زخمی شدن دهها تن از رفقا گردید. پاسداران ارتجاع دور رفیق را که بسخنی مجروح شده بود دستگیر کرده و بجای بیمارستان با خود به زندان بردند.

در اثر پرتاب این سه راهی رفیق پیکار رگر محمد طهما سب زاده عضو سازمان دانشجویان و

جنا پیکار در درباری خون غرق گردند.
کرامی با دخاله شهیدان بخون خفته خلق!
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!
برقرار جمهوری دمکراتیک خلق!
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
تشکیلات بلوچستان - ۱۳۵۹/۱۱/۲۴

بقیه از صفحه ۱۰ تظاهرات ۲۲ بهمن
در "عادل آباد" در این تظاهرات بود، این پدران و مادران که خیرا اعتبار غذای فرزندان در بدنه شان را شنیده بودند، از مسجد سلیمان و لالی به شیراز آمده بودند و با شرکت در این تظاهرات خشم و نفرت خود را به رژیم ارتجاعی نشان دادند.

همکاری نیروهای کمونیست در این تظاهرات بردتلیاتی آنرا دوچندان کرده بود. علاوه بر نیروهای ذکر شده رفقای وحدت انقلابی هم در تظاهرات بطور پراکنده شرکت نمودند. اما رفقای "راه کارگر" بخاطر تزلزلات شدید روبریونیستی خود، در پاسخ به دعوت نیروهای کمونیست برای شرکت در تظاهرات اعلام کردند که چنین حرکتی را درست تشخیص نمیدهند! و از شرکت در راهپیمایی خودداری نمودند.

تظاهرات در حمایت از مبارزات خلق کرد

مشهد
روزی ۱۸ بهمن ماه برای پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق کرد و افشای سرکوب کردستان، توسط ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی تظاهراتی در میدان شهدای شهدای از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و رفقای هواداران روزمندگان برگزار شد. راهپیمایان پس از حرکت بسوی خیابان خمینی با هجوم و خشونت اوپاشان و مزدوران ارتجاع روبرو شدند. تظاهرات با پخش اعلامیه‌های در افشای ماهیت و عملکرد رژیم و سرکوب خلق کرد و... با بیافت

منتشر شد



روز تارخی در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ بهمن تظاهراتی برگزار نمودند. تظاهرات آغاز می‌شود، شعارهای انقلابی که بیانگر آسای تین خواسته‌های زحمتکشان بود، توده‌ها را بخود جلب می‌نماید. آنها با علاقه به خواندن اعلامیه‌ها میگردانند و تظاهرات را مورد حمایت و تشویق قرار میدهند.

ارتجاع چون کرک زخم خورده بخود می‌پیچید و برای سرکوب تظاهرات بوظیفه می‌چیند. صفوف پیکارگران قهرمان به انتهای مسیر میرسد که ماشین جیب پاسداران مسلح با سرعتی بیش از ۱۰۰ کیلومتر برای زیر گرفتن راهپیمایان به طرف آنها هجوم می‌آورد. اما قبل از برخورد به صف به پیاپی ده روکشده میشود و چند نفر را زیر می‌کوبد. سنگ‌شیر به ده‌روا زخون انقلابیون و زحمتکشان رنگین میشود. یکی از رفقای هواداران سازمان جریکهای فدائی (اقلیت) در میان ماشین و تیر چراغ برق له میشود. و به شهیدات میرسد سوزن و گودک نیز مجروح میگردد.

جنا بت‌دهم نشانه‌ها سدا را از ارتجاع آتش خشم و نفرت زحمتکشان را که تا هدف جعه بودند شعله ورمی‌آورد. توده‌های خشمگین بطرف ماشین حمله میکنند، ۳۰ تن از پاسداران بلافاصله می‌گریزند و بفرجه‌ها رم از بر پشت و لگدم مردم موثق به فرار میشوند. زحمتکشان متأسفانه از فرار پاسداران بطرف ماشین حمله می‌برند و با شاعران شای جون: "مرگ بر پاسدار، نوکر سرما یس‌دار"، "پاسداران قاتل اعدا می‌آید گردند" و... آن‌را به آتش میکشند. شعارها آنچنان گوینده و توده‌ها آنچنان خشمگین بودند که قدرت هرگونه عکس - العملی را از مزدوران سلب میکند. ماشین در آتش خشم خلق خاکستر میشود و آتش‌نشانان که برای خاموش کردن آتش آمده بودند در مقابل مشت‌های گره‌گرفته مردم مجبور به بازگشت میشوند. زحمتکشان همراه با شعارهای انقلابی بطرف روابط عمومی سپاه پاسداران برآه می‌افتند. در روابط عمومی سپاه پاسداران می‌کینند و با خشم عیر قابل کنترل آنجا را نیز به آتش میکشند. گتا بخانه روابط عمومی نیز طعمه آتش میشود و مردم تنها قرآن‌ها را به بیرون منتقل می‌نمایند.

پاسداران فذلکی برای متفرق نمودن راهپیمایان وحش‌زده شروع به تیراندازی می‌کنند و شب با اعلام حکومت نظامی در شهر آغاز میشود.

بدینگونه در دومین سال روز قیام خونین بهمن رژیم فذلکی جمهوری اسلامی جناپیتی دیگر بر سر صدها جنایت خود می‌افزاید.

بدینگونه در دومین سال روز قیام خونین بهمن خون پیکار دیگر از فرزندان زحمتکشان خلق درخت تنومند انقلاب دمکراتیک - صدام برپا لیستی می‌بماند را آبیاری می‌آورد.

خون شهیدان گلگون کفن خلق و شقیه پیروزی زحمتکشان بر ارتجاع و امپریالیسم است و دیر نیست آن روز که ارتجاع و مزدوران

اراده انقلابی توده‌های در مبارزه علی- امپریالیسم و دست نشانگان داخلی آن بود و کمونیست‌ها با راهپیمایی‌های خود در سالگرد این روز در میان حملات وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، با تبلیغ ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک خلقهای ایران از دستاوردهای قیام باس‌داشته و در سهای آن را بنیان توده‌های زحمتکشان بردند. و در عمل نشان دادند که علیرغم تشنات نیروهای سرکوبگر ارتجاع و یاری مادانه روبریونیست‌های خائن "توده‌ای" و "اکثریت" به آنها، همچنان در روبری سرخ انقلاب به پیش خواهند رفت.

در تظاهرات ۲۲ بهمن پاسداران ارتجاع سراوان را بخون کشیدند

بدینحال اعلام تظاهرات سرسری جهست بزرگداشت قیام می‌گردد ۲۲ بهمن توسط سازمان ما، در سراوان نیز همچون اکثر شهرهای ایران، پیکارگران تظاهراتی بهمنی مناسبت برگزار نمودند. این تظاهرات با استقبال چشمگیر خلق بلوچ در سراوان روبرو شد. ارتجاع بواسطه وحشت خود از استقبال زحمتکشان از تظاهرات پیکارگران کمونیست با ددمنشی هر چه تمامتر با ماشین سرعت ۱۰۰ کیلومتر به صف تظاهرات کنندگان حمله کرد که منجر به شهادت یکی از رفقای هواداران اقلیت و زخمی شدن سوزن و گودک گردید. این واقعه موجب طغیان انقلابی زحمتکشان بلوچ گردید. بگونه‌ای که مردم زحمتکش سراوان با خشم و نفرت انقلابی هر چه تمامتر نسبت به رژیم، با حمله به ماشین پاسداران ساختمان روابط عمومی سپاه پاسداران و گتا بخانه آنها را به آتش کشیدند. تشکیلات بلوچستان سازمان مادر همین زمینه اعلامیه‌ای منتشر کرد که در نشریه نبرد بلوچ شماره ۶۲ درج شده است. آنچه که می‌خوانید متن کامل اعلامیه تشکیلات بلوچستان سازمان ما است:

پاسداران سرمایه‌باردیکریه جناپیتی هولناک دست زدند و سندی دیگر از وحشیگریها و تجاوزات رژیم فذلکی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. در ۲۲ بهمن ماه ۵۹ دومین سال روز قیام مسلحانه خلق بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، انقلابیون و زحمتکشان آگاهی که برای نابودی ستوا و استعمار قیام کرده بودند، با رادیکر فربا د خشم خویش را بر علیه رژیم جلالد جمهوری اسلامی سردادند، و بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن را با تداوم مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم گرامی داشتند.

در سراوان نیز هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمنظور گرامی داشت این

بقیه از صفحه ۲

سرمقاله

واقعیت اینست که لیبرالها و حزبها هر دو چماق دارند و این چماق چیزی جز اعمال دیکتاتوری بورژوازی علیه پرولتاریا و توده های تحت ستم نیست. آری از نظر ما کمونیستها، لیبرالها و حزبها بخش های مختلف بورژوازی حاکم را تشکیل داده و این بورژوازی دارای دستگاه اعمال ستم خاص خود میباشد. ماشین دولتی و مجموعه قوای سرکوبگر رژیم ایزارا عمل ستم طبقه ای می باشد. ماشین دولتی چماق بورژوازی علیه طبقه کارگر و پارتیزانهاست. حاکمیت بورژوازی فقط به انکار دولت، این دستگاه جبر و ستم طبقه ای میسر است. و بر واضح است که تمام بخش های بورژوازی به دولت انکار دارند. در واقع دولت بورژوازی حافظ سیستم سرمایه داری حاکم، حافظ حاکمیت بورژوازی و سرکوب کننده کارگران و زحمتکشان است. نگاهی به عملکرد و سیاست حاکم بر ارتش و سایر قوای سرکوبگر بپروشنی این حقیقت را عیان میکند که دولت چگونه در خدمت بورژوازی است. این درست است که در شرایط حاضر ارتش به لیبرالها بیشتر تمایل داشته و سرمایه داران بیشتر به جانب حزبها متمایل است. اما هیچکس نمی تواند این حقیقت را نادیده انگارد که کلیت دولت و تمامی ابزارهایش در خدمت کلیت بورژوازی قرار داشته و بر ضد انقلاب پیوسته بکار گرفته شده است. چه حزبها و چه لیبرالها در تمام مواردی که ارتش و سپاه جنبش توده ها را سرکوب کرده، دست داشته اند و غیر از این نمیتوانسته باشد. چرا که بورژوازی برای سلطه خود و سرکوب انقلاب بنا گزیده قوای سرکوب رومی آورد. بنا بر این دولت بورژوازی چماق بورژوازی علیه کارگران و سایر توده ها است. و چماق داران واقعی تمامی بخش های هیات حاکمه میباشند. فقط یک دیدگاه لیبرالی چماق را محدود به قمع و جوب و پنجه بوکس و زنخیر میکند. این ابزارها جلوه های بسیار کوچکی از کل چماق طبقه ای یعنی ماشین دولتی میباشد. این حقیقتی است که بکارگیری این ابزار توسط حزبها چه در رابطه با نیروهای کمونیست و انقلابی بطور مستمر و فعال وجه در رابطه با لیبرالها و واقعیت دارد. در حالیکه لیبرالها این ابزارها را به کار نگرفته و همچنان به همان چماق اصلی انکار دارند و به همین خاطر در نظر توده ها وسیع گمراه کننده تر عمل مینمایند. بنی مدرازا استدلال حزب حرف می زند تا دیکتاتور طبقه بورژوازی را بهیوشانند و موقعیت خود را در قدرت سیاسی تحکیم بخشد. او مخالف اعمال دیکتاتوری طبقه ای نیست و مخالف اعمال این شیوه ها در برخورد به لیبرالهاست.

آزادی مورد ادعای بنی مدر چیزی جز آزادی استثمار توده ها و آزادی کشتار و سرکوب آنها نیست. نگرانی بنی مدر و لیبرالها نه نگرانی سرنوشت توده ها که نگرانی سرنوشت خود و اوج گیری جنبش توده ای است. آنها به

بقیه از صفحه ۲۰

روزیونیستها

قابلیت جذب بسوی آلترناتیوهای انقلابی را دارند با رویزونیستهای فداشی (اکثریت) باید مانند با اندک ابرایان و جاسوسان برخورد کرد با اندک ابرایان، آنها تنها باید از لحاظ سیاسی ایدئولوژیک طرد و افشا کرد، بلکه همچنین باید از هر لحاظ مراقب رفتارهای زشت اخلاقی و ضد انقلابی آن بود و از رخنه عناصر آن در تشکیلات انقلابی و کمونیستی جلوگیری کرد. اکتفا کردن تنها به افشای مواضع سیاسی ایدئولوژیک اکثریت و پویشاندن برخوردهای ضد انقلابی و خرابکارانه آن، در حکم یک برخورد دروشنفکرانه و نیز طبقه ای به مساله مبارزه ایدئولوژیک طبقه ای میباشد. ایدئولوژی بورژوازی نه فقط در دیدگاه های سیاسی گروه اکثریت اثر گذارده، بلکه از لحاظ اخلاقی نیز عناصر آن را فاسد و تباها ساخته است. کسی که به این جنبه از ایدئولوژی بورژوا - رویزونیستی اکثریت توجه نمیکند، در واقع نمخواهد با کینه عمیق پرولتری علیه بورژوازی مبارزه نماید. چنین فردی بدون شک قربانی سفینه لیبرالی تین سیاستهای "خوشینانه" بورژوازی خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۸

کارشناس

این رژیم بنابه هیئت ارتجاعی خود برای بازسازی ارتش ضد خلقی احتیاج به امپریالیستها دارد، ارتشی که خود را بیش از پیش در حین جنگ با ارتش عراق آماده می سازد تا کارگران و زحمتکشان، میهن ما را سرکوب کنند

عنوان جناح "عاقبت رژیم اشیوه ها و اقدامات جناح "گودن" احساس نگرانی میکنند و میبینند که این شیوه ها و اقدامات موجب تضعیف کل رژیم فرا هم میسازد و از همین رو در صدد تبا جناح حزب از رادریش گرفتن این شیوه ها و اقدامات بر حذر دارند. و از این طریق به تحکیم موقعیت خود در قدرت سیاسی و حفظ حیات کل سیستم بورژوازی بپردازند.

اما توده های خلق ما هر روز بیدارتر می شوند و عاقلتر از آنند که گول عوامفریبی های جناح "عاقبت" را بخورند. آنها در طول این دو سال و از یابی از کارنامه سپاه رژیم جمهوری اسلامی تا حد زیادی به ما هیئت هردو جناح بسی برده و در آئینده نیز بیش از امروز به آن آگاهی خواهد یافت. آنچه بر سر آنها فرو می آید چماق دیکتاتوری بورژوازی و متعلق به هردو جناح است. چماق از هر نوعش که باشد برای اودرد آور و نکبت آور است و از همین رو مبارزه خود را نه به نفع حفظ این یا آن چماق دار، بلکه در جهت نابودی هردو چماق دار یعنی لیبرالها و حزبها و در یک کلام بورژوازی و امپریالیسم ادامه خواهد داد و دیگمدا فریاد بخواهند آورد: علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زننده باد پیکار توده ها!

ملاحظات کوتاه

با هم ساخته اند تا پدر مراد ریاورند!

اینکه بین حزبها و لیبرالها اختلاف است و کار از حد بدگوشی و "شاخ و شانه کشیدن" گذشته است را همه میدانند. این هم که علت اصلی اختلاف، چگونگی سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی و ممانعت از پیشرفت انقلاب کارگران و زحمتکشان است نیز با رها از طرف کمونیستها توضیح داده شده است. ملاحظه نویس وقتی سخن رانی ملایم بنی مدر درقبال حزب جمهوری اسلامی در میتینگ میدان آزادی و بعد سخنرانی آیت الله خمینی در حمایت از بنی مدر را شنید و نرزش حزبی را را هم درقبال بنی مدر و جمله همه شان به کمونیستها و نیروهای انقلابی را دید یادداشتی افتاد که میگوید: شخصی را از خوردن خربزه و عسل همراه با هم، منع کردند و گفتند "دل درد" میگیری آنها با هم نمی سازند. اما او نصیحت را نشنید و آنورا با هم خورد. وقتی دچار دل درد شد در حالی که به خود میبجند و او گفتند "دیدی با هم نمی سازند؟" ولی او جواب داد "حالا که هردو با هم ساخته اند تا پدر مرا بیاورند!"

مرغهای امریکائی و فداکاری آنها!

سعدی زمانی گفته بود: ابرو با دومه و خورشید و فلک در کارند تا توانایی بکف آری و به غفلت بخوری، حالا در دوره "معجزات" رژیم جمهوری، در دوره "خیرات" جنگ در عصر "پیروزی های مشتع فدا امپریالیستی" رژیم، علاوه بر ابرو با دومه و خورشید و فلک، مرغهای امریکائی (و خیلی چیز های امریکایی، امپریالیستی دیگر) هم به "یاری" ما شافته اند و در حد "توانائی" خود، تخم - ها شان را به ما هدیه میکنند مگر نه این است که ما "بهترین امت"، "بیشتر از" و "امید - ملل مستضعفان" و "نجات دهنده" آنها هستیم؟ شنبه ۲۵ بهمن روزنامه انقلاب اسلامی در صفحه اول شتر زده است که: "از این هفته کمبود مرغ و تخم مرغ بطرف میشود." و توضیح میبکشی که این "ما شده آسمانی" از کجا نازل میشود؟ آخر خود حضرات که نمی گویند از کجا است؟ چشمهاست را که مالی و چند روزی (بکفته) که به عقب برگردی باز در همین روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۱۸ بهمن یک آگهی رزولی واضح میبینی نگاه کنید:

بقیه در صفحه ۲۸

«ملاحظات کوتاه»

۲۷ نکته...

۱. طرح (دفع اسلامی)
۲. طرح (برگشت)
۳. طرح (دفع)
۴. طرح (دفع)
۵. طرح (دفع)
۶. طرح (دفع)
۷. طرح (دفع)
۸. طرح (دفع)
۹. طرح (دفع)
۱۰. طرح (دفع)
۱۱. طرح (دفع)
۱۲. طرح (دفع)
۱۳. طرح (دفع)
۱۴. طرح (دفع)
۱۵. طرح (دفع)
۱۶. طرح (دفع)
۱۷. طرح (دفع)
۱۸. طرح (دفع)
۱۹. طرح (دفع)
۲۰. طرح (دفع)
۲۱. طرح (دفع)
۲۲. طرح (دفع)
۲۳. طرح (دفع)
۲۴. طرح (دفع)
۲۵. طرح (دفع)
۲۶. طرح (دفع)
۲۷. طرح (دفع)

آری مرغ، آنهم با ذبح اسلامی، با قیمت بسیار مناسب متقیما را آمریکا که خودشان زیر "منقسم" اش خط کشیده اند. سرانجام در نتیجه "مبارزات خدا میریسا" لیستی حضرات با شیطان بزرگ "در نتیجه آنکه" "بدرکار" رتبه "در آرد آورده اند" و با طراوت "استقلال" خود کفایتی "ما حداقل" توانسته است با سرودهای خود گوش فلک را کر کند، مرغهای آمریکا که همزمان خود را به صفوف طرفداران جمهوری اسلامی رسانده اند تنها تخمهای خود را هدیه میکنند بلکه حاضرند "ذبح شرعی" شوند (با شکنجه شرعی) اشتباه نکنید! اوها اینا رونداکاری شما خود را به ایران برسانند تا در کنار دیکر گاهای ریز و درشت خوراکی و پوشاکی و داروئی و صنعتی و هزاران چیز دیگر همچون هفت جوش سابق را که همان سرما به داری و بسته است بپزند و حبابی مارا از خواب غفلت که سعدی، دلخواه آن بودید را بزنند. حالا با هم بگوئید خبر معجزه برآمده است!

حزبیه و لیبرالها و بکارگرفتن تروریسم بیپنجه بیمنای تغییر را به هیئت لیبرالها نخواهد بود. البته محتمل است که سیاست تروریسم چنانچه ای سورژواری حاکم، بدون آنکه یک لحظه سیاست سرکوب انقلاب توسط رژیم فراموش شود، با زهم فزایش یابد، لیکن این امر بیان رشد تضاد میان دویخ از سورژواری میباید، آری در شرایط معینی حتی به اجراء آمدن سیاست تروریسم دزدانه و تشنه کاران رژیم سرما به داری ممکن و اجتناب ناپذیر است. بنا بر این:

- ۱- تضاد میان جناحهای حاکم، تضاد میان دشمنان خلق و انقلاب است.
- ۲- سیاست تروریسم یکای از رشد بیابا بقیه تضاد میان دزدانه و تشنه کاران سرما به است.
- ۳- سیاست تروریسم از جانبیک جناح علیه جناح دیگر معنی مترقی بودن جناح دوم نیست.
- ۴- طبقه کارگر و توده ها به این تضاد و درگیریه نمیتوانند چشم داشته باشند.
- ۵- طبقه کارگر و توده ها نمیتوانند فراموش کنند که این جناحها علیرغم همه تضادها پیشان دشمن مشترک انقلاب، میباشند و یک لحظه از اعمال دیکتا توری طبقاتی و سرکوب خونی جنبش توده ها، انقلابیون و کمونیستها غافل نیستند.
- ۶- اما به مبارزه طبقاتی تنها سیاست انقلابی طبقه کارگر است.

کمکهای مالی دریافت شده

۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰	

ویتنام و تزه‌های

رویزونیستی "له‌دوان" (۱)

حرکت سائترستی حزب زحمتکشان ویتنام هر زمان رفیق هوشی مین وعدم مرزبندی گمونیستی توسط این حزب علیه رویزونیسم غروشنفی منجریدان گردید تا گرایش رویزیونیستی در درون حزب رشد یافته و بالاخره پس از پیروزی انقلاب حزب بدامن رویزیونیسم در غلتید. در حقیقت این جناح اپورتونیستی "له‌دوان" بود که حزب را کاملاً به گام از مواضع مارکسیسم لنینیسم دور ساخته و با کنار زدن جناح انقلابی حزب، مشی خود را بر حزب مسلط ساخته و بالاخره پس از پیروزی، حزب را کاملاً در سیطره رویزیونیسم قرار میدهد. حزبی که سالها مبارزات طبقه کارگر و خلق ویتنام را علیه امپریالیسم آمریکا و مترجمین بومی هدایت کرده و پیروزی‌های درخشانی کسب نمود توسط مشی رویزیونیست خائن به ارتداد کشیده میشود و به بزار اعمال سیاست بورژواهای نوین تبدیل میگردد. مادر اینجا میگویم تا جلوه‌های از این سیاست حاکم را افشا کرده و نشان دهیم که حزب ویتنام امروزه مدافع انقلاب سوسیالیسم و مارکسیسم لنینیسم، بلکه مدافع ضد انقلاب، سوسیالیسم امپریالیسم و رویزیونیسم میباشد.

نگاهی کوتاه به گفتار "له‌دوان" در باره مسائل بین المللی این حقیقت را آشکار میسازد، گزارش سیاسی له‌دوان به کنگره چهارم (دسامبر ۱۹۷۶) نشان میدهد که این حزب تا به کجا در عمق رویزیونیسم فرو رفته و چگونه به تخریب واقعیات جهان کنونی ما پرداخته و چگونه در مبارزه طبقه کارگر پرولتاریا تخریب میکند. ارزیابی له‌دوان از عملکرد کنونی یکارزیابی سراپا رویزیونیستی است. او میگوید: "عصر ما عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم جهانی است." "سوسیالیسم از محدوده یک کشور فراتر نهاده به سیستم جهانی تبدیل گردیده است." "سیستم جهانی سوسیالیستی با دستاوردهای همه جانبه خود مجموعاً دارای نیروی بیشتری از امپریالیسم میباشد."

آیا این ارزیابی از جهان کنونی حقیقت دارد؟ بهیچوجه! لنین میگفت:

"امپریالیسم استان انقلاب اجتماعی سوسیال پرولتاریاست این حقیقت از سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تأیید شده است." (امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری) بر اساس تحلیل لنین، امپریالیسم مرحله گندیدگی سرمایه داری است. و به همین لحاظ در عصر امپریالیسم تفادهای طبقاتی بنحوشدیدی تکامل پیدا کرده و مبارزه پرولتاریای جهانی به نقطه‌ای از تکامل خود رسیده که انقلاب سوسیالیستی در دستور کار طبقه کارگر قرار گرفته



اخبار ومسائل جهانی

است. ۲. با گفته لنین برای شرایط حاضریز صادق است؟ پاسخ مثبت است. اگرچه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت در ۱۹۱۷ پیروزشد و بیش از ۳۰ سال پرچم سرخ پرولتاریا در شوروی در اهتزاز بود، اما در این کشور رویزیونیسم حاکم گردید و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل گردید. اگرچه در کشورهای اروپای شرقی دمکراسی توده‌ای برقرار گردید، اما حاکمیت بورژوا - رویزیونیستها این دمکراسی را نابود ساخت. اگرچه در چین نزدیک به ربع قرن انقلاب سوسیالیسم حاکم بود اما رویزیونیستها مرتد، سرمایه داری را احیا نمودند. بنا بر این اگرچه انقلاب سوسیالیستی ضربات مهلکی بر سیستم جهانی امپریالیستی وارد آورد و دوندو منجر به تشکیل اردوگاه بزرگ سوسیالیسم گردیدند، اما با استیلا بورژواشی بخش عمده کشورهای سوسیالیستی و پیوستن آنها به اردوگاه سرمایه جهانی اردوگاه بزرگ سوسیالیسم به شدت تضعیف گردید. و متقابلاً اردوگاه امپریالیسم به شدت تقویت شد و در حال حاضر امپریالیسم جهانی مجموعاً دارای نیروی بیشتر و فاقد درجهان کنونی میباشد. به همین لحاظ کماکان عمر کنونی، عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریا میباشند. این درست است که در شرایط گندیدگی سرمایه داری، از نقطه نظر تاریخی دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم است، و این گذار فقط از طریق انقلابات اجتماعی سوسیالیستی میسر میباشد، اما پرواضح است که این استنباط با استنباط رویزیونیستی "له‌دوان" کاملاً متضاد است. "له‌دوان" بر آنست که "سوسیالیسم در حال حاضر یک نیروی مادی بزرگ و غالب در سطح جهانی میباشد و برای انقلابات پرولتاریا شی بر جستگی غشود را از دست داده است و پرواضح است که از نظر "له‌دوان" حداقل انقلاب پرولتاریا در مورد کشورهای رویزیونیستی منتفی است. واقعیت این است که "له‌دوان" واقعیت جهانی امپریالیستی را تحریف کرده و عملاً در مبارزه پرولتاریا اختلال بوجود میآورد. ماهیت بخشی از دنیای سرمایه را پوشانده و با انمود ساختن این مسئله که گویا امپریالیسم نیروی فاش شده درجهان کنونی

بقیه در صفحه ۳۰

دانشجویان فیلیپینی علیه امپریالیسم آمریکایی رزمند!

هفته گذشته در اعتراض به سفر پاپ ژان پل دوم دانشجویان انقلابی فیلیپین دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و یکبار دیگر کینه انقلابی خود را علیه رژیم مزدور مارکسوس و امپریالیسم به نمایش گذاشتند. در این تظاهرات دانشجویان به مقاومت انقلابی در مقابل مزدوران حکومتی دست زدند و دادن شعارهای وسیعی علیه امپریالیسم آمریکا اقدام نمودند. همانطور که میدانشیم آمریکا در فیلیپین دارای پایگاههای متعدد نظامی است و ارتش مارکوس توسط هزاران مستشار آمریکایی تعلیم دیده است. به همین خاطر تظاهرات کنندگان در راهپیمایی خود خواستار برچیدن پایگاههای بانگی هاست گردیدند. دانشجویان انقلابی با این تظاهرات گسترده نشان دادند که ژان پل دوم کارگزار امپریالیسم جهانی بوده و برای توطئه علیه خلقهای فیلیپین به این کشور رفته است. این تظاهرات بزرگترین تظاهرات علیه پاپ مرتجع بوده است.

توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا علیه خلق السالوادور

مبارزات دلاورانه توده‌های ستمدیده السالوادور علیه رژیم آمریکایی حاکم همچنان به پیش میروند و امپریالیسم جهانی پیکار آمریکا علیه تمام کمکهای نظامی به رژیم دست نشاندگان نتوانسته است این انقلاب را خاموش سازد. اخیراً آمریکا در پی توطئه‌های جدیدی برآمده تا بلکه بتواند رژیم وابسته خود را مدافع امپریالیستی از رادار این کشور حفظ کند. سخنگوی وزارت خارجه ریگان اخیراً مطرح ساخته که در السالوادور "آمریکا اصلاحاتی در زمینه بانگی واداری و بخش خصوصی را تشویق خواهد کرد." و بمعنای دیگر امپریالیسم بانگی در پی آن است تا با اصلاحاتی امپریالیستی و بظاهر لیسرال ما با نه مبارزات توده‌ها را به انحراف کشیده و از انقلاب آنان جلوگیری کند. آمریکا که سقوط رژیم حاکم را حتمی می بیند میخواهد با برخی رفرمهای اقتصادی و ائتلاف طبقاتی جدیدی در سطح قدرت سیاسی از فروپاشی حکومت موجود مانع بعمل آرد. اما آیا میتوان ستم و استمنا را بر چهره توده‌ها را از طریق رفرم امپریالیستی از بین برد؟ هرگز! و به همین خاطر نمیتوان مبارزات را خاموش کرد ولی این

بقیه از صفحه ۲۲ امروز...

بهشتی ها پیوسته مزورانه عوام فریبی کرده و گفته اند که از مستضعفان حمایت میکنند، مادر عمل و کردار خود همیشه حامی سرمایه داران و تجار و اوصاف بوده و همیشه روابط رژیم جمهوری را با امپریالیستها متحکمنرموده - اند و علاوه بر رژیم کهنی مدرها و بهشتی ها در راس آن میباشند پیوسته بزرگترین حائتها را در قبال توده های آگاه و انقلابیون انجام داده است. آری بنی مدرها و بهشتی ها همان جنایاتی را مرتکب شده اند که سربانی ها و بختیارها، خلق کرد، خلق ترکمن، کمونیستها و انقلابیون... هرگز فراموش نمی کنند که نه تنها توسط مزدوران رژیم جنایتکارانه بلکه همچنین توسط مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کشتار شده اند، شکجه کشته اند و تیرباران گردیده اند.

خمینی میگوید: "ارتش حالا و فرماندهان ارتش حالا مثل ارتش شاهنشاهی بود و فرماندهان هم همان فرماندهان، این سپهدها، این سر - لشکرها، این بالاباشین ترها اسنها همانحور هستند وضع رندکشان مثل آن سپهدها است؟" عجب! چه کسی میتواند فراموش کند که - ران جمهوری اسلامی ارتش دست پرورده آمریکا را از زیر ضربات قیام خلق نجات دادند و همان ارتش را بخدمت خود گرفته و با زاری نمودند؟ چه کسی میتواند فراموش کند که خمینی ها، بنی مدرها و بهشتی ها همان فرماندهان مزدور شاه را بخدمت خود گرفتند تا توده ها را سرکوب کنند؟ فرماندهان مزدوری چون فلاخی ها و ظهیرنژادها دست پرورده چه کسانی جز شاه مزدور و مستشاران آمریکائی میباشند و امروز اینان به چه کسانی

حرز رژیم جمهوری اسلامی خدمت میکنند؟

آری واقعیت ها را نمیتوان پوشاند. رژیم کنونی همان سندنرژیم شاه دشمن زحمتکشان و حامی سرمایه داران میباشد. جالب است که خمینی در سراسر خطب خود کوچکترین اشاره ای به فقر و فلاکت مردم نمیکند و آگاهانه چنین میکند. او وارد بحثهایی را برای مقایسه دور زیم می آورد اما نمیگوید که فقر و سه روزی مردم دوچندان بیشتر شده است. آری خمینی آگاهانه با - یستن واقعیت را بپنهان کرد که رژیم حاکم همان سندنرژیم پهلوی برای کارگران و زحمتکشان جزیم، فلاکت، بیکاری، گرانی و آوارگی جزید دیگری به ارمغان نیاورده است. چرا خمینی این مسئله را مسکوت گذاشت؟ زیرا این واقعیت را همه توده های ستمدیده سراسر ایران همروزه با گوشت و پوست خود لمس میکنند و شکجه مداوم با زندگی سیاه را همیشه تجربه میکنند و خمینی نمی - توانست این حقیقت عریان ویی پرده را بپوشاند. بدین ترتیب متوجه می شویم که خمینی با این نطق خود نشان داد که اولاً نقش مساورا طبقات نادر و ماسند همیشه مدافع افسراد منفوری چون بهشتی ها و افراد رویا هفتی چون بنی مدرها بوده و در برابر انقلاب حامی سرمایه داران و سیستم وابسته حاکم میباشد و ثانیاً به سهم خود میگوید در شرایط اوچگیری جنیش توده ها آنها را منحرف ساخته و سرمایه رزه آنان را به کجراه بکشاندا و میخواست که بگوید که "حالا مثل سابق نیست" و بنا بر این نباید علیه رژیم مبارزه کرد. اما طبقه کارگر و توده های زحمتکش جواب میدهند: "حالا مثل سابق است و باید تا استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و سوسیالیسم به مبارزه ادامه داد."

بقیه از صفحه ۸ تدفین...

انقلابی اثر شعار میداند و اندیشه های گره کرده جنازه رفیق را بسوی مراسم حمل کردند. مادر دلاور محمود یکدم از افتادگی دست برنمیداشت. مادر قهرمان میگفت: "بیشتر مرگه خانه صمدی، آمدم برای جشن فارغ التحصیلیات " و با "محمود! ببین خمینی چه دانشگاهی برای تان ساخته، اگر دانشگاه را میسید ولی در عوض چه دانشگاهی برای تان درست کرده؟" مادر دلاور قریباً در میمدا که "محمود! مگر نمیگفتی دانشگاه سنگراتی است، سنگرت را حفظ کن!" مادر قهرمان بخون سرخ محمود سوگند که دانشجویان قهرمان و انقلابی همراه با توده های زحمتکش این سنگراتی را و انقلاب را با ادامه مبارزه با زکشت و آوارگی خواهند داشت!

رفقا شعار میدادند: "محمود دلاور و مبارز، راهت ادامه دارد"، "بیکارگر شهیدم راهت ادامه دارد"، "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا" و مادر رفیق در حالیکه شعار میداد و میگفت "برای او شعار دهید، ما راه او را ادامه خواهیم داد"، "محمودا گریه راهت ادامه ندهم، بتو غیاب نیست کرده ام!" رفقا بین از یک دقیقه سکوت با مشت های گره کرده، در حالیکه سرود میخواندند و میباریکار - گریه رفیق محمود صمدی را ترک کردند. در حالیکه با اراده آهنگین بر میگشتند تا با ادامه بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، راه سرخ محمود و محمودها را ادامه دهند.



بقیه از صفحه ۲۹ ویتنام...

نیست، اما سرمایه پرولتاریا و خلقها را تحریف مینماید و آنها را به گرویش در برابر سوسیال امپریالیستها و روبریونیستها فرا میخواند.

بدنبال این تحلیل روبریونیستی "لهدوان" میگوید: "اتحاد شوروی که در راه ختمان مادی و تکنیکی کمونیسم قدم بر میدارد تبدیل بقدرتی بزرگ در صنعت و دفاع ملی شده و در بسیاری از رشته های علمی و تکنیکی و تولید محصولات صنعتی بر دیگران پیشی گرفته است." این تحلیل همان خزعبلات روبریونیستی خروچیف خاشن میباشد. خروچیف در بیست و دومین کنگره حزب اعلام کرد که اتحاد شوروی دیگر به مرحله برداشته ختمان کمونیسم گام گذاشته است و امروز مسئله اساسی ایجاد امکانات فنی و تکنیکی میباشد. علاوه بر این او اضافه کرد: "با در عرض بیست سال جامعه کمونیستی را با ما بنیاس میکنیم." (گزارش به کنگره ۲۲، اکتبر ۱۹۶۱) و برژنف خاشن نیز همان ترهات روبریونیستی خروچیفی را تکرار نمود. "لهدوان" روبریونیست ها مانند همیالگی های خود معتقد است شوروی

کشوری سوسیالیستی است که آنچنان در ساختن سوسیالیسم پیش رفته است که دیگر تفاهای طبقاتی روه خاموشی گذاشته و سرمایه رزه طبقاتی موضوعیت خود را از دست داده است. او بر آن است که از جنبه طبقاتی مانعی در راه حاکم نیست "کمونیسم" وجود ندارد و تنها "کمونیسم" در شوروی مستلزم امکانات "مادی و تکنیکی" میباشد! این تحلیل از نظر شوروی مارکسیستی - لنینیستی بکلی انحرافی و ضد مارکسیستی است، چرا که بقول لنین کمونیسم یعنی "محو طبقات" و آنچه کمونیسم را از جامعه سرمایه داری جدا میازد، دوران تاریخی ساختن سوسیالیسم و دیکناتوری پرولتاریاست و در جامعه سوسیالیستی نه تنها از لحاظ مادی - تولیدی و تکنیکی شرایط کمونیسم فراهم نشده بلکه از نظر فرهنگی، ایدئولوژیکی و نیز از لحاظ طبقاتی یعنی فراهم شدن ملزومات نابودی و محو طبقات به شرایط کمونیسم برقرار نمیشود و سراسر این جامعه را سرمایه رزه طبقاتی فرا گرفته و به همین خاطر هنوز امکان احیای سرمایه داری وجود دارد. تحلیل روبریونیستی "لهدوان" همه آموزشهای لنینیستی را مورد تجدید نظر قرار

داده و همصدا با مریدین خروچیفی چنین وانمود میازد که گویا در شوروی امروز طبقات متخاضم و سرمایه طبقاتی وجود ندارد و گویا در شوروی ملزومات طبقاتی و سیاسی - ایدئولوژیکی کمونیسم برقرار است و فقط ساختن تولیدی و تکنیکی کمونیسم مطرح است!! بنا بر این علاوه بر اینکه شوروی "لهدوان" یک نشوری ضد مارکسیستی است، در عین حال نظیر بورژوازی امپریالیستی در شوروی بوده و جز مشاطه گری سوسیال امپریالیسم شوروی چیزی

دیگری نیست. این تبلیغات ضد انقلابی فقط هدف به انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی را، تضعیف نموده و یکی از دشمنان پرولتاریا و خلقهای و خلقهای جهان را "دوست و یشتیان" معرفی می نماید. "لهدوان" روبریونیست که امروز در راس حزب و بنیاس قرار دارد مانند همه روبریونیست ها به پرولتاریای بن المللی دروغ می - گوید و نشان میدهد که خود به درکنا رپرولتاریا و انقلاب بلکه درکنا ر سوسیال امپریالیسم و سرمایه را گرفته است.

ادامه دارد.



۴۰ ساعت کار در هفته اجرا باید گردد!

فرکت ملی گازها و آغا جاری:

پیش ازیک ماه است که کارکنان این شرکت بر علیه قانون ۴۴ ساعت کار در هفته دست به مبارزه زده و در این رابطه پنجشنبه ها را تعطیل کرده اند. هیئت رئیسه شرکت ملی گاز با استدلال انجمن اسلامی که از این اقدام ممانعت و متحد کارگران بوحث افتاده بودند، طی بخشنامه ای از کارکنان دعوت کرد که برای تأیید جمهوری اسلامی فعلا پنجشنبه ها را سرکار فراروشوند تا بعد از طریق قانونی به مسئله رسیدگی شود. آنها اینطور وانمود کردند که گویا با خواست کارگران مبنی بر تعطیل پنجشنبه ها موافقت اما کارگران که در تجربه مبارزاتی خود به ماهیت عوامفریبی های رژیم و نوکرانش پی برده بودند فریب این توطئه ضد کارگری آنها را نخوردند و کماکان پنجشنبه ها سرکار خازنشوند. کارگران تا زمانیکه اتحاد خود را حفظ کرده و بر آگاهی طبقاتی خویش بیا فزایند، همواره خواهند توانست توطئه های رنگارنگ سرمایه داران برای استثمار هر چه بیشترشان را خنثی کنند.

اخبار کوتاه کارگری

کارخانه مقدم (نظر آباد):

کارگران این کارخانه که سال گذشته سه ماهه سود ویژه دریافت کرده بودند، بعد از تصمیم دولت مبنی بر پرداخت ۲ ماهه سود ویژه تصمیم به

اعتصاب میگیرند. اما شورای کارخانه بعد از مذاکره با کارفرما اعلام میکنند که «علیرغم مخالفت کارفرما با بدین سه ماهه سود را بگیریم ولی یکماه آنرا برای کمک به جنگزدگان به دولت می دهیم» و بدین منظور از روز ۱۱/۱۱/۵۹ جلوی خروج تولید را گرفته و در عوض کارگران را به تولید بیشتر دعوت میکنند. این تصمیم سازشکارانه شورا نه تنها موجب خواریت کارگران میشود، بلکه جلوی اعتصاب کارگران را میگیرد. بدین ترتیب شورا عملا به نقض کارفرما و دولت ضد کارگری اقدام نموده. در صورتیکه اگر کارگران دست به اقدامی قاطع و انقلابی میزدند میتوانستند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند.

تورقه زیبا:

بعد از دزدی ۲۰ میلیون تومانی مدیر دولتی این کارخانه، کارگران مصمانه خواهان محاکمه شورای ضد کارگری و مدیریت شدند. بدین ترتیب مدیریت جدید کارخانه و شورا تحت فشار کارگران مجبور به تشکیل مجمع عمومی گردیدند. آنها سعی کردند که ۲۰ میلیون تومان را به علت قطع برق و کمکاری کارگران جلوه دهند، اما در مقابل هوشیاری و اتحاد کارگران این حیلشان موثر واقع نشد. کارگران شورای فرمایشی را منحل اعلام کردند و برای ایجاد شورای واقعی خود دست به مبارزه زدند. اما مدیریت یکمک ایادی خود دست به تشکیل شورای کارفرمایی دیگری میزد که با مقاومت کارگران مواجه میگردد. بدینسان نمونه روز بهم کارگران با اعتراضی دستجمعی خود نسبت به بسته شدن ناها ر خوری و وضع بد شرکت تعاونی اراده خود را در مخالفت با «شورای» جدید و خواست تشکیل شورای واقعی شان را به نمایش گذاشتند.

بقیه از صفحه ۲۹ توطئه های...

احتمال که آمریکا بتواند اختلاف جدید طبقه کار بوجور دیبا وارد وجود دارد. هما نظور که در ایران بختی را شریک در قدرت نمود، اما آیا با این اقدام نیز میتوان از رشد انقلاب جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سوال بستگی به اوضاع جنبش و رهبری آن دارد. اینکه آمریکا با به انگیزه به بازگشت آنها و بهشتی های السالوادوری یا از طرف دیگر بتواند جنبش را در نیمه راه نگه دارد محتمل است چرا که در السالوادور حزب کمونیست وجود ندارد.

سویا لیسماست بیگانه را طی خواهند کرد. با در فیک پیکار رگرمحمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد! با در فیک پیکار رگرمحمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد!

بقیه از صفحه ۷ خون...

قدم در راه آزادی طبقه کارگران دودر صف "دانشجویان و دانش آموزان پیکار" به مبارزه علیه امپریالیسم و رنج داخلی ادامه داد. رفیق پیکار رگربا آشنائی نزدیک به درد و رنج زحمتکشان و با مسلح شدن به ایدئولوژی تاریک طبقه کارگر با استقامتی کمونیستی در مبارزات توده ها شرکت میکرد رفیق پیکار رگرمبا با اشتهائی گره کرده و در حالیکه زیر پرچم سرخ کارگران جهان متحد شویم - سرود رهائی زحمتکشان را سر داده بود، استوار و دلوارانه به شهادت رسید تا برگ پرافتخار دیگری بر مبارزات کمونیستهای قهرمان بیا فزاید با مرگ سرخ این کمونیست جوان، رفیق و همزمانش استوار تر از پیش راه سرخ او را که راه انقلاب، راه جمهوری دمکراتیک خلق و راه

بقیه از صفحه ۲ از شروع...

عواقب زیبا رنج را مشاهده میکنند. آنها میدیدند که با رنج بردوش کارگران و زحمتکشان فشار میاورد، در حالیکه در زندگی سرمایه داران کوچکترین تغییری حاصل نشده و حتی به آنها نه جنگ تلاش میکنند تا کارگران را بیشتر استثمار کرده و جیبهای خود را پرتر نمایند. فقر، گران، بیماری و آوارگی و با لایزال کشته و محروم شدن در جنگ از آن کارگران و زحمتکشان است. در حالیکه سرمایه داران نه تنها از این عوارض جنگ مضمون هستند، بلکه با توسل به احتکار، افزایش شدت تولید و... همچنان به غارتگری و استثمار خود ادامه میدهند. بدین ترتیب ما هیئت ارتجاعی جنگ کمک برای کارگران روشن میگردید.

تخاذهای دوجناح رژیم وانعکاس آن در کارخانه نیز روز بروز واضحتر میگردد. از آنجا که شیکه ما هیئت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی برای اغلب توده ها و از جمله کارگران این کارخانه آشکارا شده بود و از آنجا که شیکه نیروهای کمونیست و انقلابی در کارخانه نفوذ زیادی نداشتند، تقاد مذکور به نفع افزایش نفوذ بنی صدر در کارخانه انعکاس می یافت.

از طرف دیگر تولید کارخانه به علت اختلافات و درگیری میان مدیران کارخانه و در رابطه با آن نرسیدن به رای از لوازم، تولید متوقف گردیده بود و بدین جهت مشکل بسراه انداختن کارخانه و جلوگیری از بسکاردن، بهر با بر مشکلات کارگران افزوده شده بود. مدیران دولتی کارخانه به علت دزدی دا شما تعویض می شدند. انجمن اسلامی سعی میکرد در کارها بیشتر دخالت کرده و مدیران وابسته به حزب جمهوری را سرکار میاورد. بدین منظور بنا به ای نیز از سوی رجائی بکارخانه میا بد که با تعویض هیئت مدیره طرفدار لیبرالها، این درگیریها نیز با خاتمه میابد. اکنون بعد از گذشت پنج ماه از شروع جنگ، توهانات شوونیستی کارگران فرو ریخته و دیگر از آن شور و شوق کاذب دربار رد دفاع از میهن سرمایه داران، اثری نیست. خواسته های منفی کارگران دارد شکل میگیرد شورای ضد کارگری کارخانه که این مدت به همکاری با مدیریت پرداخته بود، کاملاً بی اعتبار شده و چندی پیش مجبور به استعفا میشود. انجمن اسلامی نیز نه تنها نتوانسته در میان کارگران پا بگیرد، بلکه روز بروز رسوا تر میگردد. بطور خلاصه کارگران کارخانه توهمشان در مورد اینکه کسی با آرگانی از بالا یا بدو وضعشان را رو برآورد کند، کاملاً درهم شکسته است و رنج مناسی دارند تا بکنک کمونیسم. عروهای انقلابی به نیروی لایزال خودشان پی بر مبارزه بی امانشان را بر علیه سرمایه داران و امپریالیسم به پیش برند.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حزبی ها، گره لیبرالها را با داندان می گشایند

هر قدر مبارزات توده ها اوج بگیرد و انقلاب به پیش میرود، تفاذهای جناحهای هیأت حاکمه عمیقتر گشته و دشمنان انقلاب بیشتر به جان یکدیگر می افتند. این تفاذهای زمان آغاز حیات رژیم، عمل کرده و به موازات گسترش جنبش عربان سرگردیده اند، به نحوی که در حال حاضر به نقطه ای رسیده که ترور رژیم بعنوان یکی از راههای یکی از جناحها در دستور کار آن قرار میگیرد. به کار گرفتن ترور رژیم به آن نقطه اوج بسایقه ای از رشد تفاذ میان حزبیها و لیبرالها منبأ شد.

در سخنرانی ۲۲ بهمن اگر چه زیر فشار خمینی، بنی صدر نسبت به حزبیها جانب اعتدال را در پیش گرفت اما این امر هرگز بداندان معنا نشود که تفاذهای فروکش کند. حزبیها اگر چه به دستگاه دولتی غلبه یافته و اعمال می میکنند اما لیبرالها برای بردن سهم بیشتری از قدرت میکوشند بر جنبش توده ها سوار شده و بر حزبیها بتأ زدن لیبرالها در پی آتند تا رقیب را با تین کشیده و خود بر دستگاه دولتی اعمال سیاست نمایند. در برابر این فشار حزبیها به حملیه متقابل دست زده و حتی از کار گرفتن ترور رژیم علیه لیبرالها و با طرفداران آنها خودداری نمیکنند. دیروز اگر حزبیها به لیبرالها آمریکا-ئی و غیر مکتبی و لیبرالها به حزبیها "مستبد و دیکتاتور" میگفتند و اگر در نظر هرات مشد، اصفهان، قم و غیره لیبرالها به قدرت نمایی دست زده و این نمایش قدرت مورد هجوم چاقی - داران حزبیها قرار میگرفت، امروز در کرمان شخصی بنا علی فدائی که طرفدار بنی صدر بود ترور میشود و با لایحه در کومجفان حجت الاسلام لاهوتی که به طرفداری از جناح لیبرالها سخنرانی میکرده، مورد حمله مسلحانه افراد مسلح جناح حزب قرار میگیرد.

در حقیقت اگر لیبرالهای ضد انقلابی در مقابله با حزبیها فریبکارانه خود را آزاد بخواه نشان داده و میکوشند تا با سوار شدن بر جنبش توده ها حزبیها را به عقب نشینی وادار سازند، حزبیهای ضد انقلابی از آنها که به بنحویسار زیادی نفوذ خود را از دست داده و به لحاظ غلبه خود در قدرت نمیتوانند به بازی نمودن نقش اپوزیسیون دست زنند، به ترور رژیم علیه جناح دیگر روی میآورند. البته هرگز نباید فراموش

بقیه در صفحه ۲۸

یادداشتهای سیاسی هفتشنبه

گزارش رونوکر امیرا لیس آمریکا بود و رژیم جمهوری اسلامی اگر چه وابسته میباشد اما همانند رژیم شاهکار رژیم آمریکا نیست و با لطمه از این جنبه رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم سلطنتی شاه مزدور نمی باشد. اما آنچه که حائز اهمیت است اینست که رژیم جمهوری اسلامی ما هتایک رژیم ارتجاعی و بورژوازی بوده، مداخله سیستم سرمایه داری وابسته و جزا و رد و گناه امیرا لیس جمهوری بشمار میرود. آنچه که واقعیت دارد اینست که رژیم جمهوری اسلامی ما ندر رژیم شاه سرکوبگر جنبش توده ها، انقلابیون و کمونیستها میباشد. خمینی آگاهانه برای فریب دادن توده ها این حقایق را می - پوئاند. مگر این رژیم جمهوری اسلامی نیست که از بورژوازی دفاع میکند؟ مگر این رژیم حاکم نیست که همچنان قراردادهای اسارت با ربا امیرا لیسها منعقد میکند؟ مگر این رژیم کنونی نیست که کارگران و سوار توده ها را استثمار میکند و کمونیستها و سایر انقلابیون را ترور میکند و با به خوجه های اعدام می سپارد؟ آری محتوای رژیم حاکم همان محتوای رژیم بهلولی است. از نقطه نظر طبقه کارگر هر دو رژیم دشمن انقلاب و خلقهای ستم دیده ایران بوده و می باشند.

آیت الله خمینی میگوید: "با زندگی آقای رجائی و سایر وزرا از قبیل وزیر کشور و دیگران نظیر زندگی از هاری ها، شرفا ما می ها و بختیارهاست و جنایت آنها را همایشان دارد انجام میدهد." در جواب با بدگفت اولاً از زمانی که حکومت جمهوری اسلامی و نمایندگان حزبی و لیبرال آن بر سر کار آمده اند میلیاردها تومان از دسترنج توده ها را با خود بطور بیعنان و آشکار چپاول نموده اند و با بهای با رها امیرا لیسها فرو کرده اند (وما با رها و با رها این حقایق را افشا کرده ایم) و تا نما مسئله اساسی اینست که بنی صدرها و رجائی ها و بهشتی ها از کدام طبقه حمایت کرده و یکدما طبقه خدمت میکنند و نسبت به کدام طبقه ستمگری؟ اعمال می نمایند. طبقه کارگر و توده های آگاه ما فریب این عوام فریبی ها را نخواهند خورد. آنان می - بینند که بنی صدرها و رجائی ها و بهشتی ها نمایندگان بورژوازی بوده و از این طبقه استثمار گرد دفاع نموده اند. آری بنی صدرها و

بقیه در صفحه ۳۵

امروز مثل سابق نیست؟!!

آیت الله خمینی روز دوشنبه گذشته نطقی کرد که اساس آن در این سؤال خلاصه میشود: آیا حالا مثل سابق است؟ در این نطق آیت الله خمینی یکبار دیگر نمایندگان بخشهای مختلف رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را مورد تائید صریح خود قرار داد، یکبار دیگر از سرمایه داری وابسته به امیرا لیس دفاع نمود و یکبار دیگر کوشید تا با عوام فریبی، کارگران و توده های زحمتکش را تحمیل نموده و مبارزات آنان را منحرف سازد.

همانطور که میدانیم فشارهای از دستم و استثمار بورژوازی حاکم، بحران سرمایه داری وابسته و جنگ خانمان سوز کنونی، کارگران و سوار توده ها را به فقر و فلاکت بسایقه ای کشانده است و آنان را بیش از پیش به مبارزه آشکار تر علیه رژیم سوق داده است. بی اعتمادی توده های زحمتکش نسبت به رژیم سرعت افزایش می - یابد و آنها در تجربه خود گذشته های کمونیستها را در می یابند که این رژیم مانند رژیم شاه مداخله سرمایه داران و دشمن زحمتکشان است. کارگران و سوار توده ها بیش از پیش از رژیم جمهوری اسلامی سبزا ر می بینند چرا که در زندگی روزمره خود می بینند که رژیم کنونی در صدد باز حمت - کشان ما ندر رژیم شاه است. اما نمایندگان رژیم میکوشند این واقعیت را پنهان کرده و توده ها را فریب دهند. خمینی میگوید: "میگوید جمهوری اسلامی هم همان نظام شاهنشاهی است... یک لفظی را برداشته اند روی نظام شاهنشاهی گذاشته اند و اسمش را گذاشته اند جمهوری اسلامی محتوای هم همان نظام شاهنشاهی است." و سپس خمینی در مورد اینکه چرا رژیم حاکم با رژیم شاه متفاوت است در عین تائید همه جناحهای رژیم یعنی لیبرالها و حزبیها میگوید: "آبائی صدر ما ننشاند است و آب کردار او همانند کردارهای شاه میباشد، او میگوید آب رجائی ما نندنخست - وزیران زمان شاه است؟ آب بهشتی و رجحانی و... ما ننند عوام رژیم گذشته میباشد؟ و بالاخره خمینی به سؤالات فوق پاسخ میدهد که "حالا مثل سابق نیست؟!"

این واقعیتی است که رژیم سرسپرده شاه خاش بر اشمارا زات دلاورانه خلق سرگون شد و دولت موقت که محصول سازش خمینی، حزبی ها لیبرالها و امیرا لیس بود بر سر کار آمد، این واقعیتی است که رژیم شاه یک رژیم کار -

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست